دافغانستان اسلامی جمهوریت
وزارت امور مهاجرین وعودت کننده گان
ریاست اطلاعات وارتباط عامه

عودت

فصلنامه

تحلیلی، معلوماتی و اجتماعی

شماره ۱۵ خزان ۱۳۹۹

بیوگرافی وزیر امور مهاجرین و عودت کنندگان

نام : نور رحمن
تخلص : اخلاقی
نام‌پدر : رجب‌علی
سال تولد : ۱۳۵۸/۱۹۷۹
محل تولد : ولسوالی ده‌صلاحِ اندراب - ولایت بغلان
زبان‌مادری : فارسی دری

تحصیلات:

۱. لسانس از دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل
۲. ماستری مدیریت بازرگانی- استراتیژیک از دانشگاه آزاد اسلامی

تجارب:

۱. رییس تلویزیون نور
۲. عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی افغانستان
۳. سردبیر هفته‌نامه ثبات
۴. کار در ریاست سکتور خصوصی وزارت زراعت
۵. اکنون وزیر امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان

بسم الله الرحمن الرحيم

فصلنامه **عــــودت**

تحلیلی، معلوماتی و اجتماعی

صاحب امتیاز :
وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

مدیر مسوول :
اسلام الدین جرأت

هیات تحریر :
اسلام الدین جرأت
علی رضا موحدی
محمد اشرف حنیفی
محمد رضا باهر
آزاده رضایی
جمال ناصر نادری
میر حسین ضیایی

ویراستاران :
آزاده رضایی و سید پشتون پشتون

گزارش گر:
سید جلال محسنی بهشتی

عکاس :
حمید الله مسافر زاده

دیزاینر:
حمید الله شریفی (۰۷۴۵۲۱۵۹۱۱)

چاپخانه:
مطبعه صنعتی اکبر
کابل پل سوخته لب دریا ۰۷۴۸۸۵۲۵۶۹

در برگ های این شماره

• سرمقاله ٤
• از تحقق صلح تا بازگشت مهاجران؛ ٦
• آسیب های اجتماعی- فرهنگی مهاجرت ٨
• ډله ایيزه کډوالي ١٠
• از مهاجرت تا مخاطرت؛ ١٣
• مهاجرت؛ عوامل و انواع آن ١٨
• تبیین رابطه مهاجرت با پلورالیسم فرهنگی ٢٣
• مردی‌که با ٢٠ عضو خانواده اش «پیاده» ٢٩
• مهمترین های وزارت ٣٠
• خدمات و رسیدگی ها در ولایات ٣٩
• رویدادهای جهانی مهاجرت ٥٤
• پس از مهاجرت ٦٠
• افغان‌ها و آنسوی مرزها ٦٣
• مهاجرت و مردم ٧٢
• مهاجرت و ورزش ٧٨
• مهاجرت و گنجینه ای ادبیات ٨٤

چرا کارزار ملی میهن من عزت من ؟

افغان ها پس از سوریه بیشترین آمار مهاجران و پناهندگان جهان را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، افغانستان با داشتن سیلی از مهاجر در کشورهای جهان، در رده‌ی دوم کشورهای مهاجر فرست قرار دارد. در حال حاضر حدود شش و نیم میلیون مهاجر افغان در بیرون از کشور زندگی میکنند. در کنار این بیشتر از ۱۰ میلیون مهاجر از سال ۲۰۰۲ بدینسو به کشور برگشت کرده اند.
پس از سال ۲۰۱٤ در حالی‌که شاهد برگشت شمار زیاد مهاجران در افغانستان بودیم با تأسف در برابر این واقعیت تلخ نیز قرار داریم که شماری از شهروندان افغانستان به گونه غیرقانونی کشور را ترک کرده اند که تعدادی قربانی قاچاق انسان و مهاجرت غیر منظم می شوند. آمارهای ثبت شده نشان می دهد که مهاجرت شهروندان کشور به کشورهای همسایه و از آنجا به سوی اروپا از سال ۲۰۱۵ که به شکل سیل آسا صورت گرفت؛ تاکنون سیر نزولی داشته و کاهش یافته است. با آنهم یک تعداد از شهروندان به خاطر دریافت کار از طریق مسیر های غیرقانونی وارد کشور ایران می شوند که بیشتر با مشکلات و چالش ها روبرو اند.
وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان ضمن نگرانی از قربانی شدن شهروندان در مسیرهای قاچاقی از تمام کسانی‌که عزم مهاجرت دارند می‌خواهد تا از مهاجرت‌های غیرقانونی خود داری نموده خود و فامیل شان را در معرض خطرهای که منجر به نابودی می‌شود قرار ندهند.
وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان به منظور جلوگیری از مهاجرت های غیر قانونی برنامه های آگاهی عامه را در رابطه به پیامد های مهاجرت های

غیر قانونی و پیامدهای های قاچاق انسان از طریق اعلامیه های مطبوعاتی، حضور یافتن مسئولان اطلاعاتی در رسانه‌ها، کنفرانس‌های مطبوعاتی، برنامه اختصاصی رسانه‌ای و رسانه‌های اجتماعی رسمی وزارت با مردم شریک ساخته، با آنهم این برنامه نیاز به همکاری، حمایت گسترده و کمپاین وسیع دارد.
یکی از مشکلات عمده در جامعه ما عدم آگاهی درست جوانان و فامیل ها از پیامد مهاجرت های غیر قانونی و نامنظم و عدم دانستن حقوق پناهندگی و قوانین کشورهای مقصد می‌باشد که باید سطح آگاهی مردم را در بابت پیامدهای منفی مهاجرت‌های نامنظم و غیر قانونی از طریق بسته‌های معلوماتی افزایش داد. دراین راستا وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان برنامه مشوره دهی به مهاجران بالقوه را از طریق مرکز معلومات مهاجرت(MRC) راه اندازی نموده که نیاز به گسترش بیشتر دارد.
هم‌چنان در زمینه استفاده جویی‌های قاچاقبران

ادامه در صفحه بعد

سطح آگاهی افغان‌ها پایین بوده و فامیل‌ها و جوانان درست نمی‌دانند که قاچاقبران بدون اینکه آنها را به مقصد شان برساند از مجبوریت شان سو استفاده می‌کنند. در این زمینه می‌شود با بلند بردن سطح آگاهی عامه در مورد زیان‌ها و مشکلات سفرهای غیر قانونی و نامنظم و قاچاق انسان، سطح مهاجرت‌های غیر قانونی و قاچاقی را پایین آورد.

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان برنامه آگاهی دهی را از خطرات مهاجرت های غیرقانونی از طریق شبکه های اجتماعی رسمی خویش همگانی می‌سازد. همچنان این وزارت در همکاری با نهادهای همکار بین المللی برنامه آگاهی دهی از حقوق برگشت کنندگان در داخل کشور، چگونگی اخذ تذکره تابعیت، چگونگی ادامه تحصیل فرزندان برگشت کننده در داخل کشور و سایر حقوق آنان را با استفاده از شیوه های یادشده با مردم شریک ساخته است.

هم‌چنان این وزارت با همکاری دفتر اتحادیه اروپا کمپاینی را جهت جلوگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی به راه انداخت که این کمپاین از طریق برنامه‌های رادیویی در کابل و ولایات کسانی را که تجربه مهاجرت داشتند دعودت نموده و از آنان می خواستند تا مشکلات و چالش های را که در مسیر های قاچاقی دیده اند با مردم شریک سازند.

با توجه به برنامه های که قبلا صورت گرفته نیاز است تا برای کاهش قربانی شدن شهروندان در مسیر های قاچاقی برنامه‌های آگاهی دهی بیشتر تقویت شود. پس از آنکه دو حادثه المناک در مسیر قاچاقی ایران و افغانستان صورت گرفت که در پی آن تعدادی از شهروندان ما به دریا غرق و موتر حامل شان آتش گرفت، دولت افغانستان با جدیت بیشتر روی جلوگیری از مهاجرت های غیرقانونی متمرکز شد و به وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان مسئولیت سپرد تا کمپاین آگاهی از خطرات مهاجرت های غیرقانونی را به راه بیاندازد.

در نتیجه این تاکیدات وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان با همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت امور داخله، رادیو تلویزیون ملی و برخی نهادهای ملی دیگر کمپاین ملی میهن من – عزت من را در روشنایی مصوبه شماره (۸) مورخ ۱۹ / ۳ / ۱۳۹۹ جلسه کابینه جمهوری اسلامی افغانستان به راه انداخت تا توانسته باشد در زمینه جلوگیری از مهاجرت غیر قانونی شهروندان سهم خویش را ادا نماید.

این کمپاین در دو بخش راه اندازی شد، یکی نشر پیام‌ها و رسانیدن مطالب مورد نظر از طریق وسایل و کانال‌های ارتباطی دست داشته دولت و دیگری با استفاده از رسانه ها و کاناهای ارتباطی خصوصی است که در بدل پول صورت می‌گیرد.

این کمپاین به صورت کلی توسط وزارت امور مهاجرین و همکاران ملی اش آغاز یافته و برای جلب حمایت‌های مادی و گسترش آن در حال تلاش است.

در این کمپاین پیام‌ها و مطالب بازدارنده از طریق شبکه‌های اجتماعی نهادهای دولتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای که به مربوط به نهادهای دولتی است، روزنامه‌های دولتی، ارسال پیامک از طریق شبکه های مخابراتی به کاربران آن و مساجد اطلاع رسانی صورت می‌گیرد. همچنان وزارت امور مهاجرین تلاش می نماید تا حمایت مالی دولت را با خود داشته باشد تا پیام های بازدارنده را از طریق رسانه‌های خصوصی، تدویر برنامه‌های فرهنگی و نصب تابلوهای تبلیغاتی در شهرها نیز آغاز نماید.

از تحقق صلح تا بازگشت مهاجران؛ آیا مهاجران افغان بار دیگر حیات شان را رسک خواهند کرد؟

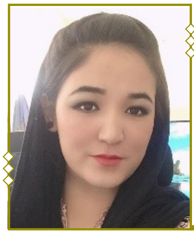

آزاده رضایی

افغان‌های مهاجر روی چی تضمینی باید به‌افغانستان برگردند؟

افغان‌ها در چهار برحه‌ی زمانی بصورت گسترده و دسته دسته از افغانستان به کشورهای ایران، پاکستان و اروپا مهاجرت کرده‌اند. عمده‌ترین دلیل مهاجرت نا امنی بوده و میلیون‌ها افغان با هزینه های بلند خودشان را از دم تیر دهشت افگنان در کشور نجات داده و به مقصد معلوم و نامعلومی مهاجر می شوند. عدم ثبات شغلی، شرایط دشوار زندگی و بیکاری جوانان از عوامل دیگر این پدیده شناسایی شده است.

نخستین بار پس از انقلاب هفت ثور، موج عظیمی از مهاجران افغان در ایران و پاکستان سرازیر شدند. گستره‌ی این موج پس از سقوط دولت داکتر نجیب، رییس جمهور وقت افغانستان ریزتر شد و شماری از مهاجران دوباره به کشور بازگشتند. این موج بار دیگر با قدرت‌گیری مجاهدین و شروع جنگ‌های خانه به خانه خروشان شد و هزاران افغان آواره‌ی ملک‌های غربت گردید. درگیری ها بر سر گرفتن کرسی قدرت کماکان ادامه داشت و این‌بار یک گروه دیگر (طالبان) در سال ۱۹۹٦ پرچم پیروزی را بر فراز کوه‌های کابل_پایتخت بر افراشت. سومین باری که گراف مهاجرت سیر صعودی به خود گرفت دوره حکومت طالبان بوده است و قصه‌ی غم انگیز مهاجرت گسترده‌ی افغان‌ها یک بار دیگر در سال ۲۰۱٤ تکرار شد.

افغانستان جنگ زده اکنون در مقطع تاریخی قرار دارد. سر انجام قرار است سلاح ها بر زمین گذاشته شود و این جنگ‌های که منجر به آواره شدن دست‌کم شش و نیم میلیون افغان شد در آینده‌ی نزدیک پایان بیابد. در آستانه‌ی گفتگوهای میان افغانان (دولت افغانستان و تحرک طالبان) چشم انداز افغانستان پس از صلح که در نتیجه‌ی توافقات دو طرف صورت خواهد گرفت برای مردم دو گونه است؛ (افغانستان امن و افغانستانی‌که هنوز هم بر اثر جنگ مه‌آلود است.) دسته‌ای انتظار دارند که چهره‌ی زیبای پساصلح کشور جنگ زده‌ی شان را ببینند این بخشی از مردم در کمال خوش‌بینی از مذاکرات صلح، برای روزهای بدون جنگ لحظه شماری می‌کنند. دسته‌ی دیگری از شهروندان افغانستان اما چندان خوشبین این پروسه و توافقات دوطرف به‌نظر نمی‌رسند. بیم تکرار روزهای تاریک پس از معاملات سیاسی با طالبان و سهیم ساختن این گروه در قدرت در دلهای شان را دارند_ گروهی که بیش از ۲۰ سال در افغانستان خون ریختانده، آثار تاریخی کشور را خاک و دود ساخته، دشمن

ادامه در صفحه بعد

معارف و آبادی بوده و لگد بر گلون‌های حق طلبانه‌ی زنان بوده و کارنامه‌ی شان نزد مردم افغانستان تاریک‌تر از سیاهی بوده است؛ این کارنامه اکنون از سوی مردم ورق زده می‌شود_از افغانستان گرفته تا مردمی‌که همین کارنامه‌ی سیاه آنان را از کشورش آواره‌ی یونان، ترکیه، آلمان، استرالیا، ایران و پاکستان ساخته است.

شش و نیم میلیون افغانی‌که طی سال‌های متمادی جنگ از خونریزی و تبعیض به‌کشورهای بیگانه پناه برده‌اند نیز از دو عینک گفتگوهای صلح را برانداز می‌کنند و چشم اندازهای متفاوتی از افغانستان پسا صلح دارند و به همین ترتیب تصامیم شان مبنی بر بازگشت به وطن نیز متفاوت است. یک دسته‌ی از مهاجران افغان، افغانستان عاری از خشونت را در قاب توافق دو طرف (دولت و طالبان) می‌بینند و با خوش‌بینی از تحقق صلح، پلان بازگشت به آغوش مادر و کوچه‌های شان را دارند_ افغانانی‌که روزی از جبر تاریخ لاجرم کوله‌بار خالی از زحمات و خاطرات چندین ساله‌ی شان را بسته و راه دشوار مهاجرت و جنگل‌های وحشت‌انگیز یونان و ماهی‌های سواحل وان را در پیش‌گرفته بود. این افغانان مهاجر از فرط دلتنگی و درد آوارگی سرودهایی برای افغانستان‌شان سروده‌اند، دسته‌ی دیگری از مهاجران افغان اما دیگر هیچ تضمینی را برای بازگشت شان به افغانستان عاری از قتل و کشتار نمی‌پذیرند.

آنان تغیرات در اندیشه و استراتیژی طالبان را یک امر محال می‌دانند و اعتمادی به توافق صلح ندارند. در چندین مصاحبه‌ی انترنتی‌که‌با مهاجران افغان داشته‌ام هیچ‌یک از مصاحبه شوندگانم کلمه‌ی بازگشت را به زبان نیاورند و در پاسخ

به‌این پرسش که‌آیا پس از توقف جنگ طالبان با دولت به وطن برمی‌گردد؟ گفتند که «حاضر نیستند تا یکبار دیگر حیات شان را رسک کنند.»

از سوی‌هم، برخی از مهاجران افغان در واکنش به‌کارزار (میهن من_عزت من) که از سوی وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان با همکاری دولت راه‌اندازی شده بود، گفته‌اند که به‌هیچ عنوان حاضر نیستند به‌افغانستان برگردند؛ حتی اگر طالبان دیگر با دولت نجنگند.

در سال‌های نخست شکست طالبان و روی کار آمدن نظام دموکراتیک که در رأس آن حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور بود، تعداد زیادی از مهاجران افغان که شمار آنان به بیش از دو میلیون تن می‌رسید به افغانستان عودت کرد. بازگشت کنندگان به‌امید روزهای روشن و افغانستان آرام دوباره به وطن شان بازگشتند. از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ خاک کشور نفسی آرام گرفت و مردم زیر پرچم نظام مردم سالار طعم شیرین زندگی بدون جنگ را می‌چشیدند؛ اما انگار قرار نبود افغانستان آرام باشد. صدای نخستین انفجار ماین طالبان پس از هفت سال دوباره خون را در رگ‌های مردم خشک ساخت. جنگ و انفجار

ادامه در صفحه بعد

از تحقق صلح...

ادامه

یکی پس از دیگر شدت گرفت و طالبان این‌بار با عزم راسخ‌تر برای بدست آوردن قدرت وارد نبرد با دولت شد_ نبردی که سبب آواره ساختن دوباره‌ی افغان‌ها از وطن شد و از قدعلم کردن دوباره‌ی طالبان تا کنون میلیون‌ها افغان مجبور به ترک افغانستان شدند.

با این حال، وزارت امومهاجرین و عودت کنندگان به عنوان آدرس کلیدی برای بازگشت کنندگان پیش بین است که پس از تحقق صلح بازگشت احتمالی دست‌کم چهار میلیون مهاجر را شاهد باشد و اکنون برای پذیرایی از این آمار بلند برنامه ریزی می نماید.

اکنون که نشست بین المللی ژنو در رابطه به تعهدات جامعه جهانی برای افغانستان برگزار شد و ادغام پایدار برگشت کنندگان نیز در رده های آجندای آن قرار داشت، دیده شود که این تعهدات چقدر برای برگشت مهاجران تحقق پذیر است و تا چی اندازه می تواند اعتماد مهاجرانی را که منتظر فرصت برگشت هستند، جلب کند؟

آسیب های اجتماعی- فرهنگی مهاجرت

میرحسین «ضیایی»

مهاجرت به عنوان یکی از راه‌های تلاش انسان برای فایق آمدن بر دشواری‌های زندگی است. امروزه تعداد زیاد از افراد جامعه برای بهبود شرایط خود و خانواده چون شرایط اقتصادی، آموزش، مسکن و آزادی شخصی شان مهاجرت می‌کنند.

مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای تاثیر و نفوذ قابل ملاحظه ای در ابعاد فرهنگی و زوایای اجتماعی است. افراد مهاجر با شناختی که از محیط پیدا می‌کنند، عکس العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. تغییرات که در استای انطباق و سازگاری با شرایط موجود می‌تواند زمینه‌های رفتن یا ماندن مهاجرین را تحت تاثیر قرار میدهد. بنابراین پرداختن به پیامدهای این جابجایی های بزرگ بر روی مهاجرین می‌تواند زوایای اصلی این واقعیت را مشخص سازد.

در بعد فرهنگی؛ مهاجرین دچار تغییراتی در وضعیت اخلاقی و بینشی خود می‌شوند. علاوه بر این مهاجرت با تاثیر پذیری مهاجرین از جنبه های مختلف اجتماعی و فرهنگی از محیط جدید آثار مهمی بر سیمای ظاهری و هم چنین زندگی

ادامه در صفحه بعد

روزمره افراد بجا می گذارد که در قالب تغییرات و دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی نمود می یابد. مهاجرت تصمیمی ساده از آینده مهاجر نیست، شناخت بیشتر مهاجرین، اثرات محیط بر مهاجرین و هم چنین اثرات مهاجرین بر محیط جدید در قالب آثار و پیامد های مهاجرت، به درک بیشتر از پدیده مهاجرت خواهد انجامید.
به بیان دیگر اثرات مهاجرت بر مهاجرین یکسان نبوده و ممکن است متغیرهای گوناگون هم چون تحصیلات، شغل، میزان در آمد، سن، مدت اقامت، فاصله محل سکونت نسبت به مقصد و ... به میزان متفاوت بر آنها تاثیر بگذارند.
افرادیکه مهاجرت می کنند از یک سو تلاش دارند فرهنگ پیشین خود را فراموش کنند و از آن جدا شوند و از سوی دیگر در هم نوایی با هنجارها و موازین فرهنگی جدید کوشش می کنند. به همین علت و با توجه به این که فرهنگ پیشین در مقابل فرهنگ جدید مقاومت دارد به سادگی تسلیم نمی شوند، جریان پیچیده و کندی به وجود می آید که ممکن است تا آخر دم حیات، فرد مهاجر را تحت تاثیر خود قرارد دهد. مهاجرت نقش اساسی در فعل و انفعالات مختلف اجتماعی و جمعیتی دارد در بسیاری از جوامع شهری کشور های توسعه یافته، یکی از چالش های مهم و جدید افزایش تعداد مهاجرین بین المللی در آنها می باشد. این فرایند علاوه بر افزودن جمعیت کم در آمد، باعث تنوع فرهنگی شهری می گردد که در بسیاری از موارد شکل محرومیت شهری را به طور قابل مشاهده ای بالا می برد و نیاز به یک سند راهبردی تنوع فرهنگی با اهمیت تر می کند.
بی گمان هر مقوله اجتماعی و یا حرکت فراورنده ای که در یک جامعه رخ می دهد به دنبال خود دارای پیامدهای مثبت و منفی است و مهاجرت نیز نمی تواند ازاین قاعده مستثنی می باشد.
از دیدگاه فرهنگی، نکته مورد اهمیت در تمام مهاجرت ها یکسان نبودن فرهنگ مبدا و مقصد است. تفاوتهای فرهنگی میان مبدا مقصد مهاجرت می تواند منشا مسایل و مشکلاتی برای مهاجرین باشد. فراوانی میزان ناهنجاری های اجتماعی از نمونه های بارز این گونه مشکلات است. هم چنین پدیده حاشیه نشینی و پیامد های اجتماعی و فرهنگی آن از عوارض اینگونه مهاجرت ها است.
کلیه مهاجرین از هر گروه سنی و جنسی با هر طبقه ای اجتماعی، به نحوی مشمول تبعیض های مناطق پذیرنده می باشند. مهاجرین به مجرد ورود به مقصد با انواع واکنش ها و برخوردهای اجتماعی از طرف ساکنان بومی مواجه می شوند و اغلب در معرض خشم و بی اعتباری مردمی و در برخی موارد تحت تحریم قانونی و آماج خشونت شخصی یا مجازات دولتی از سوی حاکمان و بومیان کشور میزبان قرار می گیرند، چنانچه آنها نقصان اقتصادی را پر کنند و بتوانند به طور موثر در توسعه کشورهای دخیل گردند مورد استقبال مرجع ایالتی قرار خواهند گرفت.
اگر چه عکس العمل مهاجرین ممکن است

ادامه در صفحه بعد

در برابر تبعیض موجود در جامعه مهاجر پذیر متفاوت باشد ولی نمی توان انکار کرد که تبعیض به هر صورت که باشد آثار منفی بر روی رفتارهای مهاجرین به جای می گذارد. این مساله برای اداره کنندگان جوامع مهاجر پذیر پوشیده نیست. با وجود این تبعیض رسمی و تعصب نژادی از جمله مشخصات رایج جوامعی بوده است که مهاجرین به آنها می پیوندند.

افراد و گروه های مهاجر احساس می کنند به نحوه موثری در جامعه ادغام شده اند. آنها احساس می کنند که کنترل اجتماعی غیر رسمی بر رفتار شان برداشته شده، کمتر خود را در برابر ارزش ها مسول می دانند. فرد مهاجر چون فردی که از نقطه ای دور دست با فرهنگ مغایر به محیط جدیدی وارد می شود دچار تعارض فرهنگی شده و احتمال انحراف از ارزش های فرهنگی و عقیده تی نزد وی افزایش می یابد.

از بین رفتن هویت فرهنگی و بومی از دیگر پیامدهای مهاجرت به شمار می رود. مهاجرین با کوله بار از هنجارها و ارزشهای قومی و ملی خویش بار سفر را بسته و ترک دیار می کنند و به جوامعی وارد می شوند که برای خود هنجارها، آداب و رسوم ویژه ای دارد و از تازه واردان نیز انتظار دارد که خود را با آنها همراه و سازگار کنند.

ارتباط آزاد و طبیعی دو قوم با یگدیگر که در آن عناصری از فرهنگ یک قوم بدون هیچ اجبار به قوم دیگر منتقل گردد، برخورد فرهنگی نام دارد و موجب دگرگونی های ژرف فرهنگی و اجتماعی می شود. از سوی دیگر پدیده مهاجرت باورهای فرد مهاجر را نیز دیگرگون می کند یکی از این باورها عقاید دینی است.

ډله ایيزه کډوالي

سیدپښتون پښتون

بهرنیوهېوادونو ته دافغانانو پر له پسې ډله ییزمهاجرت په اوس مهال کې یوه لویه ډله جوړوي چې اروپا او نورو هېوادونو ته د ورغلو کډوالو شمېره لا پسې لوړوي. دا موضوع په خپل وار سره د کډوالو د پلوي او مخالفو غورځنګونو او ګوندونو په تودو بحثونو اوښتې ده او د دوی تر منځ يې د سیاسي تضاد کچه لا لوړه کړې ده.

په داسې حال کې چې حکومتونه او وګړي د کډوالو له یرغل سره دښه چلند هڅې کوي، په کور دننه د دوی د ریښتیني او فرضي شمېرې موضوع په سیاسي وسیلې اوښتې ده. یو شمېر هېوادونو خپل قوانين لا پسې سخت کړل او خپلې پولې يې وترلې، په داسې حال کې چې ځینې نور بیا داسې نه کوي.

المان چې په لومړي سر کې یې کډوالو ته ښه

ادامه در صفحه بعد

راغلاست ووايه، اوس يې ډېر سخت دريغ غوره کړی او وايي هغه کډوال به چې د پناه غوښتنه يې و نه منل شي وباسي.

د ډله ايېزي کډوالۍ ستر لاملونو ناسم امنيتي او اقتصادي وضعيت او له راتلونکي څخه دځوانانو ناهيلي ده،چې ډېری وخت د همدغه عناصرو له کبله ډله ډله ځوانان هېواد پرېږدي او بهرنيو هېوادونو ته ځي.

د اوسني بحث مرکزي عنصر دادی چې آيا هغه پناه غوښتونکي چې اوس راځي، له کورنۍ جګړې راتښتي او که اقتصادي کډوال دي. داسې څوک نشته چې ووايي زه يوازې د نا امنۍ او يا هم د ژوندانه يا ښه ژوندانه د فرصت په لټون پسې ځم.

يوشمېر ځوانان ددې له پاره بهر ته ځي چې د حالاتو د لا خرابېدو په صورت کې دکورنۍ لپاره ترې د يوې تکيې په توګه کار واخيستل شي. ده حيرانتيا خبره نده؛ د افغانانو مشر نسل له ۱۹۷۳ کاله تر اوسه پورې د ۹ رژيمونو د بدلون شاهد دی چې له ډېرو سره يې تاوتريخوالی ملګری و. د کډوالو ترمنځ ډېر ځوانان شته چې د افغانستان د هر ډول بيارغونې لپاره ډېره مهمه سرچينه ده. خو ځوانان په دې نه پوهيږي چې بهرنيو هېوادونوته به د سفرپه ترځ کې له څه ډول ستونزو سره مخامخيږي.

ټول افغانان نه پوهېږي چې په بهرنيو هېوادونوکي پرې څه تيريږي لکه مرګ،وهل ډبول،بندتېرول او داسې نور. موږ داسې فکر کو چې دوی نه پوهېږي چې په اروپا او نورو هېوادونو کې دوی ته څه شی انتظار کوي. دا چې دوی نه شي کولای سمدلاسه پناه ترلاسه کړي، په هر هېواد کې قوانين بېل بېل دي، تر هغه چې ددوی د پناه غوښتنليک څېړل کېږي کار نه شي کولای او نه په کوم لوی اپارتمان کې ځای ورکول کېږي.
دوی ته بايد په ريښتيني توګه ورويل شي چې څه ته سترګې په لاره وه اوسي څو وروسته بيا خپله پريکړه وکړي.

له يو هېواد څخه د ځوان نسل تښته په اصل کې د يوې سترې معنوي سرمايې تېښته ده او هر هېواد هڅه کوي چې دغه ځوان کاري ځواک په خپله ګټه وکاروي او ځان ته يې جذب کړي انساني سرمايه د اقتصادي پرمختګ ستر لامل بلل کېږي او د دغې سرمايې تېښته د انساني ځواک له تشې سره مخامخ کوي او په لنډ مهال او اوږد مهال کې د هېواد لپاره ناوړه پايلې رامنځ ته کوي .

يو شمېر هېوادونه د خپلې ځواني انرژۍ له مهاجرته کرېږي او نه شي کولای چې دغه انساني ځواک وساتي افغانستان يو له هغو هېوادونو څخه دی چې له دغې سترې ننګونې سره مخ دی دغه هېواد چې اوس د بيارغونې په حال کې دی تر نورو ډېر ځوان کاري ځواک ته اړتيا لري .

د ۲۰۱۵ کال په ورستيو کې ګڼو افغانانو اروپايي هېوادونو ته مخه کړه چې يوه لويه برخه يې افغان ځوانان جوړوي له دې سره افغان دولت يوه ستره مادي او معنوي سرمايه له لاسه ورکړه .

که څه هم په لومړي سر کې افغان دولت و نشو کړای چې د خپلو ځوانانو د تېښتې مخه و نيسي خو اوس دغه هېواد هڅه کوي چې د ځوانانو د تېښتي مخنيوی وکړ ي او په دغه برخه کې يې د پام وړ ګامونه اخيستي دي .

افغان دولت لاس په کار دی ، چې اوس له راستنيدونو وروسته د کډوالۍ له ظرفيتونو او

ادامه در صفحه بعد

ډله ایېزه...

ادامه

د دوی له نویو تجربو، مهارتونو او نوښتوتونو څخه چې دوی یې په کډوالۍ کې ترلاسه کړي د کډوالۍ د اقتصادي فرصتونو په توګه کار واخلي.
ګڼ شمېر کډوال په یوشمېر پرمختللو هېوادونو کې په لوړو زده کړو بوخت دي ، له فني او حرفوي زده کړو برخمن شوي ، بیلابیلي تجربي یې ترلاسه کړي ، په نوي تکنالوژۍ سمبال شوي او د نویو فکرونو خاوندان دي، دغه ځوانان د افغانستان لپاره یوه ستره بشري پانګه بلل کېږي .
یو شمېر هېوادونه هڅه کوي چې د کډوالۍ له دا ډول ظرفیتونو ګټه پورته کړي او د دوی د بېرته ستنولو لاري چاري برابري او له دغه انساني ځواک څخه د هېواد د بیارغونې او پرمختګ په ګټه کار واخلي.
هندوستان، چین، جنوبي کوریاو یوشمېر نور هېوادونو د خپل پرمختګ لپاره له دغه فرصت څخه ستره ګټه پورته کړې د دغو هېوادونو ځوانان له خپلو هېوادونو سره په علمي ، کلتوري او نور برخو کې د اړیکو د ټینګولو له لاري ډېري ګټي رسولي همدارنګه دغه ځوان خپلو هېوادونو ته په بېرت ګرځیدو سره له خپلو ظرفیتونو او تجاربو ستره ګټه پورته کړي .
افغانستان هم یو له هغو هېوادونو څخه دی چې ډېری کډوال یې په بهرنیو هېوادونو کې په بېلابېلو برخو کې زده کړې او تجربې ترلاسه کړي د نورو هېوادونو ترڅنګ په پاکستان او ایران کې چې زمونږ ګڼ شمېر افغانان مېشت دي دوي د دغو دوو هېوادونو په پوهنتونونو کې لوړي زده کړې

کړې ، ځوانان دغلته پر نوي تکنالوژۍ سمبال شوي او دې ته ورته نورې زده کړې او تجربې یې ترلاسه کړې.
د ۲۰۰۱ کال راهیسې د ٦ میلیونه راستنو شویو کډوالو له ډلې څخه اکثرا یې په دولتي ادارو کې په لوړو پوستونو کې په دندو بوخت دي او د دولت او خصوصي سکتور د کارکوونکو یوه عمده برخه په ځانګړې ډول د تکنالوژۍ او ای تي په برخو کې هغه ځوانان دي چې په پاکستان او ایران کې یې زده کړې کړې .
د دوي له راتګ سره تر یوه حده د ظرفیتونو تشه ډکه شوې او ډېر ښه ظرفیتونه د افغانستان په دولتي او خصوصي ادارو کې په دندو بوخت دي .

ماخذونه

۱- بي بي سي پښتو وېب پاڼه ، کډوالي ، په پاکستان کې د افغان کډوالو وضعیت ، غبرګولي ۱۱ مه ، ۱۳۹۵
۲- دکډوالو چارو وزارت، عودت مجله، ۱۳۹۷ کال ،۸ مه ګڼه.
۳- د توماس رویتیک لیکنه، تاندوېب پاڼه.
۴- www.tolafghan.com

از مهاجرت تا مخاطرت؛ روان‌شناسی چه‌می‌گوید؟

سید جلال محسنی بهشتی

مقدمه

مهاجرت یک فرایند پرخم و پیچ انتقال به‌اساس عوامل گوناگون جهت رسیدن به‌هدف مطلوب و رویایی می‌باشد. مهاجرت برعلاوه‌ای که معایب و اضرار بی شمار را در پی‌دارد؛ خالی از منفعت نیز نیست. اما تیزاب اضرار، میوه‌ای منفعتش را ترش می‌کند. دیوار فیصدی منفعت کوتاه است، وانگه که فرد به‌کشور مقصود برسد مولد رویاهایش به‌کار افتاده دنیایی مطلوب خویش را متصور می‌کند، از فرط شادمانی به خود می‌بالد و آه غرور را سر می‌دهد. اندی‌که بماند با عدم تطابق فرهنگی، زبانی، قومی و فقدان مالی روبرو گردیده؛ هویت مرکزی‌اش مختل می‌گردد. هویت پیرامونی شکل خواهد گرفت، اما میدان آماده به حضور بدترین دشمن انسان همانا زخم روانی می‌گردد. زخم روانی گریبان مهاجر را به‌آسانی رها نمی‌کند. یک گزینه برتر برای حفظ هویت مرکزی وجود دارد، آن تقویت عزت نفس و ماندن در کشور خود است. فرار راه حل نیست.

در این متن، سعی نویسنده براین گذاشته شده است تا فرایند مهاجرت را در دِژ روان‌شناسی مورد کاووش و بررسی قرار دهد. از صعود به شاخه های بلند و خشک اضافه گویی حذر می‌کنیم. اقصرکردن متن را در عدم جایگزین کردن موضوع‌های تکراری چون عوامل مهاجرت و امثال‌آن دانسته، به‌اصل موضوع تمرکز می‌نمایم.

مهاجرت چیست؟

مهاجرت، فرآیندی است که از طریق آن افراد به اقامت دایم یا شهروند یک کشور دیگر تبدیل می‌شوند. از نظر تاريخي، روند مهاجرت براي دولت‌ها از مزاياي اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي بسياري برخوردار بوده است. تاریخچه مهاجرت طولاني و متنوع است و در بسیاری موارد منجر به پیشرفت جوامع چند فرهنگی شده است. بسیاری از ایالات مدرن با طیف گسترده‌ای از فرهنگ ها و قومیت‌های متنوع حاصل‌شده اند. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، مهاجرت عمدتاً نتیجه جنبش پناهندگان پس از جنگ و در دهه ۵۰ و ۶۰، پایان استعمار در سراسر آسیا و آفریقا بود. مهاجرت از این مناطق به مراکز امپراتوری سابق مانند انگلیس و فرانسه افزایش‌یافته است. مهاجران و کارگران مهمان با کار در صنعت، خدمات درمانی و حمل و نقل نقش اساسی در بازسازی زیرساخت های

ادامه در صفحه بعد

اروپای پس از جنگ جهانی دوم داشتند. جذب فرهنگ های متنوع اختلافات را در یک جامعه سرکوب می‌کند.

مهاجر کیست؟

مهاجر، کسی‌است که در امتداد مرزهای بین‌المللی و یا در داخل کشور به دور از محل سکونت همیشگی خود در حال نقل مکان است و یا نقل مکان کرده است. تفاوت ژرف بین مهاجر و پناهنده وجود دارد. این تفاوت بیشتر از آینه ای دایره محدودیت مطرح می‌گردد. پناهجو به‌کسی اطلاق می‌گردد که به اساس جبر زمان و شرایط نامساعد، از یک مکان به مکان دیگر فرار می‌کند و در صدد یک پناهگاه امن می‌گردد. پناهجویان توسط کنوانسیون ۱۹۵۱ مهاجران سازمان ملل متحد محافظت می‌شوند.

آمار مهاجرت در سراسر جهان

نخستین مهاجرت دسته‌جمعی افغان‌ها در سال ۱۸۶۰ میلادی/۱۲۳۹ ه.ش از افغانستان به‌استرالیا بوده است که در عقبه‌ای سیاه این مهاجرت، خواست انگلیس مطرح می‌گردد. البته در زمان زمامداران قبل از این سال مهاجرت های فردی و خانوادگی بسیار را تاریخ افغانستان شاهد است. تا قبل از سقوط طالبان، در سال ۱۳۸۰ه.ش/۲۰۰۱میلادی افغانستان با داشتن ۳,۵ میلیون آواره درکشور های همسایه و جهان ۴۰٪ از آواره‌های جهان را به خود اختصاص داده بود. اکنون نیز بیش از ۶ میلیون و ۷۰۰هزار افغان در کشورهای جهان به‌حالت پناهندگی و پناهجویی به سر می برد.

ادامه در صفحه بعد

اما جمعیت جهانی مهاجران از سال ۱۹۹۰ رو به رشد بوده است. تا سال ۲۰۱۵، تعداد مهاجران بین‌المللی به ۲٤٤ میلیون نفر در سراسر جهان رسیده است که نشان دهنده افزایش ٤۱٪ از سال ۲۰۰۰ است. یک سوم از مهاجران بین‌المللی در جهان فقط در ۲۰ کشور جهان زندگی می‌کنند. بیشترین تعداد مهاجران بین‌المللی در ایالات متحده زندگی می‌کنند و ۱۹٪ از کل جهان در آنجا زندگی می‌کنند. آلمان و روسیه هر یک میزبان ۱۲ میلیون مهاجر هستند و در کشورهای‌که بیشترین مهاجران را در سرتاسر جهان دارند، مقام دوم و سوم را از آن خود کردند. عربستان سعودی میزبان ۱۰ میلیون مهاجر است و پس‌ازآن انگلیس (۹ میلیون) و امارات متحده عربی (۸ میلیون). در سال ۲۰۱۵ تعداد مهاجران بین‌المللی زیر ۲۰ سال به ۳۷ میلیون نفر رسید، درحالی که ۱۷۷ میلیون نفر بین ۲۰ تا ٦٤ سال سن دارند. تقریباً نیمی (٤۳٪) از کل مهاجران بین‌المللی از آسیا سرچشمه می گیرند.

مراحل روانی فرایند مهاجرت

۱. منتظر مشتاق : در مرحله نخست، مهاجر تازه وارد با اشتیاق وارد کشور جدید می‌گردد. ترشح ادرنالین از اوج شادمانی او آنقدر می‌گردد که عاشقی به معشوق اش رسیده باشد. آنگه با دیدن به اطراف رویایی و خیال های واهی اش به دنبال تایید درونی مهاجرت خویش هستند. افکار های مملو از موفقیت ذهن او را ناخوداگاه به حصار خویش در می آورند. دانستن زبان دیگر، زندگی در یک کشور رویایی، داشتن پول و درامد، تحصیلات عالی و دریافت شغل مناسب رویاهای یک منتظر مشتاق است.

۲. اختلاف بین امیدها و واقعیت‌ها: فرد مهاجر بعد از مدتی عینک حقیقت را به چشم نموده و ۷۰٪ واقع بینانه می بیند. شرایط سخت، عدم تطابق فرهنگی و زبانی، فقدان منبع مالی، فقدان مواد غذایی، عدم دسترسی به شغل و شناخت بهتر از مردم کشور میزبان، کاخ بلند آرزو های او را کم‌کم فرو میریزاند. یأس و تنهای او را با پنجه‌های قدرتمند شان فشار می‌دهند. اندی به درستی انتخاب خود شک می‌کند!

۳. واکنش‌های قدرتمند و احساسات: اکنون، در این مرحله ای از فرایند مهاجرت فرد مهاجر کاملا در چنگال وجدان گرایی در مورد گذشته و استرس‌زایی آینده است. تمرکز بر آینده ای بدون پول، نان، مکان بودوباش و دور از تحصیل، از یکسو، تفکر بر از دست دادن دارایی های گذشته ای چون حمایت های عاطفی، مالی و اجتماعی خانواده و جامعه خویش از سوی دیگر همسان فشار قبر، ترسناک است و تنهایی برانگیز. آغاز زخم روانی از این‌جاست. فرد مهاجر در این مرحله، دچار کابوس، نفرت، خشم، بی‌خوابی، فراموش‌کاری، مگرن و امراض خطرناک روانی دیگر می‌گردد.

٤. زخم‌های روانی مهاجرت: در جهان بزرگ روان‌شناسی از اوایل قرن بیستم توجه خاص به روان‌شناسی مهاجرت معطوف گردیده است. اکنون در جهان مدرن شاهد روان‌شناسان بخش مهاجرت و مشاوره در این بخش مهم هستیم. فلهذا این موضوع جهانی و خطیر مولد انگیزه ای برای دانشمندانی محقق گردیده است. پژوهش‌های کتاب‌خانه ای و میدانی در مورد

ادامه در صفحه بعد

پیامد های این فرایند هولناک صورت گرفته است. ابعاد مختلف عوامل و پیامد هایش را بررسی کردند.

از جمله؛ تحقیقات کریستن‌سن و همکارانش هویداگر این است که تاثیر مسایل اجتماعی مثل هویت فرد و وضعیت اقلیت‌ها در جامعه میزبان، می تواند بر وضعیت فرد تاثیرات منفی داشته باشد. به اساس این تحقیق افراد پس از مواجهه با عوامل چون عدم حمایت های اجتماعی، جنسیت، سن، مهارت های زبانی، سطح تحصیلات، اعتقادات مذهبی، دلایل مهاجرت و روند مهاجرت تطابق را با شرایط جدید مشکل می سازد، این مشکل سازی کاهش اعتماد به نفس را در پی‌دارد. طبق این تحقیقات تطابق و سازگاری با جامعه و فرهنگ جدید در نسل اول و دوم مهاجران استرس‌زا است(BBC، ۱۳۹۵). در این مورد نتایج تحقیقات کارمایر درباره «استرس در مهاجران» خواندنی‌تر و جذابتر است. کارمایر نتایج تحقیقات خویش را به سه دسته تقسیم بندی نموده است:

۱. تاثیرات روانی مهاجرت بالای نوجوانان و جوانان: شرایط نامساعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی جوانانی را که به امید بهبودی شرایط کشور خود را ترک می‌کنند با موانع بسیار روبرو می‌کند. اکثر جوانانی‌که همان اندک پشتبانی خانواده را از نگاه های مالی و عاطفی از دست می‌دهند، زندگی شان ناپایدار می‌گردد. این زندگی ناپایدار فرد را در چاله ای ترسناک زخم‌های روانی می اندازد.

۲. تاثیرات روانی مهاجرت بالای زنان: به‌اساس این تحقیقات زنان بیشترین افسردگی را جهت ناآشنایی با محیط جدید، ندانستن زبان، بیکاری، ماندن در خانه و عدم تطابق فرهنگی دارا می‌باشد. افزون بر این افسردگی پس از زایمان در زنان مهاجر در مقایسه با زنان غیر مهاجر ۲-۳ برابر بیشتر است. از نگاه روانی، زنان زودتر و بیشتر در مقابل حوادث بیرونی و عدم تطابقت های هویتی مورد مخاطره روانی قرار می‌گیرد. افسردگی شدید حتا می‌تواند سبب مرگ گردد.

۳. تاثیرات روانی مهاجرت بالای سالمندان: بنا به‌این تحقیقات افراد سالمند که‌کمترین تعداد مهاجران را شکل می‌دهند نیز با آسیب‌های شدید روانی و روحی روبرو می‌گردد. دو طیف از انسان‌ها خیلی نیازمندی شدید به حمایت‌های عاطفی دارند؛ نخست، کودکان و دوم سالمندان. یک سالمند مهاجر دیگر مورد احترام قرار نمی‌گیرد. آب و غذایش در وقت مناسب به او نمی‌رسد. بی سروسامانی زندگی او را کسل‌تر و افسرده می‌سازد. از بین رفتن هویت مرکزی یک فرد مسن بیشتر او را در معرض آسیب های روحی قرار می‌دهد، بدتر از آن این است که هویت پیرامونی یک مهاجر سالمند مثل بقیه مهاجران، قابلیت زود شکل‌گیری را ندارد(BBC، ۱۳۹۵).

گفتنی‌است که از نگاه روان‌شناسی فزیولوژیک، سطح ترشح دوپامینِ ناشی از استرس و آینده‌ای مبهم/اضطراب در مهاجران بسیار بالا است. در این تحقیقات به‌گونه مستقیم کودکان مورد تمرکز قرار نگرفته بودند. اما به‌گونه غیر مستقیم مطلب رسانی گردیده بود. شرایط کودکان با سالمندان شباهت های از نگاه طلب حمایت عاطفی دارد. هردو توجه طلب هستند. سالمندان احترام می‌خواهند و کودکان نوازش و محبت!

ادامه در صفحه بعد

این نشان‌دهنده‌ای مخاطره پذیری شدید روحی و روانی کودکان در مقابل فرایند مهاجرت است.

نتیجه‌گیری

مهاجرت یک فرایند مخاطره‌آمیز و انتقال است. رویاهای واهی افراد را به سمت مهاجرت سوق می‌دهند. انسان‌های مهاجر در پی رسیدن به خواسته های مطلوب شان هستند. مهاجران در پی یک تغییر خوش‌بینانه هستند، اما در اصل دو نوع تغییر وجود دارد، نخست تدریجی؛ مثل افزایش سن، قد، وزن و... دوم، تغییر یکباره است، مثل قطع شدن دست، زلزله و مهاجرت. این تغییر دوم، به شدت آسیب زا است. ذهن نیمه خودآگاه فرد دردهای این تغییر را به ناخود آگاه انتقال می‌دهد و سال‌ها گریبان اش را رها نخواهد کرد. عدم تطابقت های فرهنگی، دینی و زبانی به فربه شدن، تغییر دوم مدد رسانی می‌کنند. گفتنی‌است که یکی از انگیزه های مهاجرت حقارت خودکم بینی است. برای جبران این حقارت جوانان می‌خواهد نقل مکان کنند. اما یک فرد قدرتمند، قدرت درون‌اش را عامل عزت نفس دانسته، از زیر بار مشکلات فرار نمی‌کند. بلکه عزم را جزم نموده، کمر همت برتغییر شرایط می‌بندد. رهبران و جوانان باعزت نفس، با اعتماد به نفس؛ و قدرتمند مثل اسکندر مقدونی محیط را تابع خود می‌کنند و هر فرد رهبر خود است. تکرار می‌کنم؛ هر فرد رهبر خود است! با یک جمله شیرین قرآنی به این نبشته نقطه‌ای پایان می‌گذارم، تفسیر و تحلیل‌اش با خودتان؛ العبد یدبر والله یقدر.

مهاجرت؛ عوامل و انواع آن

بانو میرزاد

چکیده

مهاجرت پدیده ای که همواره هم آغوش و همدم آدم ها بوده است و از سپیده‌دم تاریخ بشري تا به امروز به شیوه‌ها و چهره‌هاي گوناگون جریان و به تداوم خود ادامه داده است. نمي‌توان فصل و مقطعي از تاریخ و سرگذشت آدم را یافت که عاري و تهي از هجرت و نقل مکان افراد و گروه هاي بشري باشد. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل هایی را در جمعیت‌های تحت‌تأثیر خود به وجود بیاورد. با تحقق یافتن مهاجرت به برهان های مختلف و ورود خانواد های مهاجر به شهرها و کشورهای مهاجرپذیر، مهاجرین، اولین تجربه های حضور خود را با تفاوت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جستجو خواهند کرد. با مهاجرت نه تنها محل زندگی افراد تغییر می یابد، بلکه وضعیت اجتماعی آن‌ها هم دچار دگرگونی می شود.

علت مهاجرت برای افراد با ویژگی‌های مختلف شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند متفاوت باشد و مشخص است که نتایج و پیامدهای متفاوتی با خود به‌همراه خواهند داشت. این نوشتار نگاه کوتاهی به چرایی مهاجرت ها، انواع مهاجرت ها و پیامدهای آن داشته باشد.

کلید واژه ها: مهاجر، انگیزه ها، انواع، پیامدها.

مقدمه

انسان‌ها در درازای تاریخ در اثرِ عوامل متعدد اقدام به مهاجرت و ترک دایمی یَا مؤقتی زادگاه و زیست‌بوم آبایی خویش نموده‌اند. عوامل شایع مهاجرت‌های اجباری عمدتن آفات طبیعی مثل طوفان‌ها، زمین‌لرزه‌های ویران‌گر، خشک‌سالی‌های مداوم، قحطی، عدم دست‌رسی به آب و منابع آبی و جنگ‌ها و درگیری‌ها معرفی شده است. ولی مهاجرت‌های داوطلبانه که بیش‌تر در سدۀ بیستم رایج شده، بخشی از تلاش و فطرت طبیعی بشر برای دست‌یابی به شرایط بهتر زنده‌گی و معیشت می‌باشد.

بعد از ختم جنگ دوم جهانی‌که منجر به دو قطبی‌شدن جهان و آغاز جنگ سرد گردید، کشورهای غربی به منظور اِعمال فشار به رقیبان خویش در بلوک شرق و اَقمار آن، دست به اقداماتی زدند تا زمینۀ فرار و مهاجرت از این کشورها را مهیا سازند. در تداوم این سیاست با

ادامه در صفحه بعد

تصویب کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، مهاجرت رسماً به حیث حق مشروع انسان‌ها پذیرفته شد و در قوانین بین‌المللی به عنوان بخش مهم حقوق بشری ثبت گردید. احکام این کنوانسیون تأکید دارد که کشورهای امضا کننده مکلف‌اند کسانی را که عقاید و وابسته‌گی‌های سیاسی، باورهای دینی و رابطه‌ها و پیوندهای ایتنیکی و تباری‌شان موجب اذیت و آزار، سلب آزادی‌های پذیرفته شده، تعقیب، پیگرد و مجازات توسط دولت‌ها و یا گروه‌های مشخص باشد، تحت حمایت قرار داده و به عنوان مهاجر کامل‌الحقوق بپذیرند که آواره‌های واجد این شرایط به نام «پناهنده‌گان سیاسی» شناخته می‌شوند.

بخش بزرگ دیگر مهاجرین کسانی‌اند که در کشورهای خویش دچار این مشکلات نبوده، ولی حوادث طبیعی، قحطی، خشک‌سالی و یا جنگ‌ها عامل آواره‌گی‌شان شده است؛ این گروه آواره‌گان به نام «پناهنده‌گان اجتماعی» مسما هستند که کشورهای غربی خود را در مورد آن‌ها مکلف به رعایت و تطبیق کنوانسیون مذکور نمی‌دانند. در جریان جنگ سرد احکام کنوانسیون ژنو همواره به عنوان عامل فشار شدید بر کشورهای کمونیستی سابق مورد استفاده بود. غرب با راه‌اندازی جنگ گستردهٔ روانی - تبلیغاتی و ارایهٔ شرایط و امکانات بهتر معیشت زمینهٔ فرار صدها هزار متخصص و دانشمند جوامع سوسیالیستی تحت احکام همین کنوانسیون مهیا کرد که این پروسه بعد ها به نام «فرارمغزها» شهرت یافت.

جوامع غربی بدون قبول مصارف و مخارجی به دانش و تخصص عالی دست می‌یافتند و در مقابل کشورهای شرقی از دسترسی به آن دانش و تخصص که با مصارف هنگفتی به آن رسیده بودند محروم می‌شدند، تداوم این وضعیت موجب ایجاد نا امیدی در جوامع کمونیستی، تضعیف باور مردم به نظام‌های شان و ظهور گرایش مهاجرت به غرب می‌شد. از هم‌پاشی نظام شوروی و ختم جنگ سرد ضرورت تداوم این سیاست را نفی می‌کرد.

اما عامل مهم مهاجرت از افغانستان آغاز و تداوم جنگ است. با سقوط جمهوری محمد داود و روی کار آمدن نظام طرفدار شوروی در کابل و مخصوصاً لشکرکشی نیروهای شوروی که به خاطر حمایت رژیم کابل راه انداخته شد، مخاصمت عریان و گستردهٔ کشورهای غربی را در قبال داشت. آنها علاوه به راه‌اندازی جنگ تمام عیار با کابل که به وسیلهٔ گماشته‌گان شان پیش برده می‌شد، عنصر مهاجرت و فرار مردم از کشور را بخش مهم سناریوی مقابله با نظام جمهوری دموکراتیک در برنامهٔ خود شامل ساختند. توسعهٔ جنگ و برخوردهای مسلحانه با مخالفین نظام که تحت حمایت همه جانبهٔ غرب قرار داشتند به وسیلهٔ قوای مسلح دولت وقت و عساکر روسی با گذشت هر روز از مردم عادی قربانی می‌گرفت. امنیت شهرها را به مخاطره می‌انداخت، انسداد راه‌ها، تحریم‌های ظالمانه و سایر تأثیرات جنگ بر روال عادی زنده‌گی مردم و اقتصاد جامعه اثرات منفی به جا می‌گذاشت که عوامل مذکور شرایط را برای فرار از کشور و مهاجرت‌های گروهی فراهم می‌کرد. تبلیغات گروه‌های مذهبی (مجاهدین) که در پاکستان و ایران از کمک‌های بی‌دریغ کشورهای ثروتمند غربی و عربی تغذیه می‌شدند و توزیع کمک‌های نقدی و مالی (راشن) در کمپ‌های پاکستان

ادامه در صفحه بعد

عوامل تشویقی دیگری بودند که اکثریت فقیر و کم درآمد جامعه را به مهاجرت ترغیب می‌نمود. در نتیجه با گذشت هر روز اکثر روستاهای کشور از سکنه خالی و بر شمار مهاجرین در کشورهای همسایه افزوده می‌شد. حضور میلیونی مهاجرین در این کشورها زمینه‌ساز سربازگیری برای تنظیم‌های جهادی و تحمیل فشار بیشتر بر کابل بود.کشورهای غربی که با هزینه‌کردن مبالغ نجومی پروسهٔ فرار و مهاجرت به کشورهای همسایه را تداوم می‌بخشیدند، این فرآیند را در مجامع بین‌المللی به عنوان عامل فشار شدید بر کابل و حامیانش وسیعاً مورد استفادهٔ تبلیغاتی قرار می‌دادند. اعضای خانواده‌ها و فرزندان مهاجرین در مکاتب و مدارس و مجالس مذهبی تنظیم‌ها شامل و بزرگان شان به جنگ اعزام می‌شدند. با سقوط رژیم دکتر نجیب‌الله و استقرار نظام جهادی در کابل انتظار می‌رفت که مهاجرین به کشور برگردند و روال عادی زنده‌گی شکل گیرد، ولی ادامهٔ مخاصمت میان گروه‌های رقیب جهادی در کشور زمینه‌ساز تداوم حضور مهاجرین در کشورهای همسایه گردید که این فرآیند موجب تغذیهٔ ماشین جنگ در سال‌های آتی و پیدایش طالبان و لشکر اسامه و القاعده و حالا داعش شده است. صرف نظر از گرایش‌ها، مو ضع‌گیری‌ها و داوری‌های متضاد پیروان و علاقمندان ایدیولوژی‌ها و سازمان‌های متفاوت و متخاصم در کشور ما، یگانه نظریهٔ مشترک در رابطه با مهاجرت به کشورهای همسایه ارایهٔ چهرهٔ زشت و پرخاشگر از مذهب، مردم و کشور ما به جهانیان می‌باشد.

تعریف مفاهیم

مهاجر: مهاجر کسی است که به جایی دیگری کوچ می کند و یا بر اساس تعریف سازمان ملل متحد مهاجر کسی است که به کشوری به غیر از کشورهای که تابعیت آن را دارا می باشد وارد شده

ادامه در صفحه بعد

و حداقل ۱۲ ماه در آن اقامت می‌گزینند.

مهاجرت: به معنای کلی، جابجایی و تغییر مکان زندگی به مکان دیگر برای بهبود زندگی یا فرار از آسیب است و یا در مفهوم مدرن به حرکت و کوچ افراد از یک ملیت- کشور به کشور دیگر، که در آنجا شهروند نیستند، محسوب می‌شود.

علل و انگیزه‌های مهاجرت

دلایل اصلی مهاجرت خروج از یک موقعیت نامساعد و داشتن یک موقعیت بهتر است. عمده ترین دلایل مهاجرت را در موارد ذیل می‌توان برشمرد:

۱. جنگ و نا امنی: مسئله جنگ، یکی از قدیمی ترین دلایل مهاجرت است که افراد برای یافتن مکانی امن برای زندگی از شهر یا کشور خود فراری می شدند. می توان این نوع مهاجرت را اجباری دانست.

۲. شرایط اقتصادی: بحران های اقتصادی باعث پایین آمدن کیفیت زندگی بسیاری از مردم می شود و عده ای برای ادامه زندگی به محیط دیگری که شرایط مناسبی دارد سوق داده می شود. این مورد در کشور ما در چند سال اخیر بسیار شدت گرفته و شرایط نامناسب اقتصادی باعث افزایش میزان مهاجرت اقشار مختلف شده است.

۳. شرایط آموزشی: بسیاری از مهاجرت ها به خاطر رسیدن به امکانات آموزشی و تحصیلی اتفاق می افتد. معمولا این شکل از مهاجرت بیشترین بازگشت به کشور را دارد. به طوری که افراد بعد از تحصیل به هر دلیل به کشور خود باز می گردند.

٤. آزادی و امنیت بیشتر: یکی از مسائلی که مردم را به سمت مهاجرت سوق می دهد، شرایط زندگی محدود و پر فشار است. از بین رفتن حقوق اجتماعی و سیاسی، دلبستگی مردم از وطن شان را کم می کند. در نتیجه آنها به دنبال وطن جدیدی می گردند که به آنها و آزادی هایشان بها دهد و امنیت روانی آن ها را تامین کند.

۵. جذابیت های مقصد: ممکن است کشور یا محل زندگی فرد شرایط نامناسبی نداشته باشد اما جذابیت های مقاصد پیشرو آنها را برای مهاجرت وسوسه می کند. طبیعت ذاتی انسان حرکت به سوی کمال و بهترین است و کسانی که از این موهبت بی بهره اند، ممکن است ماهیت انسانی خود را فراموش کرده باشند.

٦. شرایط اقلیمی: ممکن است برخی مناطق به دلیل شرایط بحرانی جغرافیایی، مردم خود را مجبور به مهاجرت کند. بی آبی، کمبود منابع تغذیه، بلایای طبیعی مثل زلزله یا سیل، گرما یا سرمای بیش از حد، شرایط آب و هوایی و حتی سختی دسترسی به مراکز قدرتمند، از این دسته عوامل هستند.

۷. مهاجرت اجباری: در دوره های از تاریخ این نوع مهاجرت دیده شده که دولت وقت یا استعمارگر مردم مناطقی را مجبور به مهاجرت به نقطه ای خاص می کنند. کار و کشاورزی، کنترل مردم و آشوب های قومی، مسائل جمعیت شناختی، جنگ ها و شرایط منابع طبیعی برخی از دلایل مهاجرت در تاریخ است.

انواع مهاجرت

مهاجرت ها معمولا به دو بخش تقسیم می شوند.

۱. مهاجرت های درون مرزی: مهاجرت درون مرزی، جابجایی بین نواحی داخلی یک کشور است. این گونه از مهاجرت به دو بخش زیر تقسیم می‌شود: مهاجرت روزانه: حرکت روزانه

ادامه در صفحه بعد

مردم از حومه‌ها و شهرک‌های اطراف به داخل شهرهای بزرگ برای رفتن به محل کار یا استفاده از خدمات داخل شهرها مهاجرت داخلی است که به آن مهاجرت روزانه گفته می‌شود. در این نوع مهاجرت مردم در شب به محل سکونت خود بازمی‌گردند. مهاجرت فصلی: حرکت کوچ‌نشینان و جابجایی کارگران از شهرها به روستاها در فصل میوه‌چینی، نوع دیگری از مهاجرت داخلی است.

۲. مهاجرت های بیرون مرزی: مهاجرت خارجی بین کشورها صورت می گیرد و مهاجران از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند. برخی مهاجرت‌های خارجی با هدف دستیابی به منابع طبیعی و ثروت یا دستمزد و رفاه بیشتر انجام می‌پذیرد که به آن مهاجرت اختیاری گفته می‌شود. در این گونه مهاجرت‌ها کشور مبدأ دچار مشکلات اقتصادی است به عنوان نمونه مهاجرت اروپاییان به آمریکا، استرالیا، کانادا وآفریقا در قرن نوزدهم مهاجرت اختیاری است. مهاجرت کارگران ترکیه به آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم و مهاجرت مردم اتریش، مجارستان و یوگسلاوی به آلمان پس از سال ۱۹۸۹ نیز مهاجرت های اختیاری هستند.

مهاجرت از حیث زمان به دو دسته تقسیم می شود:

۱. مهاجرت‌هاي کوتاه مدت (موقت) : اگر مدت اقامت در مقصد کمتر از یکسال باشد، موقتی به حساب می‌آید. در این نوع مهاجرت‌ها نوعی قصد بازگشت به محل قبلي وجود دارد. مانند مهاجرت‌های که در آن افراد در فصل معيني از سال که معمولاً بعد از برداشت محصول کشاورزي است به مناطق که در آن امکان کار و فعاليتي وجود دارد مهاجرت مي‌کنند و دوباره در فصل کار و فعاليت به محل قبلي خود باز مي‌گردند. گزارش سازمان ملي جوانان، این نوع مهاجرت در مورد توریست نیز صادق است زیرا توریست به فردی اطلاق می‌شود که با قصد بازگشت به مدت ولو طولانی بدون داشتن شغلی در یک کشور و یا یک ناحیه به غیر از سرزمین اصلی خود به سر برد.

۲. مهاجرت‌های بلندمدت(دائم) : اگر مدت اقامت در مقصد بیش از یکسال باشد مهاجرت دائمی است، البته باید قبول کرد که انگیزه و قصد عدم بازگشت مهمترین عامل در مهاجرت‌های دائم محسوب می‌شود.

مهاجرت با توجه به خواست مهاجرین به دو دسته تقسیم می‌شود: مهاجرت‌هاي ارادي و خود خواسته: که معمولاً به صورت انفرادی برای بهبود زندگی و یافتن کار صورت می‌گیرد و مهاجرت‌هاي اجباري که به صورت انفرادی یا جمعی به دلیل ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره انجام می‌پذیرد.

از نظر حقوقي مهاجرت به دو دسته تقسیم می‌شود: مهاجرت قانوني و مهاجرت غيرقانوني.

از نظر شکل هم مهاجرت به دو دسته تقسیم می شود: مهاجرت‌هاي فردي و مهاجرت‌هاي توده‌اي.

تبیین رابطه مهاجرت با پلورالیسم فرهنگی

محمدرضا باهر

مقدمه

مهاجرت در دو ساحت؛ مهاجرت به درون و مهاجرت به بیرون منجر به افزایش تنوع قومی، تنوع فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان می شود. این تنوع هرچند پیوندی غیر مستقم اجتماعی و ذهنی میان کشور مبدا و کشور مقصد به وجود می آورد، در سوی دیگر سبب تغیرات در ارزش های فرهنگی و اجتماعی مثل زبان، دین، هویت، نوع لباس پوشیدن و ...... در جامعه میزبان و مهاجران می گردد. تغیر در ارزش های فرهنگی و اجتماعی برای بعضی جوامع میزبان که دیدگاه ناسیونالیستی غالب دارند، قابل تحمل نیست. این مهم سبب می گردد که یک ذهنیت ملی گرایی با رویکرد تاکید بر ارزش های فرهنگی بومی در برابر مهاجران شکل گیرد و مهاجران نیز مبنی بر همین تفکر، برای حفظ ارزش های فرهنگی خویش تلاش می کنند. دراین صورت بحث ادغام مهاجران در جوامع میزبان با چالش روبرو است.

نویسنده این مقاله روی همین موضوع متمرکز خواهد شد که اگر مهاجرت سبب تغیر ارزش های فرهنگی و اجتماعی جوامع میزبان و مهاجران می شود، یک رویکرد فکریی مناسب برای ادغام موفقانه مهاجران پیشکش نماید.

در اینجا به شکل بسیار گذرا؛ بحث پلورالیسم (کثرت گرایی) را به عنوان یک رویکرد مناسب برای ادغام مهاجران و پذیرش ارزش های جدید فرهنگی مطرح خواهم کرد. این مهم را به دلیلی در ادغام مهاجران مناسب می دانم که ماهیت کثرت گرایی زاده مهاجرت است و می تواند با ایجاد یک رابطه علت - معلولی میان خود و مهاجرت به ادغام پایدار و موفقانه مهاجران در جامعه جدید بپردازد.

این مقاله که با استفاده از تحقیق کتابخانه ای و تحلیل مشاهدات عینی بحث مهاجرت؛ بخصوص بحران مهاجرت پس از سال ۲۰۱۵، به پایه اکمال می رسد. با این وضع سوال اصلی نوشتار چنان مطرح می شود که: آیا کثرت گرایی می تواند به عنوان یک رویکرد فکری در ادغام مهاجران در کشورهای میزبان شان موثر باشد؟

با طرح این پرسش اصلی که محور نوشته را شکل می دهد، پرسش های فرعی ذیل را برای تکمیل شدن بحث مطرح می سازیم:

ادامه در صفحه بعد

تبیین رابطه...

ادامه

۱. کثرت گرایی چیست ؟
۲. آیا کثرت گرایی می تواند در برابر ناسیونالیسم جوامع میزبان برای ادغام مهاجران قرار گیرد؟
۳. در جدال میان کثرت گرایی و ناسیونالیسم بهتر است مهاجران کدام رویکرد را انتخاب کند؟
٤. چرا مهاجرت به تغیر ارزش های فرهنگی و اجتماعی جوامع میزبان و مهاجران می انجامد؟

این نوشتار در صدد است تا پلورالیسم و پلورالیسم فرهنگی را معرفی نموده و رابطه میان این رویکرد فکری و پدیده مهاجرت را به اجمال طوریکه برای نشر در یک مجله مناسب باشد پیگری می نماید.

چهارچوب فکری :

هرچند پس از فلسفی شدن و تیوریزه شدن پلورالیسم، عمدتاً پلورالیسم معرفتی به مثابه بنیان تئوریک سایر انواع پلورالیسم در آمده است، اما در این مقاله محوریت پلورالیسم فرهنگی را با توجه به اهمیت زمانی و موردی آن در بحث مهاجرت، مدنظر می گیریم و این اصل را که (من خوبم و تو خوبی) به عنوان چهارچوب اصلی بحث پلورالیسم فرهنگی در می آوریم. این جمله در حقیقت بیان می دارد که نظام های فرهنگی نابرابر اند و این گوناگونی نه تنها قابل تحمل نیست که باید قابل تحسین باشد.

انتونی گذنز جامعه شناس معروف بریتانیایی در کتاب جامعه شناسی اش معتقد است که مهاجرت با سه مدل (کلاسیک، استعماری و کارگری) و الگو های جهانی مهاجرت به درون و مهاجرت به بیرون در حقیقت بازتاب از روابط در حال تغیر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین کشور ها است. در صورتیکه این نظریه انتوگدنز را(مهاجر بازتاب از روابط در حال تغیر فرهنگی است) با اصل پذیرفته شده پلورالیسم فرهنگی (من خوبم و تو خوبی) تلفیق کنیم، چهارچوب فکری مقاله طور ذیل شکل می گیرد: (مهاجرت روابط فرهنگی و سیاسی کشورها را طور تغیر می دهد که همه چیز خوب باشد.)

کلید واژه ها :

۱.پلورالیسم (کثرت گرایی)، مهاجرت، پلورالیسم فرهنگی، ناسیونالیسم(ملی گرایی) ، ادغام

پلورالیسم چیست :

واژه پلورالیسم برگرفته شده از واژه لاتینی(Pluralis) و به مفهوم گرایش به کثرت گرفته شده است. معادل فارسی برای پلورالیسم (کثرت گرایی) است. اکنون پلورالیسم یکی از چشم انداز فلسفی به جهان است که به گوناگونی بیشتر از همانندی، چندگانگی بیشتر از یگانگی و تفاوت بیشتر از تشابه تاکید دارد.

نظر غالب اندیشمندان حوزه علوم انسانی و فلسفه بر این است که پلورالیسم(کثرت گرایی) در یک قرن اخیر طرح و تبیین و رشد کرده است. عبدالرسول بیات در فرهنگ واژه ها نوشته است که این واژه اولین بار در سنت کلیسایی مطرح شده و به مرور زمان از کلیسا به بیرون رفته و در حوزه های اجتماعی و فلسفی به عنوان یک رویکرد مطرح گردیده است. «شخصی را که دارای چند منصب گوناگون در کلیسا بود پلورالیست می نامیدند. پس از آن این واژه که در خود مفهوم پذیرش و اصالت دهی به تعدد و کثرت را دارد

ادامه در صفحه بعد

تبیین رابطه...

ادامه

به ترتیب در عرصه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، معرفتی و دینی به کار آمد.»

اما در واقع گستره تاریخی پلورالیسم بیشتر ازین است، پلورالیسم نه به شکل مدون اما به صورت پراکنده به آوان شکل گیری فکر فلسفی در یونان بر می گردد. برخی متفکرین بدین باور اند که کثرت گرایی به عنوان یکی از اصول هستی شناسی از گذشته های دور یونان کهن تا هنوز با فکر بشر همراه بوده است. این شیوه فکری در اندیشه های چون امپیداکلس، اناکساگوراس، دیموکریتوس و هراکلیتوس وجود داشته و آنان به گونه ای معتقد بودند که حقیقت از هستی های جداگانه تشکیل یافته و بنیاد جهان بر تکثر است.

طیبه توسلی استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم ایران در مقاله ای تحت عنوان (کثرت گرایی فرهنگی و تاثیر آن بر نظام تربیتی) آورده است که کثرت گرایی از دوران یونان کهن به عنوان یکی از بینش های غالب در توضیح و تفسیر بنیان هستی در کنار وحدت گرایی و دوگانه گرایی وجود داشته و این اندیشه اکنون در ساحات دیگر نیز شیوع و گسترش یافته است.

اکنون پلورالیسم به حیث یک مکتب فکری قامت راست کرده و تفکرات فلسفی یک قرن گذشته توجه خاصی بدان نشان داده که این شیوه فکری را می توان در پراگماتیسم آمریکایی و در نظریات فلسفی ویلیام جیمز و ویتکنشتاین به وضوح دید. پلورالیسم اکنون از سطح فکری هستی شناسانه پا بیرون نهاده و در ساحت های مختلف نظریات مشخصی طرح می نماید؛ پلورالیسم بنیادی، پلورالیسم توصیفی، پلورالیسم فرهنگی-اجتماعی، پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم دینی از انواع مهم آن است.

پلورالیسم فرهنگی :

رفتار های فرهنگی هر قوم راهکار ها و راهبردهایی هستند که بسته به شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و نژادی و نحوه ارتزاق و ...آن قوم در حوزه عقل جمعی شکل گرفته است و در هر حال باید به آن احترام گذاشته و تنوع آن را پذیرفت. در واقع پلورلیسم فرهنگی تبیینی از چرایی این نوع تنوع های ادغام ناپذیر است.

پلورالیسم فرهنگی به تکثر فرهنگ در جامعه توجه دارد و اساساً در قرن بیستم در نتیجه مهاجرت های گسترده پس از جنگ جهانی دوم در امریکای شمالی و جوامع اروپایی شکل گرفته است. در واقع آگاهی ملل مختلف از سلوک همدیگر، در پرتو رشد اطلاعات و رسانه ها و پی بردن به نافروکاستنی بودن آنها به مدل واحد، موجب شد تا این تکثر و گوناگونی بزودی توسط جامعه شناسان و انسان شناسان تئوریزه و به رسمیت شناخته شود.

در پلورالیسم فرهنگی تعدد در آداب اجتماعی یی که فرهنگ را شکل می دهد و تکثر فرهنگ ها در صورتیکه بیانگر یک تمایز با فرهنگ های دیگر باشد، مورد پذیرش و دارای جایگاه رسمی است. با شکل گیری اندیشه جهانی شدن پسا مدرنیسم، پلورالیسم فرهنگی ارزش ها و اعتقادات فرهنگ های مختلف را طوری به رسمیت می شناسد که این تصادم ارزش ها سبب تنش میان پیروان آن نگردد. مفهوم پلورالیسم فرهنگی در حال حاضر

ادامه در صفحه بعد

تبیین رابطه...

ادامه

پس از شکل گرفتن مهاجرت های گسترده از آسیا و آفریقا به کشور های اروپایی و امریکای شمالی از جمله آلمان و کانادا اساساً به اختلاف در سبک های زندگی، تنوع قومی، تنوع دینی اشاره دارد.
طرفداران پلورالیسم فرهنگی نظر دارندکه دولت ها باید تکثر را به رسمیت بشناسد و برای ایجاد عدالت در بین گروه های اجتماعی تلاش کنند. حمایت صدراعظم آلمان و برخی مقامات اروپایی از مهاجران و ادغام مهاجران در کشورهای شان مبنی بر همین اندیشه صورت می گیرد و مخالفت گروه های راست گرای اروپایی در مقابل مهاجران بر اساس یک ناسیونالیسم اروپایی.

تاثیر مهاجرت بر جامعه :

تصور بکنید اجمل مردی ۳۰ ساله افغان که تمام عمرش را در یکی از روستا های دور دست افغانستان سپری کرده و حتی کمتر به کابل یا شهر های بزرگ کشور رفته است. این مرد پول جمع آوری می کند و برای رسیدن به یک زندگی بهتر عزم مهاجرت می کند و پس از مثلا دو ماه به شهر مونیخ آلمان می رسد. این مرد که ۳۰ سال در یک جامعهٔ مذهبی و مسلمان که حتی روی زنان قریه اش را به درستی ندیده است، پس از دوماه به یکبارگی وارد جامعه ای می شود که به جای اذان ملای مسجد ناقوس کلیسا به صدا در می آید و زنان با اندک ترین پوشش بر جاده ها قدم می زنند.

اعتقادات دینی، زبان، قومیت، نوع لباس پوشیدن و غذا خورد از مسایل اولیه است که اجمل را به چالش می کشد. کسی که ۳۰ سال در یک جامعه مذهبی مسلمان زندگی کرده و همواره از خطیبان شنیده باشد که یهود و نصارا کافر اند، چگونه صدای ناقوس کلیسا را تحمل می کند؟ آیا این مرد به دنبال مسجدی در شهر مونیخ سرگردان نیست تا نمازش را ادا کند؟ برای اینکه نیازمندی اولیه را رفع کند آیا به دنبال یک فارسی زبان نخواهد گشت تا برایش خریدار کند؟ در سوی دیگر با مراجعه به هوتل ها اولین پرسش این مرد از حلال و حرام غذا خواهد بود و زنانی که با یک پوشش جزئی در اطرافش قدم می زنند در مقایسه با زنان قریه اش چی ذهنیت بر این مرد خلق می کند؟
به همین شکل سیلی از مهاجران را تصور کنید که در سال ۲۰۱۵ و پس از آن از کشورهای مثل افغانستان، سوریه، عراق، و .... به اروپا سرازیر شدند و اکثریت شان با یک ناسیونالیسم مذهبی مسلح باشد.
مهاجرت در یک مقیاس بزرگتر می تواند ساختار و بافت فرهنگی و اجتماعی کشورهای پذیرنده را متغیر سازد، به دلیل اینکه مهاجران به طور معمول بسیار متفاوت از جمعیت بومی کشور میزبان است. این تفاوت ها منجر به تنش های بین گروه های مختلف مردمی می شود. دراینجا به صورت گذرا تاثیر مهاجرت روی شاخصه های اجتماعی و فرهنگی چون قومیت، مذهب و زبان اشاره می نمایم.
بسیاری از کشورهای جهان پس از نسل دوم و سوم به چالش شاخصه های معرفتی در حوزه

ادامه در صفحه بعد

تبیین رابطه...

ادامه

قومیت و هویت مهاجران روبرو می شود. مثلاً فرزند که از یک زوج افغانی و ترک در آلمان به دنیا آمده باشد، شاخصه معرفتی قومی این شخص چگونه خواهد شد؟ افغان، ترک یا آلمانی؟ سال گذشته ایران اعلام کرده بود؛ به کسانیکه از پدر افغانی و مادر ایرانی به دنیا آمده تابعیت ایرانی داده می شود در صورتیکه در قوانین ایران نسب را از پدر دنبال می کنند، هویت قومی این فرد را در شناسنامه اش چی می نویسد؟ بناً مهاجرت سبب شکل گیری یک هویت تازه قومی می شود و این هویت تازه شکل گرفته بر بنیاد مولفه های جدید معرفتی در سطح اکادمیک و حقوق دنبال می شود.

شکل گیری یک اقلیت قومی در کشور میزبان از تاثیرات دیگر مهاجرت است. مهاجرت گروهی افراد از یک کشور به کشور دیگر و ازدواج های درون گروهی آنان در کشور دوم، در مباحث قومیت، پدیده تازه ای را تحت عنوان اقلیت قومی شکل می دهد. اقلیت قومی در جامعه شناسی متناسب با وضعیت کمی شان کاربرد زیاد دارد و یکی از خصوصیت های اقلیت قومی شکل گرفتن میزان تعصب بلند آنان در برابر اکثریت است.

تصادم و تغییر اعتقادات دینی و مذهبی یکی دیگر از تاثیرات مهاجرت است. در موج اخیر مهاجرت، جوانانی از کشورهای مسلمان نشین آسیایی به کشورهای اروپایی مسیحی سرازیر شدند. پایبندی شدید مهاجران به عقاید مذهبی و عدم پذیرش اعتقاد مذهبی دیگران به خصوص در اوایل مهاجرت سبب تنش های جدی میان دو گروه(مهاجران و میزبان) می شود. با توجه به اینکه پایه های اعتقادات و بینش های فکری - مذهبی در سنن جوانی استوار می شود، تغییر جغرافیایی سبب می شود تا بعضی مهاجران به اعتقادات جدید باورمند شوند و برخی دیگر با یکی از پیروان ادیان دیگر اذواج کنند که در هردو صورت تغیر اعتقادات مذهبی را برای برخی از مهاجران نسل اول و دوم در پی دارد.

به حاشیه سپردن زبان اصلی در نسل های بعدی مهاجرت، تغیرات در اداب فرهنگی از جمله نوع غذا خوردن و لباس پوشیدن از تاثیرات دیگر مهاجرت بر روی مهاجران و جامعه میزبان است.

مهمترین موضوع در تاثیرات مهاجرت بر جامعه میزبان، تصادم تغیرات تنوع است در صورتیکه مهاجران و جامعه میزبان با شاخصه های فرهنگی یکدیگر کنار نیایند سبب تنش و درگیری یا حتی از هم پاشیدن ساختار ملی یک کشور شود.

چی رابطه میان کثرت گرایی و مهاجرت است ؟

کثرت گرایی ذاتا زاده مهاجرت است، تفاوت در اندیشه ها و سلیقه ها که منجر به شکل گیری یک روش فکری می شود در دو مبنی استوار است، یکی بینش فرد نسبت به هستی و جهان و دوم مهاجرت فرد. مهاجرت سبب می شود تا افراد با فرهنگ ها، عقاید، روش فکری، طرز رفتار و روز مره گی های جدید روبرو شود و با گذشت زمان با این موارد که از محیط نو تجربه می کند، کنار آمده، آنرا به عنوان یک اصل دیگر زندگی برای عمل کنندگانش می پذیرد. این پذیرش افکار و

ادامه در صفحه بعد

تبیین رابطه...

ادامه

کردار متفاوت سبب شکل گیری یک روش فکری در افراد می شود که بدان پلورالیسم می نامند.
با یک نگاه عمیق به کنوانسیون ۱۹۵۱ در امور پناهندگان در می یابیم که کثرت در اندیشه و گروه های اجتماعی مهمترین اصل پذیرش مهاجران در کشورهای میزبان شان است. در این کنوانسیون وضاحت دارد که: افرادیکه به علت ترس موجه به علل مربوط به نژاد یا مذهب، یا ملیت، یا عضویت در بعضی گروه های اجتماعی و داشتن عقاید سیاسی مخالف از طرف دولت اش تحت شکنجه قرار گیرد و از کشور اصلی اش بیرون شود در کشور دومی به عنوان پناهنده پذیرفته می شود.
دراین تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ که در حال حاضر اکثر کشورهای جهان عضویت آنرا دارد، دایره ای پذیرش مهاجران و به رسمیت شناختن آنان در کشور های میزبان در حقیقت روی یک بینش پلوارلیستی ترسیم شده است. زیرا بودن در یک نژاد و ملیت خاص ایجاب می کند این فرد ارزش های فرهنگی متفاوت از گروه حاکم را دارا باشد که سبب ترس وی می گردد، داشتن عقاید مذهبی متفاوت از گروه حاکم خود بیانگر پلورالیسم دینی است و داشتن عقاید سیاسی مخالف دولت بیانگر پلورالیسم سیاسی.
با این نگاه به کنوانسیون ۱۹۵۱ در می یابیم که کثرت در اندیشه های مذهبی، سیاسی و فرهنگی سبب مهاجرت افراد می شود و بر اساس این کنوانسیون این افراد واجد شرایط برای پذیرش هستند. بنابراین یک رابطه علت - معلولی میان مهاجرت و پلورالیسم وجود دارد، زیرا کثرت سبب مهاجرت می شود و مهاجرت سبب شکل گیری بینش کثرت گرایی.

نتیجه گیری:

با توجه به اینکه رابطه میان مهاجرت و پلورالیسم یک رابطه ناگسستنی و علت – معلولی است، می شود نتیجه گرفت که با همین رویکرد فکری باید به سراغ ادغام مهاجران در جامعه میزبان برویم. پلورالیسم رویکرد که خود زاده مهاجرت است و در سوی دیگر سبب اصلی مهاجرت افراد می گردد، می تواند در ادغام آنان نیز نقش مهمی داشته باشد. نقش مهم پلورالیسم در ادغام مهاجران این است که با استفاده ازاین رویکرد فکری جامعه میزبان و مهاجران ارزش های فرهنگی یکدیگر را طوری به رسمیت می شناسند که سبب ایجاد احترام متقابل می شود و همه چیز خوب باشد.

منابع و موخذ

۲. بیات، عبدالرسول. فرهنگ واژه ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱
۳. گیدنز، انتونی. جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷
٤. هانلون، برنادت. جی، توماس. ویسینو. مبانی مهاجرت، ترجمه شیدا نوروزی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی، ۱۳۹۵
۵. توسلی، طیبه. کثرت گرایی فرهنگی و تاثیر آن بر نظام تربیتی، فصلنامه پژوهش های فلسفی کلامی، سال بیستم، شماره ٤، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۷

مردی‌که با ۲۰ عضو خانواده اش «پیاده» خود را به مرکز قندهار رساند

صدای فیر مرمی بیش‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. محمد نعیم روی بام خانه‌اش می‌رود تا از چگونگی اوضاع خود را با خبر بسازد. از دور موتور سایکل سواران زیادی را میبیند که گشت زنی دارند. آنان جنگجویان گروه طالبان بودند که به قصد تصرف ولسوالی شاه ولی کوت که یکی از ولسوالی های قندهار است را تصرف کنند.

شبکه‌های مخابراتی کار نمی‌کند. (معمولا طالبان هنگام حمله شبکه های مخابراتی را از بین می برد.)

محمد نعیم از بالای بام خانه چند تن از اهالی قریه‌اش را می‌بیند که وحشت زده و تند تند به طرف خانه‌اش می‌آید. از پایین بام با تن صدای پایین به نعیم می‌گوید که باید قریه را ترک کنند.

نعیم از بام پایین می‌آید. به اعضای خانواده‌اش می‌گوید که چند جوره لباس و مقداری خوراک با خود بگیرند و هر چی عاجلتر خانه را ترک کنند. چای صبح را در راه، وقتی که از قریه‌اش دور شد و صدای فیر مرمی و راکت به گوش شان نرسند، خواهند خورد!

هوا اندکی روشن می‌شود. نعیم با ۲۰ عضو خانواده اش که ۹ تن آنان زن بودند در جستجوی امنیت «پیاده» راهی‌ای مرکز قندهار می‌شود.

مرکز اندکی امن تر است، هر چند که امن نیست! به همین ترتیب، خانواده‌های زیادی از این قریه به‌مرکز قندهار بیجا می‌شوند و به قول او اکنون که سه ماه از آن حمله می‌گذرد ، هیچ کسی در قریه باقی نمانده است و روستا در تصرف طالبان

قرار دارد.

در هنگام مصاحبه بشدت خسته بنظر می‌رسد. خسته از جنگ!

جنگی‌که منجر به آواره‌شدن او و صدها خانواده دیگر از کاشانه‌اش شده است.

به محض رسیدن به‌مرکز قندهار در جمع بیجا شدگان دیگر که از قریه ها و ولسوالی های

ادامه در صفحه بعد

مردی که با...

ادامه

همجوار این ولایت به مرکز پناه گزین شده بودند، می‌پیوندد. مامورین امور مهاجرین قندهار با نهادهای مددرسان دیگر به کمک بیجاشدگان می شتابند. بیجا شدگان در ساعات نخستین و بصورت اظطراری سروی و نیازسنجی می‌شوند و بسته‌های کمکی غذایی و مواد مساعدتی دیگر به آنان توزیع می‌شوند.

نعیم در جستجوی یک سرپناه بازتر و مساعدتر به خانواده بیست نفره‌اش در می‌گردد. خانه ای را به اجاره می گیرد و اکنون در همان خانه‌ی اجاره‌یی با خانواده‌ی پر جمعیتش زندگی می‌کند.

سه ماه از آواره شدن اش می‌گذرد و طالبان هنوز هم قریه را در تصرف خودشان دارند. نعیم می‌گوید که هیچ‌کسی جرات برگشتن به خانه‌های شان را ندارند.

از میان صحبت‌هایش فهمیده می‌شد که دلش برای قریه، خانه‌اش و زندگی آرام‌اش تنگ شده است. نفرت از جنگ و آوارگی در چشمانش هویدا بود.

کم از کم یک هزار تن دیگر همراه مانند نعیم از قریه ویاند آواره شده است. نعیم می‌گوید که دوستانش نیز مانند او در مرکز قندهار بیجا شده‌اند.

این سومین باریست که نعیم با خانواده‌اش آواره شده است. او دلتنگ خانه، دوستان و زمین هایش است و از طالبان می‌خواهد که دست از خشونت بردارند تا بتواند دوباره به خانه برگردد و زمین هایش را بکارد.

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در زمستان امسال به ۷۴ هزار خانواده کمک رسانی می کند

بحث بیجاشدگی داخلی یک امر علت – معلولی است که پیوند مستقم به وضعیت امنیتی و طبیعی مناطق و دهات کشور دارد.

عمده ترین شاخص برای بیجاشدگان داخلی متضرر شدن از حوادث امنیتی و طبیعی است و شاخص دوم آن تصمیم خانواده های کوچ کرده به برگشت است. در صورتیکه یک خانواده از محل اول زندگی به محل دوم کوچ می کنند در صورتیکه تصمیم به برگشت نداشته باشند به عنوان یک شهروند عادی که مطابق به قانون اساسی حق دارد در نقطه کشور که خواسته باشد زندگی می نماید و از دایره تعریف بیجاشدگان داخلی بیرون می شود.

تحلیل وضعیت که وزارت امور مهاجرین وعودت کنندگان از روند بیجاشدگان داخلی داشته است عمده ترین عامل بیجاشدگی داخلی را ناامنی در کشور شکل می دهد. طوریکه ۸۷,۲

ادامه در صفحه بعد

فیصد خانواده های موجود در نتیجه ناامنی ها و ۲۱,۸ فیصد دیگر در نتیجه حوادث طبیعی خانه های شان ترک کرده اند.
آمار بیجاشده های داخلی در دو سال اخیر گراف ذیل را پیموده که در مجموع ۲۹۲ هزار و ۴۱۱ خانواده است که حدود(۲ میلیون و ۴۶ هزار و ۸۷۷ نفر می شود) در حال حاضر به حال بیجاشدگی در سراسر کشور زندگی می نماید.
۱. تعداد بیجاشده های داخلی در سال جاری ۷۶ هزار و ۹۴۳ خانواده (۵۳۸ هزار و ۶۰۱ نفر).
۲. تعداد بیجاشده های داخلی در سال گذشته ۸۸ هزار ۴۳۰ خانواده (حدود۶۱۹ هزار و ۱۰ نفر).

برنامه های کمک بشر دوستانه به بیجاشده ها تحت رهبری و نظارت وزارت امور مهاجرین وعودت کنندگان همه ساله توسط موسسات و ادارات همکار صورت می گیرد که در سال جاری؛ ۹۵ هزار و ۵۹۱ خانواده از بسته های کمک بشری مستفد شده اند.

همچنان وزارت امور مهاجرین وعودت کنندگان برای استقرار دایمی بیجاشدگان داخلی تلاش می نماید. دراین راستا اولویت حکومت افغانستان به برگشت خانواد ها به محلات اصلی شان است که در سال جاری ۲۳ هزار و ۲۶۰ خانواده از حالت بیجاشدگی به محلات اصلی شان با حمایت وزارت امور مهاجرین بازگشت کرده است. این رقم در سال گذشته به ٦٤ هزار و ۲٤ خانواده می رسید.

یک بخش از کمک های بشردوستانه وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان برای بیجاشده های داخلی رفع نیازمندی آنان در فصل سرما و زمستان است. در این برنامه براساس استراتژی مشترک ما با ادارات همکار در بخش های ذیل کمک صورت می گیرد.
۱. تامین خدمات بهداشتی شامل: (توزیع بسته های وسایل بهداشتی ،فراهم کردن آب آشامیدنی و تشناب و خدمات عاجل از طریق تیم سیار)
۲. تامین خدمات گرمایشی شامل: (شامل توزیع کمپل، لباس طفلانه، ترمیم و بهسازی سرپناه و کرایه خانه)
۳. مواد غذایی شامل: (آرد، روغن، دال و نمک برای ٤ ماه)

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان در نظر دارد یک میلیون و ۳۵۹ هزار و ۷۹۲ نفر را که (۱۹٤ هزار و ۲٥٦) خانواده می شود، تحت پوشش کمک های زمستانی قرار دهد که برای رفع نیازمندی این تعداد خانواده ها نیاز به ٥٧,٦ میلیون دالر است.

تلاش که ما دراین زمینه داشتیم تاکنون ۲۰,۸ میلیون دالر بودجه مورد را نظر دریافت کرده ایم؛ این پول ٥۱۹ هزار و ۳۸٥ نفر را که (حدود ۷٤ هزار) خانواده می شود تحت پوشش قرار می دهد. ازاین میان ۱۷۳٥۰ خانواده از بودجه وزارت امور مهاجرین وعودت کنندگان تحت پوشش قرار می گیرد که بودجه آن ۳,۳۸ میلیون دالر است. سایر خانواده ها از طریق ادارات همکار کمک می شوند.

برای تحت پوشش قرار دادن حدود ۸٤۰ هزار نفر (۱۲۰ هزار خانواده)دیگر نیاز به افزایش بودجه داریم که وزارت برای دریافت آن تلاش می نماید.

وزارت امور مهاجرین موضوع آتش سوزی در جزیره لیسبوس را جداً تعقیب کرد

شب روز چهارشنبه مورخ ۱۹ سنبله ۱۳۹۹، کمپ موریای جزیره لیسبوس شاهد آتش سوزی بزرگ بود. در این کمپ ۱۲ و نیم هزار پناهجو حضور داشتند که ۷۰٪ آنرا اتباع افغانستان تشکیل می دادند. همزمان با وقوع این حادثه سفارت افغانستان و نمایندگی وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان مقیم یونان با مسوولان وزارت مهاجرت و پناهنده‌گی یونان، کمیشنری عالی سازمان ملل‌متحد در امور پناهندگان، سازمان بین‌المللی مهاجرت و نمایندگان مهاجران در آن کمپ جهت دریافت معلومات در مورد چگونگی وقوع این حادثه و خواستار رسیدگی عاجل در امورات لازمه به تماس شدند.

در نتیجه تلاش های مسئولان افغانستانی در یونان، تیمی متشکل از وزارت مهاجرت و وزارت محافظت از شهروندان یونان به ریاست سکرتر جنرال وزارت مهاجرت با همکاری نهادهای بین‌المللی چون صندوق کودکان ملل متحد(UNICEF)، کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان(UNHCR) و دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا، جهت بررسی اوضاع و رسیدگی به مشکلات پناهجویان در کمپ موریا حضور به هم رساندند. افزون بر این، نشست فوق العاده ای به ریاست صدراعظم یونان در مورد وضعیت کمپ موریا دایر گردید.

همچنان معین وزارت مهاجرت یونان از سلامتی مهاجران به سفارت افغانستان اطمینان داده، خاطرنشان ساخت که برای آسیب پذیران و آنعده

ادامه در صفحه بعد

از پناهجویانی‌که سرپناه شان را از دست داده‌اند؛ سرپناه های موقت در نظر گرفته می‌شود.

حکومت یونان و نهادهای بین المللی اقدامات مشترکی را جهت انتقال پناهجویان بیجاشده از اثر آتش سوزی در کمپ موریا، روی دست گرفتند. طوری‌که الی بیستم ماه سنبله۹۹؛ به‌تعداد ۴۰۶تن اطفال بدون همراه به شهر تسالونیکی انتقال داده و روند ادامه یافت.

سفیر افغانستان طی تماس تلیفونی با رییس UNICEF اظهار داشت که حین آتش سوزی به‌تعداد ۱۱ و نیم هزار پناهجو در کمپ وجود داشتند که از آن جمله سه هزار و ۸۰۰ تن آن اطفال با والدین شان بودند. وی تصریح کرد که پلان های کوتاه مدت(دوهفته‌ای) برای تهیه مواد اولیه و پلان های میان مدت(چهار هفته‌ای) برای فراهم سازی محلات اسکان مجدد گروه های آسیب پذیر روی دست حکومت و سازمان های بین المللی است. رییس UNICEF در تماس با سفیر افغانستان از آمادگی هرنوع همکاری اطمینان داده، ابراز کرد که تا اکنون دو محل برای اسکان مجدد حدود ۵۰۰تن پناهجو تعین شده، ۳۰۰تن پناهجو در کمپ کاراتیپه و گزینه های جابجا سازی تعداد زیادی از آن‌ها در دوکشتی کلان نیز روی دست است.

این در حالی است که مسئولان افغانستانی در یونان مشکلات مهاجران را کتبا به وزارت امور خارجه، وزارت مهاجرت و پناهندگی، دفتر کمیشنری و سازمان بین‌المللی مهاجرت شریک ساختند. نگرانی خویش را در صورت نرسیدن ضروریات اولیه و خدمات صحی از یک فاجعه انسانی ابراز نمودند.

سازمان های بین‌المللی تا تاریخ ۲۴سنبله ۹۹، بنابه خواست‌های مکرر سفارت ج.ا.ا و اتشه مهاجران در یونان دست به اقدامات سریع و موثر زدند. رسیدگی به خانم های بدون همراه و دارای طفل، فراهم نمودن حدود۲۰۰ پناهگاه سیار که قابلیت اسکان ۱۲۰۰تن مهاجر از جانب UNHCR، تهیه ٦تشناب و ۸باب تشناب های بزرگ برای حمام و کالاشوی، انتقال و نصب دو جنراتور بزرگ برای فراهم سازی برق، انتقال ٦۵۷۰۰ قلم مواد مختلف جهت رفع ضروریات مهاجران، ۱.۲ تُن مواد اجناس که توسط کشور سویس مساعدت گردیده و توسط IOM توزیع گردیده‌است، از جمله مهم‌ترین اقدامات سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد.

بنا به‌گزارش رییس صندوق کودکان ملل متحد به سفیر افغانستان که به تاریخ ۲٦ سنبله به جزیره لیسبوس سفر کرده بود، ساخت و ساز کمپ های جدید تحت نظر وزیر مهاجرت یونان، توسط اردوی کشور یونان ادامه داشته که برای ۸۰۰۰هزار تن بیجاشده خیمه های موقتی تهیه شده است. بنا به‌گزارش رییس UNICEF تا چند روز بعد از تاریخ متذکره پناهگاه های سیار ظرفیت جابجایی حدود ۱۲۰۰۰تن را دارا خواهند بود. اما؛ مهاجران به‌دلایلی چون، عدم‌اعتماد بر

ادامه در صفحه بعد

پایبندی حکومت یونان به تعهداتش، شنیدن شایعه های مبنی بر ارسال مهاجران از جزیره لیسبوس به سایر کشورهای اروپایی(که فقط در حد شایعه است)، و ترس از دوباره حریق شدن کمپ های مهاجران؛ حاضر و آماده ای رفتن به کمپ های جدید نمی باشند. بنابراین سازمان های بین‌المللی متمایل نیستند تا با جبر و اکراه پناهجویان را وادار به‌رفتن، به کمپ های جدید کنند. این درحالی است که از جانب UNICEF ،، UNHCR، IOM حکومت یونان و سفارت به‌شکل مداوم آگاهی دهی و تشویق مهاجران برای رفتن به کمپ های جدید صورت‌گرفته است.

در رابطه به نگرانی های مهاجران راجع به بازداشتگاه بودن کمپ های جدید، رییس یونسیف اظهار داشت که کمپ های جدید به هیچ وجه بازداشتگاه نبوده، بلکه کمپ های کنترول شده است. قابل ذکر است که اخیرا حکومت یونان ٦تن(دوتن آن‌ها زیر سن بودند) از پناهجویان افغان را به اساس متهم بودن در حریق کردن کمپ موریا بازداشت نمودند. سفارت و بخش اتشه مهاجران در رابطه بررسی‌ها و پی‌گیری های لازم را انجام دادند.

از جانب دیگر شب مورخ ۳۰ سنبله ۱۳۹۹ آتش سوزی دیگر در کمپ واتی پناهجویان واقع در جزیره ساموس بوقوع پیوسته‌بود؛ که بعد از ۴۵ دقیقه از جانب مسوولان آتش سوزی خاموش گردیده و در نتیجه آن ۳کانتینر(۲مربوط عرب‌ها و ۱مربوط افغانها) بودند حریق شدند، خوشبختانه تلفات جانی در قبال نداشته است. دو عرب به اتهام دست داشتن به قضیه حریق کردن این کمپ دستگیر شدند. طبق گزارش رییس UNHCR در این آتش سوزی حدود ٦۰ طفل متضرر گردیدند که توسط سازمان میتادراسی در هوتل جابجا گردیدند. گفتنی است که در این کمپ به‌تعداد

ادامه در صفحه بعد

۵۰۰۰ پناهجو به شمول افغان‌ها زندگی می کنند.
به‌تاریخ ۴ میزان، ۱۳۹۹ نوتیس میتاراخی وزیر مهاجرت و پناهندگی یونان در ملاقات با سفیر و نماینده وزارت امور مهاجرین در آن کشور ضمن تعهد سپردن به ادامه کمک‌ها، اضافه نمود که به این منظور ۵ میلیون یورو اختصاص یافته‌است.
تا اکنون حدود ۴۰۰ تشناب سیار نیز جابجا گردیدند و آب از طریق تانکرهای سیار فراهم می‌گردد. او راجع به بحران کرونا اشاره نموده و افزود که تلاش‌های برای انجام آزمایش کرونا به شدت جریان دارد و اکنون تعداد مبتلایان به ۲۵۰تن رسیده است. تدابیر وقایوی نیز اتخاذ گردیده است.
به تاریخ ۸ میزان سال ۱۳۹۹، بنابه درخواست های مکرر دفتر اتشه مهاجرین سفارت افغانستان در یونان بخاطر رسیده‌گی به مشکلات مهاجران موجود در جزیره لیسبوس، دفتر کمیشنر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان از توزیع فرش، کمپل، بستر خواب، تانکر ذخیره آب، لمپ سولر برای روشنایی، چارجر موبایل‌ها، و چهار تانکر سیار آب در کمپ های جدید یونان رسما خبر داده است. ضمن آن، اطمینان داد که هر روز غذا برای دوبار(صبح و شام) از جانب اردوی یونان توزیع می‌گردد.
برعلاوه، دفتر UNHCR از ازدیاد پول نقد برای پناهجویان کمپ جدید کاراتیپه قرار آتی خبر داده است؛ برای ۱نفر ۳۷.۷۰ یورو، برای ۳-۲نفر«فامیلی» ۸۰ یورو، برای ۴-۵نفر«فامیلی» ۱۰۵یورو، برای ٦نفر و بالاتر از آن ۱۲۲.۵ یورو، ازدیاد گردیده است.
از جانب دیگر بنابه درخواست وزارت مهاجرت و پناهندگان یونان، برای کمک به‌کمپ های پناهجویان در یونان هنگام ویروس کرونا، حکومت پولند به‌تعداد ۱۵٦ واحد مسکونی که ظرفیت گنجایش ۷۸۰ پناهجو را دارد کمک کرده است، که این واحدها در مقابل؛ هوا، باران، و آتش سوزی مقاوم است.
به‌تاریخ ۹ میزان ۹۹، حکومت جرمنی با هماهنگی همراه حکومت یونان و سازمان‌های بین‌المللی به‌تعداد ۱۳۹ پناهجو را که مشمول ۵۳ طفل بدون سرپرست نیز بودند، بخاطر ادغام با خانواده های شان به‌آن کشور انتقال دادند. قابل ذکر است که ۴۰٪ انتقال شوندگان اتباع افغانستان می باشد.
علاوه بر این، توجه لازم برای حمایت از گروه های آسیب پذیر نیز صورت گرفته است و تا هنوز به‌تعداد ۱۴۲۸تن که مشمول اطفال و خانواده ها می‌باشند، به دیگر کشورهای اروپایی جهت الحاق به اعضای خانواده شان و ادغام به جامعه میزبان انتقال داده شدند که نصف رقم متذکره را پناهجویان افغان تشکیل می دهند. گفتنی است که سفارت و دفتر اتشه مهاجران افغان در یونان همچنان برای حمایت بیشتر از پناه‌هندگان، با سازمان‌های ذیربط رابطه و هماهنگی دارند.

سید جلال محسنی بهشتی، خبرنگار وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

بیش از هشت‌صد هزار مهاجر افغان امسال به کشور برگشته اند

بربنیاد آمارهای وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و سازمان بین المللی مهاجرت، ۸۰۶ هزار و ۳۰۰ مهاجر افغان از آغاز ۲۰۲۰ میلادی تا ۵ دسمبر که برابر است با ۱۵ قوس سال روان خورشیدی، از کشورهای ایران و پاکستان به گونه اجباری و داوطلبانه از چهار نقطه مرزی میان افغانستان، ایران و پاکستان به کشور عودت کرده اند. ۸۰۰ هزار و ۱۰۹ تن از کشور ایران از مرزهای هرات_اسلام قلعه و نیمروز_میلک و ۶ هزار و ۱۹۱ تن از پاکستان از سرحد میان قندهار_سپین بولدک و ننگرهار_تورخم به کشور سرازیر شده اند.

یافته‌های نمایندگی‌های اداره امور مهاجرین و عودت کنندگان و سازمان بین المللی مهاجرت در مرزهای افغانستان، ایران و پاکستان نشان می‌دهند که بیشترین رقم عودت کنندگان از کشور ایران به افغانستان برگشته‌اند. ۴۹۲ هزار و ۵۸۵ تن از مرز هرات اسلام قلعه و ۱۸۷ هزار و ۸۲٤ تن از مرز نیمروز_میلک وارد خاک کشور شده اند.

در همین حال، ۱۲ هزار و ۲۱ تن از سرحد ننگرهار_تورخم و ٤۹ هزار و ۷۰ نفر از مرز میان قندهار_سپین بولدک پاکستان به کشور باز گشته‌اند.

از این میان، ۷۵ هزار و ۹۰۶ تن در سرحد میان افغانستان و ایران و ۵ هزار و ۳۷۳ تن در مرز میان افغانستان و پاکستان تحت پوشش مساعدت‌های بشری سازمان بین المللی مهاجرت با هماهنگی اداره‌های امور مهاجرین و عودت کنندگان قرار گرفته‌اند.

یافته‌های سازمان بین المللی مهاجرت نشان می‌دهند که بازگشت مهاجرین افغان در مقایسه با سال‌های گذشته زیاد و بی‌پیشنه بوده است.

نزدیک به ۸۰ هزار خانواده از آغاز سال روان تا ماه قوس در سراسر کشور بیجا شده‌اند

از آغاز سال روان خورشیدی تا اوایل قوس سال روان، دست‌کم به ۷۶ هزار و ۹٥٤ خانواده در سراسر کشور به سبب نا امنی‌ها و حوادث غیر طبیعی محلات اصلی زندگی شان را ترک کرده اند. بر اساس آمار های وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، در طول هشت ماه سال روان بیشترین رقم بیجاشدگان در ماه اسد به ثبت رسیده اند. آمار های وزارت نشان می دهند که (۷۰۱۹) خانواده در ماه حمل، ٦۹٦۹ در ثور، ۳۸۰۷ در جوزا، ۷۷٥۱ سرطان، ۱۸ هزار و ۱۳۹ در اسد، ۱۲ هزار و ۹۸۸ در سنبله، ٥ هزار و ۲٦۸ در میزان، ۱۳ هزار ۱۱۹ خانواده در ماه عقرب مجبور به ترک خانه‌های شان شده اند.

بر بنیاد آمارهای وزارت، ۱٦ هزار و ۹۷۱ خانواده بر سبب حوادث طبیعی و ٦۰ هزار و ۱٥۲ خانواده در نتیجه نا امنی‌ها محلات اصلی سکونت شان را ترک کرده‌اند.

از میان این رقم، ۲۳ هزار و ۲٦۰ خانواده در نتیجه بهبودی اوضاع امنیتی و نیز تلاش های ادارات امور مهاجرین در ولایات و همکاران بین المللی به منظور استقرار دایمی دوباره به خانه های شان بر گشته اند و ۹٥ هزار و ٥۹۱ خانواده به که از سال گذشته تا کنون نتوانسته اند دوباره به خانه های شان برگردند، تحت پوشش مساعدت های بشری وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان و ادارات همکار ملی و بین المللی قرار گرفته اند.

ساختار تشکیلاتی وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان بازنگری شد

در ادامه‌ی فعالیت‌ها و نوآوری، نورالرحمن اخلاقی، وزیر امور مهاجرین و عودت کنندگان از بهر آوردن اصلاحات جدی و موثریت در کار این وزارت، ساختار تشکیلاتی سال مالی ۱۳۹۹ را مورد بازنگری قرار داد.

بر اساس ساختار جدید تشکیلاتی سال مالی ۹۹، سه واحد (ریاست‌های هماهنگی مساعدت‌ها، دیاسپورا و تشویق به عودت داوطلبانه) اضافه، برخی از واحدها و بست‌ها در این وزارت تنقیص شد.

در همین حال، آقای اخلاقی با تاکید بر در نظر داشتن امنیت شغلی کارمندان این وزارت، بازنگری ساختار تشکیلاتی را نیاز مبرم و اساسی برای کارایی و موثریت هر چی بیشتر در ماموریت و رسیدن به اهداف این وزارت عنوان کرد.

این در حالیست که کار روی ساختار تشکیلاتی سال مالی ۱٤۰۰ خورشیدی در وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان آغاز شده و قرار است اصلاحات بیشتری محقق شود.

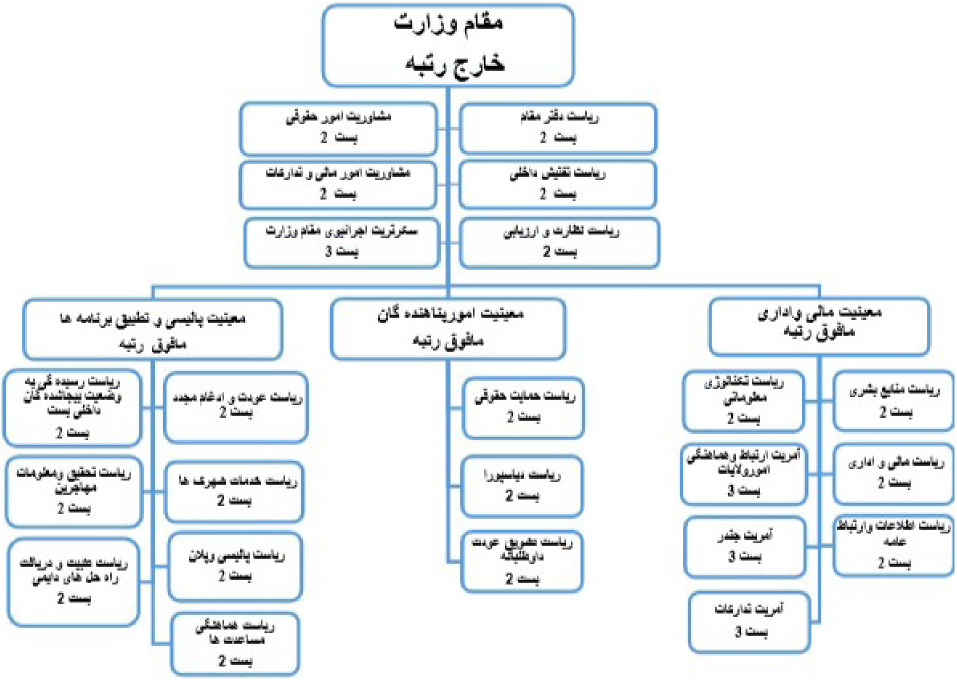

در جریان سه ماه بیش از هزار خانواده در نیمروز مساعدت شده است

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت نیمروز با همکاری ادارات همکار ملی و بین المللی، در جریان سه ماه (میزان، عقرب، قوس) سال روان هجری خورشیدی، ۱هزار و ۱۸۹ خانواده بیجاشده، عودت کننده و نیازمند را در آن ولایت مدد رسانی نموده است.

این خانواده‌ها از محلات مختلف مرکزی و ولسوالی‌های نیمروز به مرکز و نقاط امن بیجا شده بودند که در همکاری و هماهنگی اداره مهاجرین با موسسات و نهادهای همکار شناسایی شده بود.

مساعدت‌ها شامل پول نقد، مواد غذایی (آرد، روغن، نمک، دال، نخود، لوبیا، مواد مغذی و ...) بسته های صحی (صابون، کریم دندان، شامپو و غیره) بودند که با حضور نماینده ادارات نظارت کننده توزیع شده است.

قندهار کې زرګونو بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

دیوشمېر مرستندویه ادارو له لوري د قندهار ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې (۱۳۸۲۶) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیرخوراکي او روغتیایي کڅوړو مرستې شوي.

یادې کورنۍ چې د جګړو له امله د بېلابېلوسیمو او ولسوالیو څخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوې هرې کورنۍ ته نغدي،خوراکي مواد لکه، اوړه، غوړي، دالنخود، وریجې، مالګه او روغتیایي کڅوړې وېشل شوي دي.

بیش از سه هزار خانواده در غور تحت پوشش مساعدت‌های بشری قرار گرفته‌اند

در جریان سه ماه (میزان، عقرب، قوس) سال روان، ۳هزار و ۸۲ خانواده عودت کننده و خانواده‌های که از ولسوالی‌های دولینه، شهرک، تولک، ساغ، دولت یار، پسابند و مناطق مرکزی فیروز کوه در مرکز بیجا شده بودند، از سوی آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت غور با همکاری موسسات و نهادهای مدد رسان ملی و بین المللی مدد رسانی شده‌اند.

مساعدت‌ها شامل، پول نقد مواد غذایی (آرد، روغن، نمک، دال نخود و ...) بسته‌های غیر غذایی، پوشاک زمستانی، بسته‌های صحی، وسایل آشپزخانه، پناهگاه سیار (خیمه)، کمپل، ترپال، بسته‌های بهداشتی برای خانم‌ها بوده و در هماهنگی با آمریت امور مهاجرین توزیع شده است.

لغمان کې سلوگونوکورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لورې د لغمان ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې (۱۵۳۳) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیر خوراکي او روغتیایي موادو مرستې شوي.

یادې کورنۍ چې د جگړو له امله د یوشمېر سیمواو ولسوالیو څخه ددې ولایت امن سیموته راکډه شوې وې نغدي، خورکي لکه، اوړه، لوبیا، غوړي، بوره، دماشومانو لپاره دخوار ځواکۍ مواد، روغتیایي موادو لکه صابونه، مایع ضد عفوني، ماسکونه او غیر خورکي موادو مرستې وېشل شوي دي.

همدارنگه د ۵۰ زروامریکایي ډالرو په ارزښت د سبزیجاتو د پروسس مرکز، د درېیوملیونو افغانیو په ارزښت د اوبو رسولو شبکه او د لس زرو امریکایي ډالرو په ارزښت د گازو نغریو جوړولو فابریکه گټې اخستنې ته سپارل شوي ده.

به بیش از ۹ هزار خانواده بیجاشده در فاریاب مدد رسانی شده اند

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت فاریاب با همکاری موسسه‌ها و نهادهای مددرسان، طی سه ماه گذشته (میزان، عقرب، قوس) سال روان خورشیدی ۹ هزار و ۲۷۹ خانواده را که به دلیل جنگ و نا امنی‌ها و حوادث طبیعی محلات اصلی زندگی شان را ترک کرده بودند، تحت پوشش مساعدت‌های بشری قرار داده است.

بیجاشدگان از ولسوالی‌های مختلف این ولایت به مرکز و نقاط امن پناه گزین شده بودند و از سوی اداره امور مهاجرین این ولایت و نهادهای همکار سروی و نیاز سنجی شده اند.

بسته‌های مساعدتی شامل پول نقد، مواد غذایی (آرد، روغن، نمک، مواد سوی تغذی برای اطفال) بهداشتی از بهر وقایه از انتشار ویروس همه‌گیر کرونا، وسایل و ظروف آشپزخانه و پوشاک زمستانی بوده است.

این کمک‌ها در حضور نمایندگان اداره امور مهاجرین و سایر ادارات نظارت کننده توزیع شده است.

کونړکې ۸۶۹ بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لورې د کونړ ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ (۸۶۹) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیر خوراکي او روغتیايي کڅوړو مرستې شوي دي.

یادې کورنۍ چې د نا امنیو له امله د بېلابېلو ولسوالیو څخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوې وې د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې هرې کورنۍ ته نغدې، خوراکي لکه، غوړې، اوړه، بوره، مالگه، دماشومانولپاره دخوارځواکي مواد، بیسکویټ، غیر خوراکي لکه، دپخلنځي سامان الات، گازډبه، خېمې،ترپالونه، سطلونه، د اوبو بوشکې او روغتیايي کڅوړې وېشل شوې دي.

همدارنگه د کډوالۍ نړیوال سازمان (IOM) له لورې ٦۰ کورنیو هرې کورنۍ ته دوه دوه شېدې لرونکې وزې ورکړل شوې.

بیش از ۹ هزار خانــواده در کندز تحت پوشش مساعدت‌های بشری قرار گرفته‌اند

کم از کم ۹ هزار و ۲٤٥ خانواده بیجاشده و عودت کننده در کندز از سوی ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان این ولایت و نهادهای مدد رسان طی سه ماه گذشته (میزان، عقرب، قوس) بسته های کمکی دریافت کرده اند.

این شمار خانواده‌ها به دلیل جنگ و نا امنی‌ها از محلات مختلف مرکزی و ولسوالی‌های خان آباد، علی آباد، امام صاحب ولایت کندز به مرکز و نقاط امن آن ولایت بیجا شده اند. سروی و نیازسنجی خانواده های متذکره مشترکاً از سوی اداره امور مهاجرین و عودت گنندگان کندز و نهادهای همکار ملی و بین المللی صورت گرفته است.

بسته‌های مساعدتی شامل پول نقد، مواد غذایی، صحی، وسایل آشپزخانه و پوشاک زمستانی بوده که از سوی موسسات همکار وزارت امور مهاجرین در هماهنگی با اداره ولایتی مهاجرین در مرکز و ولسوالی‌ها توزیع شده است.

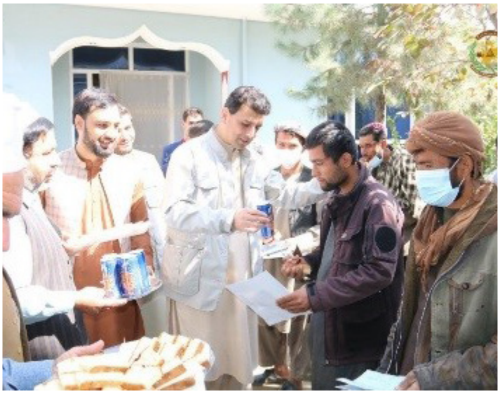

پکتیکاکې سلوګونو بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لورې د پکتیکا ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې (۴۹۱) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیر خوراکي او ورغتیایي موادو مرستې شوي دي.

یادې کورنۍ چې نا امنیو له امله د بېلابېلو سیموڅخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوې وې هرې کورنۍ ته نغدي، خوراکي لکه، اوړه، غوړي، بوره، مالګه، دالنخود، غیر خوراکي لکه، خېمې، ترپالونه، ګازډبه ، د پخلنځي سامان الات، د اوبو سطل، د اوبو بوشکې او روغتیایي موادو مرستې وېشل شوي دي.

نزدیک به سه هزار خانواده بیجاشده در بغلان کمک غذایی و غیر غذایی دریافت کردند

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت بغلان با همکاری نهادهای همکار ملی و بین المللی، در جریان سه ماه (میزان، عقرب و قوس) سال روان خورشیدی ۲ هزار و۵۳۲ خانواده بیجاشده را در این ولایت تحت پوشش کمک های بشری قرار داده است.

بیجاشدگان به دلیل جنگ و نا امنی‌ها محلات اصلی سکونت شان را ترک کرده و از مناطق مختلف مرکزی و ولسوالی‌های خوست، چشمه شیر، دند شهاب الدین، دند غوری، نهرین، تاله و برفک به مرکز و نقاط امن پناه‌گزین شده بودند. این خانواده‌ها پس از سروی از سوی اداره امور مهاجرین و نهادهای همکارش بسته‌های مساعدتی نقدی و غیر نقدی را دریافت کرده اند.

خوست کې بېځایه شوو کورنیو سره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لوري د خوست ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ (۲۹۳) بېځایه شوو کورنیوسره د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې نغدي خوراکي، غیر خوراکي او روغتیایي کڅوړو مرستې شوي دي.

یادي کورنۍ چې د جګړو له امله د یوشمېر سیموڅخه ددي ولایت مرکز ته راکډه شوي وي هرې کورنۍ ته نغدي، خوراکي لکه،اوړه، غوړي، لوبیا، مالګه، بوره، دماشومانو لپاره د خوارځواکۍ مواد، غیر خوراکي مواد لکه، کمپلې، ترپالونه، ګازډبه، ژمنۍ بسترې، د ماشومانو او ښځو لپاره ژمني ګرم لباسونه او روغتیایي کڅوړې وېشل شوي دي.

بیش از سه‌هزار خانواده در فراه تحت پوشش مساعدت‌های بشری قرار گرفته‌اند

آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت فراه با هماهنگی موسسات کمک کننده در آن ولایت طی سه ماه گذشته (میزان، عقرب، قوس) سال روان به سه هزار و ٢٦٤ خانواده که به دلیل جنگ و نا امنی ها از محلات اصلی سکونت شان به مرکز بیجا شده بودند مدد رسانی کرده است.

بسته‌های کمکی شامل، پول نقد، مواد غذایی، غیر غذایی، وسایل آشپزخانه و بسته‌های صحی بوده که در هماهنگی این اداره با موسسات همکار وزارت در مرکز و ولسوالی‌های این ولایت توزیع شده است.

پکتیا کې سلگونو بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لورې د پکتیا ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ د ۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیند میاشت کې (۴۱۷) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیر خوراکي او روغتیایي موادو مرستې شوي دي.
یادې کورنۍ چې د جګړو له امله دیوشمېر سیموڅخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوې وې

هرې کورنۍ ته نغدې، خوراکي لکه، دالنخود، اوړه، غوړي، بوره، مالګه، غیر خوراکي مواد لکه، کمپلې، ترپالونه، ګازډبه، د پخلنځي سامان الات، سطل، د اوبو بوشکې اوروغتیایي کڅوړې لکه د لاس منځلو صابون،مایع ضد عفوني او ماسکونه وېشل شوي دي.

هزاران خانواده بیجا شده در بادغیس مساعدت شد

دست کم ۲ هزار و ۶۸۳ خانواده بیجاشده در بادغیس طی سه ماه (میزان، عقرب، قوس) تحت پوشش مساعدت های بشری اداره امور مهاجرین و عودت کنندگان و شماری از نهادهای مدد رسان قرار گرفته و مساعدت های غذایی و غیر غذایی را دریافت کردند.

این شمار از خانواده ها به دلیل نا امنی ها محلات سکونت شان را ترک کرده و در نقاط امن در مرکز بیجا شده بودند.

کمک های نقدی، خوراکی و پوشاک زمستانی پس از سروی به این خانواده‌ها توزیع شده است.

لوگر سلگونه بېځایه شوو کورنیو سره نغدي مرستې شوي

د کډوالو او راستنېدونکو چارو وزارت د لوگر ولایت دکډوالو چارو آمریت سره په همږۍ ۶۰۰ داخلي بېځایه شوو کورنیوسره نغدي مرستې شوې.

یادې کورنۍ چې د جگړو له امله د یوشمېر سیمو او ولسوالیو څخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوې وې هرې کورنۍ ته د ۶۰۰۰ افغانیو نغدي چک د مرستیال والي، ولایتي شورا او دولتي ادارو استازو په شتون کې ورکړل شو ،چې د چک د ترلاسه کولو وروسته هرکس له بانک څخه خپلې نغدې پیسې ترلاسه کړې.

همدارنگه د لورگر ولایت دکډوالوچارو آمریت د راستنېدونکو اړوند ولایتي بیایوځای کېدو دیارلسمه ناسته د ولایت دمرستیال په مشرۍ د اړوندو دولتي ادارو او همکارو مسسو د استازو په شتون کې په دغه ولایت کې ترسره شوې.

دغه ناسته لومړنیو خدماتو ته د رسیدو، اوږد مهاله فرصتونو او د ننگونو دحل په موخه د لوگر ولایت دکډوالو چارو امریت له لورې دکډوالۍ نړیوال سازمان IOM په تخنیکي همکارۍ ترسره شوه او په یادو موضوعاتو یې خبرې وکړې.

نزدیک به چهار هزار خانواده نیازمند بیجاشده در بلخ کمک شد

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت بلخ با هماهنگی موسسات کمک کننده در این ولایت در جریان سه ماه (میزان، عقرب، قوس) سال روان خورشیدی، به ۳ هزار و ۹۱۷ خانواده بیجاشده ناشی از جنگ و نا امنی‌ها مساعدت رسانیده است.

این خانواده‌ها از مناطق و ولسوالی های ناامن ولایت بلخ و برخی ولایات همجوار در اثر ناامنی ها بیجاشده در ساحات مختلف شهر مزار شریف مرکز آن ولایت مسکن گزین شده اند.

کمک‌ها که شامل پول نقد، مواد غذایی، غیر غذایی، بسته های صحی، مواد شوینده و ضد عفونی، مواشی و پناهگاه سیار(خیمه) بود که پس از سروی مشترک اداره امور مهاجرین و نهادهای همکار نظارت کننده و کمک کننده به بیجاشدگان توزیع شده است.

میدان وردگو کې ۱۱۹۸ بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لوري دمیدان وردگو ولایت دکډوالو چارو آمریت په همکارۍ د ۱۳۹۹ کال دتلې، لړم او لیندۍ میاشت کې (۱۱۹۸) بېځایه شوو کورنیو سره نغدي،غیر خوراکي او روغتیایي موادو مرستې شوي.

یادې کورنۍ چې د جګړو له امله د بېلابېلو ولسوالیو څخه ددې ولایت مرکز ته راکډه شوي

ادامه در صفحه بعد

وې هرې کورنۍ ته نغدي، خوړکي لکه، غوړي، بوره، اوړه، دالنخود، مالګه، غیر خوراکي لکه، ترپالونه، خېمې، ګازډبې، د پخلنځي سامان الات، سطلونه، د اوبو بوشکې او روغتیايي مواد لکه، مایع ضد عفوني، دستکشې او ماسکونه مرسته وېشل شوې ده.

هلمند بېځایه شوو کورنیوسره مرستې شوي

د یوشمېر مرستندویه ادارو له لورې د هلمند ولایت دکډوالو چارو ریاست په همکارۍ د۱۳۹۹ کال د تلې، لړم او لیندۍ میاشت کې (۱۶۹۷) بېځایه شوو کورنیوسره نغدي، خوراکي، غیر خوراکي او روغتیايي موادو مرستې شوي.

یادې کورنۍ چې د نا امنیو له امله د یوشمېر سیمو او ولسوالیو څخه ددې ولایت مرکز ته رابېځایه شوې وې هرې کورنۍ ته نغدي، خوراکي لکه، غوړي، اوړه، بوره، دال، لوبیا، مالګه، غیر خوراکي لکه، خېمې، ترپالونه، سطلونه، د اوبو بوشکې، دپخلنځي سامان الات، دماشومانو ژمني لیباسونه او روغتیايي مواد لکه، صابون، کریم، مایع ضدعفوني، ماسکونه او دستکشې مرسته وېشل شوې ده.

بیش از یک‌هزار خانواده بیجا شده در پروان مساعدت شده اند

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت پروان در ربع خزانی سال روان هجری خورشیدی ۱هزار و ۹۰خانواده بیجاشده را تحت پوشش مساعدت های بشری قرار داده است.
این خانواده‌ها به دلیل جاری شدن سیلاب و نا امنی‌ها محلات اصلی سکونت شان را ترک و به محلات مناسب و امن‌تر در شهر چاریکار مرکز آن ولایت مسکن گزین شده اند. سروی و نیازسنجی خانواده های متذکره قبلا درهمکاری و هماهنگی مشترک میان ریاست امور مهاجرین، نهادهای کمک کننده و نهادهای نظارت کننده صورت گرفته است.
کمک های توزیع شده به خانواده های یادشده شامل پول نقد درکتگوری های مختلف، مواد غذایی، وسایل خانه و آشپزخانه و مواد بهداشتی بود که در هماهنگی این اداره با موسسات توزیع شده است.

بیش از یک هزار خانواده بیجاشده در پنجشیر مساعدت شده است

آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت پنجشیر با همکاری نهادهای همکار، طی سه ماه(میزان، عقرب، قوس) به ۱ هزار و ٤٤٢ خانواده بیجاشده که به دلیل سرازیر شدن سیلاب از محلات سکونت شان بیجا شده بودند پول نقد، مواد غذایی (آرد، روغن، مکرونی، شیر) غیر غذایی و وسایل منزل توزیع کرده است.
این خانواده‌ها از ولسوالی های حصه اول، دره و عنابه در مرکز پنجشیر بیجا شده و پس از سروی کمک دریافت کردند.

قوانین کار برای اتباع خارجی در انگلستان تغییر می‌خورد

عقرب ۱۳۹۹

در سایت مهاجر نیوز به نقل از گاردین آمده است که دولت انگلستان دستمزد مهاجران را به حداقل ۳۵,۸ پوند رسانده و نزدیک به ۳۰ فیصد کاهش داده است. این قانون از ماه دسامبر سال ۲۰۲۰ میلادی مورد تطبیق قرار میگرد.

به نقل از این رسانه، مهاجران با حقوق ۲۰.٤۸۰ پوند و با داشتن امتیازات کافی تحت سیستم جدید مهاجرت در شغل های که کمبود کارگر وجود دارد، اشتغال می شوند. آنها باید شش سال را با دوره کاری بگذرانند تا شهروندی این کشور را به دست آورند.

این قوانین که از تاریخ اول دسامبر سال روان تطبیق می شود، توسط وزارت امور داخله انگلستان به یکبارگی منتشر گردید.

سازمان عفو بین الملل در انگلستان گفت که از قوانین جدید برای کارگران مهاجر تعجب کرده است. این سازمان همچنان می‌گوید برعلاوه مدت هاست که امتیاز افراد در کار بستگی به ثروت، روابط، جنسیت و نژاد دارد. اما اداره امور مهاجرت انگلستان می گوید که برای کنترل دقیق مهاجرت تلاش می‌کند و این اقدام انگیزه کارفرمایان برای کارگران انگلیسی را کاهش می دهد.

بخش مهاجرت دانشگاه آکسفورد تغییر در دستورالعمل اخیر دولت را برای کارگارن خارجی شناسایی کرده و آنرا «آخرین مهری بر تابوت اهداف مهاجرت» خواند.

جانسون قبل از انتخابات سال ۲۰۱۹ در پیام اصلی کمپاینش مستقل بودن انگلستان از اتحادیه اروپا را شعار داد و گفت: «مهاجران اتحادیه اروپا برای مدت طولانی توانسته اند با انگلستان طوری رفتار کنند که انگار بخشی از کشور خودشان است. بوریس جانسون گفته بود که مسأله مهاجرت را پس از برگزیده شدن اش تحت قانون انگلستان حل و فصل خواهد کرد.

در عملیات جهانی علیه قاچاقبران انسان بیشتر از ۲۰۰ تن بازداشت شدند

قوس ۱۳۹۹
در یک عملیات بین المللی پولیس علیه معامله گران و قاچاقچیان انسان، بیشتر از ۲۰۰ تن بازداشت شده اند. ۳۰ تن دیگر به ظن سوءاستفاده جنسی از پناهجویان و افرادی که قربانی قاچاق انسان شده اند، بازداشت گردیده اند.
دویچه وله_سازمان بین المللی پولیس «انترپول»، که مقر آن در شهر لیون فرانسه است، خبر داد که در عملیات ویژه ای علیه قاچاقبران انسان بیشتر از ۲۰۰ تن بازداشت شده اند. به قول این سازمان، عملیات پولیس بین المللی از پایان نوامبر تا آغاز دسمبر سال ۲۰۲۰، در ۳۲ کشور جهان در قاره های امریکا، اروپا، افریقا و آسیا راه اندازی شده بود.
انترپول گفته است که این عملیات را با حمایت سازمان بین المللی مهاجرت (IOM) و اداره سازمان ملل متحد برای مبارزه در برابر مواد مخدر و جنایات (ONUDC) هماهنگ کرده بود.
به قول انترپول ۳۰ تن دیگر به ظن سوءاستفاده جنسی از پناهجویان و افرادی که قربانی قاچاق انسان شده اند، بازداشت گردیده اند. همچنان گفته شده است که حدود صد تن از قربانیان قاچاق انسان در کشور های برازیل، چیلی، جمهوری دومینیک، السلوادور، یوروگوای و اسپانیا نجات داده شده اند.
یورگن شتاک، دبیر کل انترپول اظهار کرد که این عملیات پولیس بین المللی نشان داده است که سازمان های جنایتکار، در زمان پاندمی کرونا در چه ابعادی از افراد آسیب پذیر بهره جویی کرده اند، افرادی که برای دست یافتن به یک زندگی بهتر تلاش می کرده اند.

پاکستان کې یو شمېر افغان کډوالوته نغدي مرستې پیل شوي

په پاکستان کې هغو افغان کډوالو ته، چې د کرونا وېروس قرنطین لخوا زیانمن شوي و دنغدي مرستو وېش په دې وروستیو کې پیل شوي دی.
د پېښور د کډوالو د اتشې په وینا دغه برنامه هغه کورنۍ تر پوښښ لاندې نیسي، چې د قرنطین پرمهال د زیاتو مالي ننګونو څخه شکایت کوي.
د پېښور د کډوالو د اتشې د معلوماتو پر اساس دغه مرستې به په ټول پاکستان کې ۳٦۰۰ کورنۍ تر پوښښ لاندې ونیسي او هرې کورنۍ ته به ۱۲۰۰۰ کلدارې د ملګرو ملتونو دکډوالو اداري له لورې په پېښور کې د افغان کډوالو د اداري په همکاري ووېشل شي.
همدارنګه د بېلابېلو مرستندویه ادارو له لورې په پاکستان کې شاوخوا ۱۵۰۰ افغان کډوالو سره په اسلام آباد ښار، راولپینډۍ او پنجاب کې د ترکیې جمهوریت د (تیکا) له لورې په اسلام اباد کې دافغانستان د افغان کډوالو داتشې په همکارۍ مرستې شوي.
دغه مرستې هغه مهال وېشل کېږي، چې د افغان کډوالو د قرنطین پرمهال د اقتصادي ننګونو سره مخ وي.

شمار مهاجران در جزیره بالکان افزایش یافته اند

مهاجر نیوز_پنج سال بعد از بحران بزرگ مهاجرت در اروپا، جاده بالکان همچنان یکی از مهمترین گذرگاه ها برای مهاجرانی به شمار می‌رود که از آسیای جنوبی و شرق میانه راه اروپا را در پیش می گیرند. بر اساس تازه ترین آمارها، از ماه جنوری تا جولای۲۰۲۰، شمار مهاجران در این مسیر حدود ۸۰ درصد نسبت به همین مدت در سال گذشته افزایش یافته است.
بر بنیاد توافقی که در سال ۲۰۱٦ میان اتحادیه اروپا و ترکیه در مورد مهاجران به امضا رسید، جاده بالکان به گونه رسمی بسته شده، اما موج مهاجرانی که می‌خواهند از این مسیر خود را به اروپا برسانند هیچگاه متوقف نشده است.
به گفته آژانس حفاظت از مرزهای اروپا، فرانتکس، علیرغم شیوع ویروس همه‌گیر کرونا در آغاز امسال، تردد مهاجران از طریق جاده

ادامه در صفحه بعد

بالکان همچنان ادامه داشته است.
بر بنیاد آمار این آژانس، از ماه جنوری تا جولای۲۰۲۰ شمار مهاجران غیرقانونی در این مسیر به ۱۱۳۰۰ نفر رسیده است. این رقم در مقایسه با همین مدت در سال گذشته ۸۰ درصد افزایش یافته است.
مقام‌های بوسنیا، که یکی از عمده ترین کشورهای عبوری مهاجران در مسیر بالکان است می گویند که افغان‌ها، پاکستانی‌ها، مراکشی‌ها و عراقی‌ها بخش عمده مهاجران در این مسیر را تشکیل می‌دهند.
اعمار یک حصار مرزی در مرزهای جنوبی هنگری با صربستان و کرواسیا موجب شده است که مهاجران راه آلبانیا، مونته نگرو و بوسنیا را در پیش بگیرند.
به گفته وزیر امنیت بوسنیا، حدود ۶۰ درصد از مهاجران موفق می‌شوند از این مسیر عبور کنند و راه خود را به سوی اروپا ادامه دهند.
در هفته‌های اخیر، با افزایش مهاجران در مرزهای مشترک بوسنیا و کرواسیا، وضعیت رو به تشنج می رود. مقام‌های بوسنیا می‌گویند که کمپ‌های این کشور با اسکان ۶۲۰۰ مهاجر لبریز شده اند و بیشتر از ۳۰۰۰ مهاجر نیز در کارخانه‌ها و منازل متروک زندگی و رفت و آمد می‌کنند.
در پی تشنج‌های ناشی از اعتراضات مردم محلی، پولیس در ایالت شمال غربی بوسنیا، مسیر مهاجران را مسدود کرده است. سازمان عفو بین المللی این اقدام را مغایر «آزادی رفت وآمد، تنبعیض آمیز و غیرمسئولانه» توصیف کرده اما مردم محلی مهاجران را به «سرقت» و « خشونت» متهم می‌کنند.

ورود پناهجویان از ترکیه به اتحادیه اروپا کاهش چشمگیر داشته است

دویچه وله / عقرب ۱۳۹۹

در ۹ ماه نخست امسال در مقایسه با همین دوره زمانی سال گذشته، تعداد به مراتب کمتر پناهجویان از طریق ترکیه وارد اتحادیه اروپا شده اند. در ۹ ماه امسال، بیش از ۱۴ هزار پناهجو و مهاجر از ترکیه وارد اتحادیه اروپا شده اند.

روزنامه آلمانی (ولت) به نقل از یک گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا و خدمات امور خارجی اروپا نوشته است که در ۹ ماه امسال، بیش از ۱۴ هزار و ۵۰۰ پناهجو و مهاجر از ترکیه وارد اتحادیه اروپا شده اند. در زمان مشابه سال گذشته، این رقم به بیش از ۴۸ هزار تن می‌رسید.

اگر آمار دو سال با هم مقایسه شوند، دیده می‌شود که در رقم ورود پناهجویان از طریق ترکیه به اتحادیه اروپا حدود ۷۰ درصد کاهش رونما شده است.

در سال جاری، ۱۱هزار و ۹۲۱ پناهجو وارد یونان شده اند که رقم بیشتر را نسبت به کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا نشان می‌دهد. همچنین ۲۳۳۴ نفر دیگر به ایتالیا، ۳۵ تن به بلغاریا و ۲۸۹ تن به قبرس رسیده اند.

آژانس محافظت از سرحدات خارجی اتحادیه اروپا (فرانتکس) از کاهش قابل ملاحظه در آمار ورود غیرقانونی مهاجران از مسیر شرقی بحیره مدیترانه از ماه جنوری تا سپتمبر امسال خبر داده است.

اتحادیه اروپا و ترکیه در ماه مارچ سال ۲۰۱۶ یک توافقنامه مهاجرت را به امضا رساندند. در بخشی از این توافقنامه آمده است که ترکیه باید در برابر مهاجرت غیرقانونی از قلمرو این کشور به اتحادیه اروپا، اقدامات بازدارنده را روی دست بگیرد. اتحادیه اروپا هم وعده کمک های مالی به ترکیه را داده بود تا انقره به پناهجویان سوریایی در این کشور رسیدگی نماید.

در اوایل سال جاری، یک تنش میان ترکیه و یونان به وجود آمد. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه اعلام کرد که مانع تلاش پناهجویان برای ورود به یونان نمی‌شود. این امر سبب گردید که هزاران پناهجو به مرزهای یونان هجوم ببرند که با واکنش جدی نیروهای یونانی مواجه شدند.

شمالي مقدونیه: پولیسو په یوه لارۍ کې د افغانانو په ګډون ۹۴ مهاجر موندلي

کډوالو نیوز- دشمالي مقدونیې پولیس وایي چې ددې هېواد په سوېل ختیځه سیمه کې یې یوه لارۍ کې یې یوه لارکۍ کې ۹۴ مهاجر موندلي دي. دغو کسانو غوښتل چې دشمالي مقدونیې له لارې ځانونه اروپایي هېوادونو ته ورسوي.

پولیسو دیکشنبې په ورځ رسنیوته وویل، یاده لارۍ یې رادوویش ښارته نږدې وموندله. لارۍ چلوونکی له سیمې څخه تښتېدلی دی.

دغه بار وړونکې لارۍ کې ټولټال ۹۴ کسان سپاره وو چې د سوریې، افغانستان، عراق او پاکستان اصلي اوسېدونکي دي.

یاد مهاجر دشمالي مقدونیې ګېوجلیاښارته انتقال شوي دي او تمه ده چې یونان ته وشړل شي.

دا په داسې حال کې ده چې دشمالي مقدونیې پولیسو د تېرې جولای میاشتې پر ۱۷مه دوو لاریو کې ۵۵ مهاجرنیولي وو چې په ډله کې یې ۱۱ پاکستانیان او ۵ افغانان هم شامل وو.

که څه هم د روان میلادي کال په لومړیومیاشتو کې د کرونا ویروس کرکېچ له امله د یونان او شمالي مقدونیې ترمنځ لارې تړلې وې، خو قاچاقي ډلې لاهم په سیمه کې فعالې وې.

از مهاجرت طولانی تا عودت به قصد سازندگی!

بانوی فلم‌ساز و کارگردانی‌که با دستاورد شگفت‌انگیز در عرصه‌ی سینما دوباره به‌کشور برگشته است!

صحرا کریمی،کارگردان فیلم و نویسنده در دیار غربت به دنیا آمد و سال‌های طولانی مهاجر بود. در سال ۱۳۶۵ در ایران بدنیا آمده و آخرین فرزند از سه فرزند خانواده اش است که در سال های جنگ با شوروی سابق مجبور به مهاجرت به خارج از افغانستان شدند. صحرا در سن ۱۵ سالگی به عنوان اولین دختر مهاجر افغان در یکی از فیلم های سینمایی ایران (دختران خورشید (۱۳۷۹)) به کارگردانی مریم شهریار نقش اصلی را ایفا کرده و هدف زندگی اش که همانا سینما است، در این فلم محک خورد.

بانو کریمی از ایران،کشوری که در آن‌جا مهاجر بود در سن ۱۷ سالگی یک بار دیگر به جمهوری اسلواکیا مهاجرت کرد و در آنجا به مدت۱۰ سال در رشته ی کارگردانی فیلم تحصیل کرد؛ که حاصل آن مدرک لیسانس در رشته کارگردانی فیلم مستند و کارگردانی فیلم داستانی؛ فوق لیسانس کارگردانی فیلم داستانی و داکترای کارگردانی فیلم داستانی با گرایش به نشانه شناسی و زیبایی شناسی سینما، از دانشگاه هنر و موسیقی، دانشکده فیلم و تلویزیون براتیسلاوا است.

او از دیار مهاجرت و غربت با دستان پر به کشور

باز گشت و ریکارد داکترای کارگردانی فیلم را به عنوان نخستین زن در تاریخ افغانستان به ثبت رسانید.

بانو صحرا بیش از ۳۰ فیلم کوتاه داستانی و مستند را طی ده سال تحصیل در این رشته ساخته است؛ که برخی از فیلم های او توانسته اند جوایز

ادامه در صفحه بعد

متعددی را از فستیوال های بین المللی فیلم نصیب خود کنند. او همچنین در کارنامه کاری خود دو فیلم بلند مستند و سه فیلم کوتاه نیمه بلند نیز دارد که فیلم نیمه بلند داستانی نسیمه- خاطرات یک دختر مهاجر در سال ۲۰۱۰ کاندید اسکار دانشجویی به نمایندگی از کشور جمهوری اسلواکیا بود. این فیلم علاوه بر جوایز متعددی که از فستیوال های مختلف بین المللی دریافت کرده است، همچنین برنده جایزه آکادمی فیلم و تلویزیون اسلواکیا است که این جایزه معروف به اسکار اسلواکی هم می باشد؛ این فیلم همچنین جایزه بهترین کارگردانی فیلم دانشجویی کمپانی کوداک را هم از آن خود کرد و در جشنواره بین المللی فیلم دوشنبه تاجکستان جایزه بهترین فیلم منتخب تماشاگران را نیز از آن خود کرد و همچنین فیلم افتتاحیه نخستین جشنواره فیلم زن در هرات افغانستان بود.

فیلم دیگر او زنان افغان پشت فرمان رانندگی اولین تجربه فیلم بلند او در زمینه سینمای مستند در داخل افغانستان است. این فیلم بیش از ۲۵جایزه بین المللی از فستیوال های مهم دنیا را از آن خود کرده است، از جمله به عنوان بهترین فیلم مستند سال ۲۰۱۰ کشور جمهوری

اسلواکیا نیز انتخاب شد و در اولین جشنواره بین المللی فیلم « کیش» کشور ایران جایزه بهترین تحقیق را به خود اختصاص داد و از شبکه های مهم تلویزیونی اروپایی از جمله « آرته فرانسه» و « بی بی سی» نیز پخش و باز پخش شده است. این فیلم همچنین در سال ۲۰۱۴ به عنوان بهترین فیلم مستند در بخش زنان فیلم ساز جشنواره بین المللی فیلم داکا- بنگلادش نیز برگزیده شد.

فیلم دیگر صحرا کریمی «پرلیکا، زنی در سرزمین مردان» که با الهام گرفتن از زندگی خانم ثریا پرلیکا ساخته شده است، نگاهی عمیق به تاریخ چهار دهه خشونت علیه زنان در افغانستان دارد. این فیلم در سال ۲۰۱۶ در فستیوال فیلم های مستند یک جهان اولین نمایش عمومی خود را داشت و به عنوان نماینده سینمای مستند افغانستان در فستیوال های مختلف بین المللی شرکت کرده است و در سال ۲۰۱۸ به عنوان بهترین فیلم مستند در بخش زنان فیلم ساز جشنواره ی بین المللی فیلم داکا - بنگلادش برگزیده شد.

صحرا کریمی از اواخر سال ۲۰۱۲ بدینسو با دریافت جایزه آکادمی فیلم و تلویزیون اسلواکی بخاطر فیلم نیمه بلند داستانی نسیمه، به عنوان اولین فیلمساز زن از کشور افغانستان عضو رسمی آکادمی فیلم و تلویزیون اسلواکی می

ادامه در صفحه بعد

باشد. او همچنین داور رسمی جشنواره های بین المللی فیلم در کشورهای مختلف بوده است از جمله در سی و سومین جشنواره بین المللی فیلم فجر در ایران برای نخستین بار به نمایندگی از افغانستان جز داوران اصلی جشنواره در بخش « جلوه گاه شرق» بوده است .

صحرا کریمی بنیانگذار شرکت رسانه ای و هنری « کاپیلا» در کابل- افغانستان می باشد، که به مدت چهار سال ریاست آن شرکت را بر عهده داشت. کاپیلا یکی از شرکت های فعال در زمینه‌ی فعالیت‌های سینمایی، رسانه‌ای، فرهنگی و هنری می باشد و تا کنون هنرمندان زیادی را در زمینه برگزاری نمایشگاه های هنری و فرهنگی و ساخت فیلم های کوتاه داستانی و مستند پشتبانی کرده است. کاپیلا با مدیریت صحرا کریمی توانست پروژه های رسانه ای و هنری بسیاری را در سطح افغانستان اجرا کند که نقش مهمی در ارتقا جایگاه هنر در افغانستان داشته است؛ از جمله برای نخستین بار ۸۰ عکس از زندگی روزمره ی زنان افغانستان را شامل آرشیو ملی افغانستان کند.

فیلم بلند داستانی حوا، مریم، عایشه نخستین فلم بلند داستانی صحرا کریمی است که در سال ۲۰۱۹ در خاک افغانستان ساخته شد. این جز نخستین فیلم ها از سینمای مستقل افغانستان می باشد. این فلم در رقابت اصلی جشنواره بین المللی فلم ونیز انتخاب شد و تا کنون در ۲۸ جشنواره فیلم بین المللی شرکت کرده و توانست در جشنواره بین المللی فلم داکا و همچنین فلم های آسیایی لوس آنجلس آمریکا جایزه بهترین بازیگر را دریافت نماید. همچنین جایزه بهترین فلم بخش زنان ششمین جشنواره بین المللی فلم هرات را دریافت کرد. حوا، مریم، عایشه به عنوان نماینده اسکار از کشور افغانستان در سال ۲۰۱۹ معرفی شد و در سینمای هنر و تجربه ایران به مدت پنج ماه نمایش داده شد و یکی از پر مخاطب ترین فلم های این بخش بود.

صحرا کریمی در ۲۰۱۴ به افغانستان برگشت. قصد عودت او ماندن برای آبادنی است. او قصد دارد تا سینمای افغانستان را که به باور وی رنگ باخته و نیاز جدی به کار دارد، زنده کند و مردم را با دنیای سینمای افغانستان و ارزش سینما در فرهنگ جامعه بشناساند. از همین رو وی برای ریاست افغان فیلم درخواست داد و موفق شد تا این کرسی را تصاحب کند. راه اندازی جشنواره لاجورد، نخستین جشنواره فیلم ملی افغانستان، آغاز کار تولید ۱۴ فیلم مستند، داستانی کوتاه و بلند در ریاست افغان فیلم از دستاوردهای نخستین ماموریت او است و نویدهای زیادی را به مردم افغانستان در عرصه سینما داده است.

حسین صادقی
قهرمان جهانی ووشو
و ستاره‌ی هالیوود

حسین صادقی، یکی از چهره‌های مشهور هالیوود و قهرمان جهانی رشته ووشو در ۱۳۶۰ هجری شمسی در یکی از دور دست ترین روستاهای ولایت دایکندی متولد شد. ۲۷ سال داشت که چمدانش را به امید و آرزوی زندگی مرفه، به دور از صدای شلیک گلوله و صدای انفجار برای همیشه از کلبه‌ی فقیرانه‌ی گلی‌اش بست و راهی مهاجرت شد.

آقای صادقی هنگامی که افغانستان را ترک می کرد عنوان قهرمان ملی را در رشته کونگفو شائولین داشت و صاحب دو مدال طلا نیز بود.

صادقی به محض رسیدن به خاک استرالیا در چنگ ماموران امنیتی این کشور افتاد و دست کم شش ماه را در زندان بندر «هدلند» به سر کرد. او در جریان محبوسیت در بازداشتگاه به رسانه ها گفته بود: «به این امید به استرالیا پا نهادم که آزادی نداشته در میهنم را اینجا بیابم، اما با پا نهادن در

ادامه در صفحه بعد

بازداشتگاه بندر هدلند و مشاهده قفل و زنجیر دروازه‌ها و حصارهای بلند دیوارها با خود گفتم: آن آزادی که من به دنبالش بودم این نیست.»

صادقی در رشته هنرهای زیبا در استرالیا تحصیل کرده و در سال ۲۰۰۸ سند فراغت بدست آورد. وی مربی نوجوانان در رشته ووشو در شهر پرت استرالیا نیز بوده است.

حسین صادقی با سرگذشت پر ماجرا و زندگی پر خم و پیچ کارنامه‌ی درخشان و قابل مکث را برای خودش رقم زده است. وی در دنیای مهاجرت دستاوردهای چشمگیری در عرصه سینما و دنیای ورزش داشته و برای افغانستان افتخار آفرینی کرده است. از کسب عنوان قهرمانی‌ای جهانی گرفته تا پا گذاشتن در سینمای هالیوود. صادقی از آوان کودکی و در دیار غربت (ایران و پاکستان) به کلپ های ورزشی پا نهاد و تا ثبت نامش در رده‌ی قهرمانان جهان دست و پنجه زده و عرق ریختاند. سرانجام وی پس از کسب عنوان قهرمان ملی و اخذ دو مدال طلا در رشته کانگ فو شائولین، در سال ۲۰۱۲ در سومین دوره فستیوال جهانی هنرهای رزمی در رده نخست رقابت هنرهای رزمی در فرم های استاندارد قرار گرفت و مدال طلا را از آن خود ساخت که پس از دریافت عنوان قهرمان جهان در رشته ووشو، وی از سوی مجلس نمایندگان، کمیته ملی المپیک و نهادهای مهم دیگر دولتی تقدیر شد. او در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ عضو تیم ملی ووشوی افغانستان بود.

افزون بر درخشیدن در دنیای ورزش، وی در سینمای هالیود نیز افتخار آفرینی کرده و در دو فلم تحت نام‌های (هنر نبرد، بهشت ارواح و در میان مردگان) نقش بازی کرده است. او او برای اولین بار در فیلم(Ghost in Heaven) نقش بازی کرد و دیری نپایید که آوازه‌ی بازیگری اش، از مرزهای استرالیا فراتر رفت و به تدریج توانست توجه سینماگران معروف امریکا را به خود جلب کند. صادقی در اولین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های اکشن عنوان بهترین طراح صحنه را در فلم «بین مردگان» بدست آورد.

در آخرین مورد، آقای صادقی از ثبت و گشایش موسسه‌ای غیردولتی برای فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و هنری جوانان افغانستان تحت نام مجمع ورزشی، فرهنگی و هنری امید در کابل خبر داده است که اکنون این مجمع به یک آدرس خوبی برای جوانان فرهنگی مبدل شده است.

حسین صادقی به عنوان یک پناهنده درک خاصی از وضعیت پناهجویان دارد زیرا به قول خودش وی یک سرگذشت مشابه با کمپ نشینان داشته و می تواند آنان را درک کند. وی هرازگاهی سری به کمپ های مهاجران در کشورهای مختلف از جمله ترکیه و یونان می‌زند. وی در دیدارش با پناهجویان در یکی از کمپ‌های مهاجران گفته:»میدانم که وقتی در کمپ یا بازداشتگاه پناهجویی هستید غیر از خدا هیچ امیدی باقی نمی ماند، دیدار یک بازدید کننده چقدر به آدم امید و روحیه می بخشد. با این سفرهمچنان می خواهم دوستان و همکارانم درعرصه سینما و ورزش را ترغیب به دیدار از پناهجویان و پناهندگان افغانستانی در کشور های مختلف دنیا نمایم. ما در هر کشوری که ساکن گردیم، کشور مادری مان همیشه برای مان دوست داشتنی است و نمیتوانیم ارتباط مان را با ریشه و اصل ما قطع کنیم.»

نصرت الله، پناهجوی که هفت‌بار پی‌هم تلاش کرد تا از سرحدترکیه بگذرد!

ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

نصرت الله، ۲۲ ساله، فارغ از رشته تکنالوژی طبی و اکنون در یکی از کمپ‌های پناهجویان در ترکیه. میگوید پس از فارغ شدن از دانشگاه سه سال در پی یافتن شغل بوده و موفق نشده، سر انجام در اوایل سال روان خورشیدی (۱۳۹۹) مصمم به پیش گرفتن راه پر خوف مهاجرت شده است.

مسیر کابل_ پاکستان_ ایران را به صورت غیر قانونی طی کرد تا از ایران به عنوان راه عبور و پل رسیدن به ترکیه استفاده کرده خودش را به کشور مقصودش برساند. در مسیر راه ایران توسط چندین قاچاقبر دست به دست می شود و سر انجام خودش را به این کشور می رساند.

بعد از داخل شدن به خاک ایران، توسط قاچاقبر بلوچ تبار با گروپ ۲۰۰ نفری راه ترکیه را به پیش گرفت.

نصرت الله با صدای خسته و بیزار از این راه دشوار و پر خطر می‌گوید:

«مسافرت از طرف شب بود، در تاریکی شب به یک گودال بزرگ مواجه شدیم که در وسط آن یک راه باریک وجود داشت. در تاریکی شب چندین نفر به گودال افتاد و هیچکس به فکر نجات آنها نشد.»

دایره‌ی گروه با افتادن این افراد در گودال اندکی کوچک شد. نصرت الله با افراد باقیمانده از این محل می‌گذرد و این بار به دست قاچاقبران کردی سپرده می‌شوند. نصرت را با ۲۷ نفر دیگر یک

موتر پیکپ جابجا می‌کند.

آهی کشید و چشمانش پر از قطره های اشک شد. اندکی مکث کرد و برای چند ثانیه به سوالم پاسخ نداد. به سمت دوربین مبایل نگاه نکرد. نگاهش به سمت دیگر بود و به قصه‌هایش ادامه داد:

«موتر ها بعد از ٤٨ ساعت به یک خوابگاه متوقف شد. ما از خستگی تشنگی و گرسنگی و تنگی جای در موتر، توان راه رفتن را نداشیم، شب بار دیگر توسط یک موتر دیگرحرکت کردیم و در۲٤ ساعت برای هر نفر ما یک قرص نان خشک و یک عدد بادنجان رومی دادند.»

اکنون نصرت با همراهانش نزدیک مرز ترکیه شده. شب را در یک ویرانه سحر می‌کند. باز هم یک عدد کچالوی جوشانده، یک عدد بادنجان رومی و یک بسکیت به هر نفر توزیع می‌شود.

ادامه در صفحه بعد

قاچاقبران با صدای غرا و خشن از راه طولانی هشدار می‌دهد و تاکید می‌کند که غذا را برای رد شدن از مرز نگهدارند.
نصرت می‌گوید قاچاقبر بخاطر احتیاط از گیر افتادن به دست ماموران سرحدی ترکیه مسافران را همراهی نکرد و از دور به آنان رهنمایی کرد که از کدام ساحه باید عبور کنند.
او قصه اش را این‌گونه ادامه می‌دهد:
«گروپ ما٥٤ نفر بود و زمانیکه به سیم خار دار رسیدیم مورد حمله پولیس ترکیه قرار گرفتیم، ١١نفر موفق به فرار و عقب نشینی شدیم و دیگران بدست پولیس ترکیه افتید که در میان آنها اطفال و خانمها نیز شامل بود. وقتی صبح شد دیدیم که افراد دستگیر شده را پولس آزاد کردند و آنها دوباره با ما یکجا شدند، اما بیشترآنها بوت و جمپر نداشتند. پولیس ترکیه پاپوشها و چمپر های شانرا سوختانده بود، در بیابان بار دیگر همه یکجا شدند و قاچاقبر هم آمد و دوباره به همان ویرانه برگشتیم و شب باردیگر به مرز ترکیه رفتیم، اما بازهم مجبور به عقب نشینی شدیم و شب سوم بار دیگر به مرز رفتیم و این بار ٣٤نفردستگیر شدیم، پولیس آنچه را نزد ما بود گرفت و حریق کرد و برگشتیم به خاک ایران.»
این بار شمار مسافران به ٣٠٠ تن می‌رسد. قاچاقبر تصمیم می‌گیرد مسافران را از مسیر ماکو به سمت سرحد ترکیه ببرد. غذای هر نفر در٢٤ ساعت یک تخم مرغ و یک قرص نان است.
هوا بصورت غیر قابل تحمل سرد است. نصرت اینبار پس از چهار روز موفق شده تا با همراهانش به سرحد ترکیه نزدیک شوند؛ اما ماموران امنیتی ایران مانع شدند و آنان را به دشت برگشت دادند. بخاطر سردی هوا و نبود جای گرم به یکدیگر می‌چسپند. تا ازسردی هلاک نشوند.
باز هم شب شد و قاچاقبر هدایت حرکت می‌دهد. از مسیر دشت و دره ها عبور می‌کند. قاچاقبر که همیشه فاصله خود را با آنان حفظ می‌کند هدایت می‌دهد که در صورت فیر هم توقف نکنند. هفت قاچاقبر ٣٠٠ مسافر را به آسانی شناسی نمی‌توانند.
ساعت سه شب از مرز می‌گذرد و روز را در یک روستا، بدون نان و آب سپری می‌کنند. شب برای هر نفر یک نان و یک بادنجان رومی می‌دهد.
بازهم تصمیم دارند تا حرکت کنند اما خبری از موتر نیست. نصرت با این شمار از مسافران شب را در زیر یک پل شبیه تونل صبح می‌کند... برای بار دوم توسط ماموران سرحدی ترکیه دستگیر می‌شوند و دوباره به ایران برگشت داده می‌شوند.
نصرت با شمار زیاد از پناه‌جویان به همین ترتیب شش بار از سرحد عبور می‌کنند اما برگشت داده می‌شوند.
او بار هفتم موفق می‌شود تا خود را به شهر قرص ترکیه نزد دوستان‌اش برساند.
نصرت الله می‌گوید: « مشکلات راه برای خیلی‌ها طاقت فرسا است و من در این راه طولانی چندین بار به خطر مرگ مواجه شدم. بدون شک افرادی که یکبار از این مسیر عبور کرده باشد، بار دیگر به هیچ قیمتی از آن عبور نخواهد کرد.»
او به هموطنانش توصیه می‌کند تا راه غیر قانونی مهاجرت را در پیش نگیرند.

جهــان پردرآمد قاچاقچیــان انسان
«نمی‌دانم خدا مرا می‌بخشد یا نه»

دسامبر ۲۰۲۰

بی بی سی

قبل از این که شفیع‌الله، سوار قایق شود و پنهانی از مرز عبور کند، با خانواده اش در افغانستان تماس گرفت تا به آنها بگوید که حالش خوب است و در مسیر رسیدن به ترکیه است.

پس از این تماس، شفیع الله که ۱۶ ساله بود سوار قایق شد. او یکی از حدود ۱۰۰ مسافر آن شب، در جون سال ۲۰۱۹ و یکی از هزاران مردی بود که در جستجوی یک زندگی امن‌تر در اروپا، از افغانستان فرار کرده اند.

شفیع الله وارد ترکیه شده بود، اما قاچاقچیانی که قرار بود در بدل پول او را به استانبول ببرند، برای جلوگیری از گیر افتادن به چنگ پولیس در مسیر راه خواستند مسافران را به آن طرف دریاچه وان منتقل کنند. آب این دریاچه خطرناک است و قاچاقچیان از طرف شب وارد این دریاچه شدند.

در بخشی از این دریاچه، قایق حامل آنها غرق شد. ده‌ها نفر از جمله حد اقل ۳۲ افغان، هفت پاکستانی و یک ایرانی غرق شدند. از این دریاچه پس از آن حادثه تاکنون ٦۱ جسد کشف شده، اما بقیه افراد، از جمله شفیع الله، مفقودند. مقامات ترکیه به بی‌بی‌سی گفتند که برخی از اجساد ممکن است در عمق زیر سطح رفته باشند و پیدا کردن آنها بعید به نظر می‌رسد..

دست‌کم چهار نفر از کسانی که تصور می‌شود در این رویداد جان باخته اند، از جمله شفیع‌الله توسط یک قاچاقچی از کابل فرستاده شده بودند.

بی‌بی‌سی این قاچاقچی را پیدا کرد و او به شرط افشا نشدن هویتش موافقت کرد با ما مصاحبه کند.

شفیع الله که به قاچاقچیان پول داد تا او را به اروپا ببرند اما او در این راه برنده نشد

(همه چیز با تلفن هماهنگ می‌شود)

الهام نور (اسم مستعار مرد) ارتباطات خوبی با سایر جنایتکاران دارد و ادعا می‌کند که موفقیت بالایی در فرستادن افراد به ایتالیا، فرانسه و بریتانیا دارد.

وی گفت: «قاچاق یک تجارت فردی نیست، بلکه یک شبکه عظیم است...ما با یکدیگر ارتباط داریم.»

ادامه در صفحه بعد

نور اگرچه خودش با مهاجران سفر نمی‌کند، می‌گوید: «همه چیز از طریق تلفن هماهنگ می‌شود.»
«نور» هیچ نیازی به تبلیغ ندارد. مشتریانش با او تماس می‌گیرند. جوانان افغان که به دنبال سفر هستند به طور معمول قاچاقچی را جستجو می کنند که قبلاً شخص دیگری را از منطقه خودشان به خارج فرستاده است.اما تنها درصدی کوچکی از این میان در اولین تلاش موفق می‌شوند به اروپا برسند و برخی هم هرگز باز نمی‌گردند.
شیر افضل، کاکای شفیع الله گفت که خانواده می‌دانستند که این سفر خطرناک خواهد بود. «ولی ما این را پیش‌بینی نکرده بودیم.»

(برخی از مهاجرانی که با شفیع الله سفر کرده‌اند ، در این قبرستان نزدیک دریاچه وان به خاک سپرده شده‌اند.)

فضل سوگوار است، اما نوع غم و اندوه او عجیب و غریب است، نوعی از عزاداری که قطعیت ندارد. چون نام شفیع الله همچنان در فهرست ناپدید شدگان است. این خانواده که در شهر جلال آباد زندگی می‌کنند، مایل اند مراسم یادبودی برای شفیع الله برگزار کنند اما هنوز هیچ بقایایی از او ندارند.
پیش از این مراسمی برای دو مهاجر دیگر که اجساد آنها پیدا شده بود، برگزار شده است.
افضل می‌گوید «حالا می‌خواهیم جسد او را ببینیم. دیگر انتظار نداریم که او زنده باشد.»

شفیع الله، آینده‌ای برای خود در جلال‌آباد نمی‌دید. برای رفتن به ایتالیا با نور تماس گرفت و مبلغ هزار دلار را به عنوان اولین قسط به قاچاقچی پرداخت. او همراه با دیگر مهاجران یکجا و با موتر، لاری و گاهی پیاده از مکانی به مکان دیگر منتقل شدند.

(مهاجران برای جلوگیری از گیر افتادن در چنگ پلیس از دریاچه وان عبور می‌کنند)

شفیع الله از ایران عبور کرد و وارد ترکیه شد، اما سفر وی در دریاچه «وان» لحظاتی پس از تماس با خانواده‌اش به پایان رسید.
نور به بی‌بی‌سی گفت که او ۸۵۰۰ دالر برای رسیدن به ایتالیا را به خانواده شفیع الله و دیگران که سفرشان کامل نشد، برگردانده است. خانواده شفیع الله تأیید کردند که این پول را دریافت کرده‌اند.
نور گفت این فاجعه بر بدگمانی او در قسمت قاچاق انسان افزوده است. او گفت که او هزینه انسانی این کار را در زمانی که همه چیز درست پیش نرود، درک می‌کند. اما این یک تجارت سودآور است، تجارتی که ترک آن بعد از این همه سال دشوار است.
نور گفت: «ما برای سفر ترکیه از افغانستان یک هزار دالر می‌گیریم. از ترکیه به صربستان، چهار

ادامه در صفحه بعد

هزار دالر است. از آنجا به ایتالیا ۳۵۰۰ دالر دیگر هزینه‌اش می‌شود که در مجموع تا ایتالیا ۸۵۰۰ دالر می‌شود.»

نور می‌داند که مهاجران بدون مدارک سفر با سفری پرمخاطره روبرو می‌شوند. وی گفت که آنها در روز پنهان نگهداشته می‌شوند و شب با استفاده از خانه‌های امن شبکه در طول راه، در شهرهای مانند تهران، وان و استانبول به سر می‌برند.

به مهاجران توصیه می‌شود هیچ چیز گران قیمت خود مانند جواهرات، یا ساعت هایی را که می تواند سارقان را به خود جلب کند، به همراه نداشته باشند. نور معمولاً به مهاجران می گوید که بیش از یک هزار دالر پول نقد حمل نکنند.

سفر به ترکیه، قطب اصلی مهاجران افغان است که به اروپا می‌خواهند برسند. زمان رسیدن به ترکیه بستگی دارد به آنچه که در مسیر راه اتفاق می افتد و می تواند از یک هفته تا چند ماه طول بکشد. یکی از مهاجرانی که خود را به استانبول رسانده و به سمت غرب عبور کرد، حضرت شاه، یک سرباز سابق در اردوی ملی افغانستان است.

(حضرت شاه (راست) در افغانستان که از طالبان فرار کرد و به سمت ایتالیا حرکت کرد)

پس از آنکه روستایی که در آن زندگی می‌کرد، به کنترل طالبان درآمد، حضرت شاه ۲۵ ساله از بیم حملات تلافی‌جویانه به خانواده اش ترسید، بنابراین از واحد خود خارج شد و تصمیم گرفت کشور را ترک کند. او در اوایل سال جاری از ننگرهار فرار کرد و تلاش کرد خود را به ایتالیا برساند.

او به بی‌بی‌سی گفت: «پس از رسیدن به مرز بین ترکیه و ایران و رسیدن به استانبول تقریباً یک ماه طول کشید...من چند ماه در آنجا ماندم و در هوتل‌ها کار کردم تا پول تأمین هزینه قاچاقچیان را به دست آورم.»

مسیر شرقی مدیترانه، که شامل عبور از دریا بین ترکیه و یونان است، مسیر مورد نظر مهاجران است. آژانس مرزی اروپا تخمین می زند که در ۱۰ ماه اول سال ۲۰۲۰ ، بیش از ۱۷۰۰۰ نفر از این مسیر به اروپا عبور کرده‌اند و تصور می شود که از این جمله تقریباً یک چهارم این‌ها افغان باشند.

رسیدن از یونان به بوسنی دشوار بود. حضرت شاه، چندین بار دستگیر و اخراج شد تا این بتواند به بوسنی برسد و تلاش های او برای جلو رفتن بیشتر با شکست‌های مکرر روبرو می‌شد.

وی گفت: «وحشتناک بود، در آخرین تلاش من

نیز مجروح شدم. پولیس مرا بسیار لت و کوب کرد. آنها کفش‌ها و لباس‌های ما را گرفتند. ما مجبور شدیم در تاریکی برگردیم. گذر از آنجا

ادامه در صفحه بعد

بسیار سخت است.»

«قاچاقچیان نمیتوانند کمکی کنند «

حضرت شاه، مطمئن نیست که آیا بالاخره به ایتالیا خواهد رسید یا خیر، اما حال و حوصله‌ای این را هم ندارد که برای کمک به قاچاقچیان به افغانستان زنگ بزند. او گفت، آن‌ها در اولین نشانه از مشکلات ناپدید می‌شوند و بسیاری از کسانی که سفر را انجام می‌دهند از اعتماد به آنها پشیمان می‌شوند.

وی گفت: «این احتمال وجود دارد که در هر مرحله از سفر بمیرید یا زخمی شوید یا ربوده شوید ولی هیچ کس نمی‌تواند به شما کمکی کند. برای آنها (قاچاقچیان) امکان کمک وجود ندارد زیرا آن‌ها از پولیس می‌ترسند. این بازی کثیفی است.»

حضرت شاه گفت که او ماه‌ها در شرایط وحشتناکی زندگی کرده و شاهد مردن بسیاری در راه بوده است.

وی گفت: «برای زنده نگهداشتن شما غذا و آب بسیار کمی دریافت خواهید کرد. من مردم را دیدم که بدون آب از تشنگی می‌مردند. سایر مهاجران نمی‌توانند به آنها کمک کنند زیرا اگر سهم آب خود را به آنها بدهید، با همان وضعیت روبرو خواهید شد.»

طبق اعلام سازمان بین المللی مهاجرت(IOM) در سال ۲۰۲۰ بیش از یک هزار نفر در تلاش برای عبور از مدیترانه جان خود را از دست داده‌اند. بیشتر هم به این دلیل که آنها مجبور هستند با قایق‌های پر از مسافر، اغلب در هوای نامناسب سفر کنند. بسیاری دیگر مانند شفیع الله، قبل از رسیدن به مدیترانه می‌میرند که حتی مرگ آنها شامل این آمار هم نمی‌شود.

اما شمار افغان‌های که می‌خواهند مهاجرت کنندکم نیست. پس از انفجار در نزدیک سفارت آلمان در کابل در سال ۲۰۱۷ که منجر به کشته شدن حداقل ۱۵۰ نفر شد، اکثر کشورهای اروپایی مراکز درخواست ویزا خود را در افغانستان تعطیل کردند. این امر سفر قانونی به اروپا را دشوارتر کرده و فقط باعث افزایش مراجعه مشتریانی می‌شود که به دنبال خدمات قاچاقچیانی مثل نور هستند.

(خانواده شفیع الله امیدوارند که انتشار عمومی عکس وی ممکن است در شناسایی هویت او کمک کند)

خود نور هم مانند بسیاری دیگر، یکبار آرزو داشت که در بریتانیا زندگی راحتی داشته باشد. او در حالی که فقط ۱۴ سال داشت راهی آن سفر شده بود. پدرش مبلغ ۵ هزار دالر به قاچاقچیان پرداخت کرد. نور گفت: «من هنوز هم دشواری های سفر خود را به خاطر دارم، به ویژه در بلغارستان که ما را در قطارها پنهان می‌کردند - حتی مجبور شدم از قطار در حال حرکت بپرم.»

نور در کمپ مهاجران جنگل کاله که در ماه اکتبر تخریب شد مهاجران را به قاچاقچیان معرفی می‌کرد.

نور گفت حدود صد نفر از کسانی را که به او

ادامه در صفحه بعد

پول داده‌اند تا آنها را به زندگی بهتر برساند در حال حاضر در راه رسیدن به اروپا هستند. اما او اصرار داشت که شاید در این زمینه آخرین روزهای کارش باشد. او ادعا کرد که از این شغل خارج می‌شود. گفت که فاجعه با قایق شفیع الله به کار او صدمه زده است، اما مهاجران خطرات را می‌دانند.

وی گفت: «من بارها از خانواده‌ها عذرخواهی کردم. در ابتدا به آنها واضح گفتم که در راه هر اتفاقی ممکن است بیفتد.آنها این را پذیرفته اند. خدا تصمیم خواهد گرفت که من را ببخشد یا نه.»

محمد حسین رجایی

آلمان

اوضاع امنیتی در افغانستان خیلی بد بود. از انفجار و انتحار می‌ترسیدم، هر باری که انفاجاری و یا انتحاری رخ می داد تصمیم ترک افغانستان در ذهنم بزرگتر و جدی تر می شد. از سوی دیگر دلهره‌ی از دست دادن شغلم آرامش را از من سلب کرده بود. معاش مناسب در بدل شغلی که انجام می دادم به دست نمی آوردم و کفایت نمیکرد. سر انجام تصمیم ام مبنی بر پیش گرفتن راه مهاجرت به سوی اروپا جدی شد و اواخر سال ۲۰۱۵ بود که افغانستان ترک کردم. در افغانستان کارهای وقفه‌ای در بخش آموزش استادان مکتب‌ها با کمیته ناروی کار کردم و معلم بودم. مدت چهارسال است که در کشور جرمنی پناهنده شده‌ام و در این مدت به زبان جرمنی تسلط یافته‌ام. حالا دانشجوی دوره فوق لیسانس در رشته دیتاساینس هستم و خیلی راضی‌ام. فرصتی‌که روزی رویایش را داشتم که عبارت از ادامه تحصیل بود حالا به واقعیت پیوسته. من برای دست یافتن به رویای رسیدن به شهر آلمان مشقت های زیادی را در راه کشیده‌ام. راه دشوار رسیدن به این رویایم مرگ را در پیش چشمان من مجسم کرده و بدترین روزهای ممکن را دیده‌ام. گذشته از همه چیز، متاسفانه افغانستان امروز را بدتر از دیروز میبینم. طبیعی است که هیچ جا وطن و زادگاه خود آدم نمی شود؛ اما برای برگشت دایمی به افغانستان فکر نمی کنم.

قادر عسکری

فرانسه

پانزده سالم بود که تصمیم گرفتم افغانستان را ترک کنم، افغانستان مکان مناسب برای زندگی آرام نبود. در ۲۰۰۵ از شدت تنگدستی راه فرار به پیش گرفتم. هنگامی که خانه را ترک کردم هوا تاریک بود و آن تاریکی ۳۰ روز تا رسیدن به فرانسه مرا همراه بود. شبها را در جاده و جنگل‌ها گرسنه صبح میکردم. من طفل بودم که خانواده ام از من مایل ها دور بود و ترس و تنهایی در یک کشور کاملا بیگانه بشدت به من آسیب روحی وارد کرده بود. در میانه‌ی راه که از همراهانم عقب می افتادم از سوی قاچاقبران کتک میخوردم. گرسنگی، تشنگی و خستگی در مسیر راه بارها زمین گیرم کرد. با هزار و یک دشواری و ترس خودم را به فرانسه رساندم، سرانجام تاریکی ای که ساعت دوی آن شب با من همراه شد تمام یافت. کشور مورد نظر من فرانسه نبود؛ چون برادر کلانم به من گفته بود که فرانسه جای خوبی برای شغل و درآمد خوب نیست. دوستانم هم بارها برایم گوشزد کرده بود که نباید خودم را در دست ماموران فرانسه تحویل بدهم و به هر ترتیبی میشود خودم را به یکی از کشورهای دیگر برسانم؛ اما من طفل بودم، یک طفل بی دفاع! به محض رسیدن به فرانسه ماموران این کشور مرا گرفتند اما از کشور شان بیرون نیانداختاند. هراس داشتم که مبادا مرا با آن همه زحماتی که در راه رسیدن به اروپا کشیده بودم در آب برود و دوباره مرا راهی

افغانستان کنند. زندگی من قصه‌ی طولانی دارد. من نوجوانی ام را در غربت گذراندم و در غربت بزرگ شدم و در غربت عادت کردم. دیگر با دلتنگی های پس کوچه های خانه‌ی مان عادت کردم. در شبهای نخست دوری از خانه و خاکم از خواب می پریدم، اما گریه نمیکردم، من خودم انتخاب کرده بودم که مهاجر باشم...گذشته از همه چیز، اکنون به عنوان انجنیر متخصص جعبه سیاه موترهای بزرگ در شهر پاریس کار میکنم. گهگاهی دلتنگی مرا وادار می کند که برای دایم به افغانستان بر گردم اما دلم گرم امنیت و ثبات شغلی‌ای است که در اینجا برایم مهیا است؛ هرچند دلم تنگ کشورم است.

مریم بهادرزاده

کابل

من به عنوان یک زن افغانستانی گاها فکر میکنم که حقوق انسانی و آزادی‌هایم در کشور اندکی از من سلب میشود، مانند هر دختر دیگر رویای آزادی و رشد در سر دارم، توانایی هایی دارم که زیر حاله‌ی بیم از پندارهای سنتی مردم گیر مانده است. این دغدغه هر از گاهی مرا وا میدارد جایی بروم که بتوانم توانایی‌ام را استفاده کنم و از حق فردی ام مستفید شوم؛ اما این دغدغه‌ی همیشگی‌ام نیست، من متوجه رشد زنان زیادی در جامعه ام، اکنون شاهد حضور زنان در بخش های مختلف حکومت و جامعه ام، زنان حتی در سطوح رهبری و تصمیم گیری حضور دارند. با آنکه در افغانستان سنگ و چاله های زیادی سد راه رشد من وجود دارد و من باید چند برابر مردان تلاش و از آزادی و حقوقم دفاع کنم؛ اما بازهم من مصمم به مبارزه شدم و افغانستان و زادگاهم را هیچ گاهی ترک نخواهم کرد. اکنون من در یکی از نهادهای دولتی وظیفه دارم و مصروف تحصیل در رشته‌ی روابط بین الملل در یکی از دانشگاه های خصوصی ام. من رویای پرواز در بلندای قله های موفقیت دارم. در افغانستان می‌مانم و رویاهایم را لمس خواهم کرد.

انعام الله

ترکیه

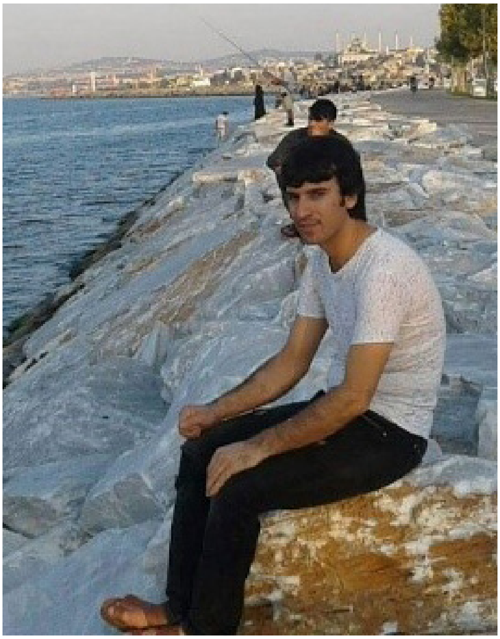

بهرنیو هېوادونو ته له هېواده د ډلو ډلو ځوانانو تگ زما هم زړه را پورته کړ او اروپا ته تگ سره مي لېواتیا دومره ډېره شوه،چې په کور کي شپو ورځو خوند نه راکاوه،هر ورځ به مي چې دملگرو او دوستانو دتگ کیسي اورېدي نو ورځ تربلې به مي اروپا ته دتگ مینه زیاتېده که څه هم کورنۍ مي اجازه نه راکوله خو دا زما غوښتنه وه.
ماد خپلي دغي غوښتني دپوره کولو لپار خپله کورنۍ حفه کړه او دیوه نږدي خپلوان چي هلته په ترکیې کي د انساني قاچاق کاروبار کاوه په وسیله له ډېرو سختو او مرگونو لارو ځان ترکیې هېواد ن ته ورساوه، پوره اووه کاله کېږي چي دلته په ترکیې کي ژوند کوم. دژوند په دغي موده کي مي ډېري سختي وگاللي شپه او ورځ مي کار وکړ،خو بیا هم په دومره اوږ ده موده کي ونه توانېدم چي په هغه هېواد کي دهستوگني قانوني سند تر لاسه کړم او لا هم لالهانده او سرگردانه ژوند پرمخ وړم.

رحمت الله افغان

دبی

په کلي کې مې خواري مزدوري کوله ژوند مې ښه و، خپلې کورنۍ ته مې حلاله روزي پیداکوله خو دکلي امنیتي وضعیت ښه نه و،وخت ناوخت به د د ولت ضد وسلوال هم راتلل، بېځایه به یې زوررولم اړ یې کړم ،چې خپل کور کلی پرېږدم په بل ځای کې راته کارو بار هم نه پیدا کېده نو یوازینۍ لار،چې زه پرې باید لاړ شم دهېواد پرېښودل و. دوبۍ ته راغلم او دلته هم راباندې نږدې یوه لسیزه تېره شوه خو لا مې هم برخلیک معلوم نه دی،چې څه به کېږي هغه چې وایي پردی کټ تر نیمو شپو وي رښتیا هم په پردي هېواد کې دژوند کولو بارو نه شته اوس په دوبۍ کې ژوند کوم خو دلته پر ژوند مې زړه نه دی تړلی او یقني یم چې یوه ورځ به مې بېرته خپل هېواد ته لېږي که دا دومره وخت مې په خپل هېواد کې دومره زحمت گاللی وی اوس به دیو ښه کاروبار خاوند وم خوبدبختانه چې دلته لا هم دکار کولو قانوني حق نه لرم.

سید پاڅون سیدي

ننګرهار

که ولسمشر د افغان کډوالو او پناه اخیستونکو د راستنېدو غوښتونکی وي نو باید دخلکو د سرپناه او بېکارۍ ستونزه حل کړي، ترڅو دوی وطن ته په خپله خوښه راستنېدو ته لېواله شي. هغه کډوال چې د ایران او پاکستان هېواد څخه هېواد ته ستنیږي طبیعي ده، چې ټول پیسو او نفقې ته ضرورته لري او هغه مرستې چې د افغان دولت او یو شمېر داخلي او نړیوالو مرستندویه ادارو له لوري ددوی سره کېږي بسنه نه کوي.

مسابقه ورزشی میان تیم های عودت کننده ها و بیجاشده های ولایت پنجشیر برگزارشد

آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت پنجشیر، بتاریخ ٤سنبله سال روان مسابقه دوستانه فوتبال را میان تیم های عودت کنندگان و بیجاشده ها در آن ولایت برگزار نمود.
تیم های فوتبال عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی تحت نام های عقابان بازارک و شاهین بازارک در حضور داشت، هیأت اعزامی وزارت امور مهاجرین، آمر ورزشی و نمایندگان عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی در مرکز آن ولایت مسابقه دوستانه را انجام و در نتیجه تیم شاهین بازارک برنده مسابقه شد.
برای تیم برنده کپ و تقدیرنامه مقام اول توسط آمرمهاجرین و برای تیم عقابان بازارک کپ و تقدیرنامه مقام دوم توسط آمر ورزشی ولایت توزیع گردید.
درختم مسابقه ورزشی، محفلی به اشتراک ٧٤ تن عودت کننده و بیجاشده داخلی دایر و آمر امور مهاجرین در مورد حقوق اجتماعی عودت کنندگان و بیجاشدگان داخلی، عبدالله موفق آمر اشتغالزایی ریاست عودت و ادغام مجدد در رابطه مزایای داشتن تذکره تابعیت، شمولیت اطفال و جوانان عودت کننده و بیجاشده در مکاتب و موسسات تحصیلات عالی، به حاضرین توضیحات دادند.
در اخیر یکتن از نمایندگان بیجاشده ها از توجه مقام وزارت و اداره مهاجرین در راستای رسیدگی به مشکلات و تامین نیازمندی های شان ابراز امتنان نموده و بخاطر ایجاد زمینه اشتغال و خودکفایی اقتصادی پروژهای فنی وحرفوی راپیشنهاد نمودند.

تیم فوتبال پیام صلح مهاجرین با ترکیب جوانان بازگشته از مهاجرت در ولایت نیمروز ایجاد شد

این تیم فوتبال که تمام بازیکنان آنرا جوانان بازگشت کننده از مهاجرت تشکیل داده است، به هدف ادغام فرهنگی بازگشت کنندگان در ولایت نیمروز ایجاد گردیده و در مسابقات ورزشی آن ولایت اشتراک خواهد داشت.

ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت نیمروز با تمویل اداره کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) در ایجاد این تیم همکاری مشترک داشته و در نتیجه روز شنبه ۱۵ سنبله سال روان تیم ورزشی عودت کنندگان و پیام صلح مهاجرین اولین مسابقه دوستانه اش را انجام داد.

در مسابقه تیم پیام صلح مهاجرین که روز شنبه ۱۵ سنبله در شهر زرنج برگزار شد رئیس امور مهاجرین، آمر ورزشی، آمر جوانان و هیئت اعزامی وزارت امور مهاجرین اشتراک داشتند.

این مسابقه با اهدای کپ ورزشی و تقدیرنامه ها برای هردو تیم پایان یافت.

قابل یادآوریست که پیش ازین نیز در برخی ولایات دیگر کشور نیز تیم های ورزشی با ترکیب جوانان بازگشت کننده از مهاجرت ایجاد گردیده و مسابقات دوستانه داشته اند.

د ننگرهار ولایت د شېخ مصري ښارگوټي د واليبال ټيم د لوبې گټونکی شو

د ننگرهار ولایت د کډوالو چارو ریاست د شیخ مصري ښارگوټي او چمتلي لوبډلو ترمنځ د واليبال دوستانه سیالۍ ترسره کړې.

دغه سیالۍ د ننگرهار ولایت دکډوالو چارو ریاست د کارمندانو او د وزارت د پلاوي په شتون کي ترسره شوه چې د شیخ مصري ښارگوټي لوبډله په دې سیالۍ کې گټونکي شوه . په دې سیالیو کې بوبغاړو ته د کډوالو چارو رياست په همکارۍ او همغږۍ د وزارت د پلاوي له لوري وسایيل ورکړل شو او دلوبغاړو د هڅوني په موخه ورته ستاینلیکونه او کپونه ورکړل شول.

تلاش بایسکل سوار زن افغان برای المپیک توکیوی ۲۰۲۱

از چندین ماه تا کنون معصومه علیزاده، بایسکل سوار افغان مقیم فرانسه، برای عضویت در تیم المپیک پناهندگان ۲۰۲۰ با جدیت تمرین می‌کرد. حال که برگزاری بازیهای المپیک به دلیل شیوع ویروس کرنا به ماه جولای سال ۲۰۲۱ به تعویق افتاده، او از این تصمیم حمایت می‌کند اما برای برنامه‌های امسالش نگران است.

بر اساس گزارش مهاجر نیوز معصومه از ۱۶ مارچ تا کنون بایسکلش را کنار گذاشته و در قرنطین به سر می‌برد. این ورزشکار ۲۳ساله افغان که در سال ۲۰۱۷ با خانواده‌اش به فرانسه پناهنده شد، شهر دانشگاهیش، لیل را ترک کرده تا به پدر و مادرش در اورلئان به پیوندد.

روز ۲۴ مارچ وقتی خبر به تعویق افتادن بازی‌های المپیک توکیو از ماه اگست ۲۰۲۰ به سال ۲۰۲۱ منتشر شد، معصومه در منزل نزد پدر و مادرش بود. او می‌گوید این تصمیم که به دلیل شیوع ویروس کرونا گرفته شده برای حفاظت« سلامتی مردم جهان» ضروری بود اما بعد از یک سال فداکاری و تمرین، باعث نومیدی

ادامه در صفحه بعد

او شده است. معصومه در ماه نومبر ۲۰۱۹ یک بورس کمیته ملی المپیک را به دست آورد تا برای شرکت در بازی‌ها آمادگی بگیرد. قرار بود فهرست بازیکنان منتخب تیم المپیک پناهندگان در ماه جون اعلام گردد اما بحران ویروس کرونا این برنامه‌ها را به هم زد. معصومه که در دانشگاه پولی تخنیک لیل در رشته انجنیری ساختمانی درس می‌خواند، می‌گوید:«من کمی ناامید شدم زیرا تصمیم گرفته بودم که امسال فقط بایسکل سواری را تمرین کنم و برای بازیهای المپیک آماده شوم. با دانشگاهم قرار گذاشته بودیم که فقط سه مضمون را بخوانم. چون در کارهای عملی دانشگاه شرکت نکردم امسال را از دست دادم در حالیکه سال آینده شاید دوباره همین کار را کنم.»

با این حال، او خوش بینی را از دست نداده و می‌گوید حداقل بایسکل سواری را ادامه خواهد داد:« هنوز جوان هستم و سال آینده یا سال بعدتر به درسهایم رسیدگی خواهم کرد.»

معصومه تلاش دارد با وضعیت کنونی با آرامش برخورد کند. حال که قواعد قرنطین مانع تمرین بایسکل سواری او شده، «ملکه کوچک کابل»، لقبی که رسانه‌های فرانسوی به او داده‌اند، تصمیم گرفته از این فرصت برای ارتقای سطح زبان فرانسوی‌اش استفاده کند: «به این ترتیب سال آینده درس‌هایم ساده تر خواهد شد زیرا تا هنوز هم کلمات زیادی را در فرانسوی نمیدانم.»

یک تن از مربیان معصومه در بایسکل سواری می‌گوید:«در سطح جهانی، فقط ۶۷ زن توانایی شرکت در مسابقات را دارند. در هر کشور، سطح ورزشکاران بسیار بسیار بالا است. اما مهم این است که معصومه در خط آغاز مسابقه حضور داشته باشد.» به این دلیل که معصومه سمبول رهایی و ادغام زنان به شمار می‌رود. او در افغانستان با خواهرش زهرا، به خاطر علاقه‌اش به ورزش بایسکل سواری مورد تهدید قرار گرفت و با خانواده‌اش به فرانسه پناهنده شد.

نادیه ندیم، هغه ستورې ده چې دخپل پلرني هېواده لېرې په فرانسه کې ځلیږي

کډوال نیوز- نادیه ندیم هغه پخوانۍ افغان مهاجره ده چې اوس د پاریس سن جرمن د ښځینې لوبډلې غړیتوب لري. تمه ده چې نوموړې د چهارشنبې په ورځ چامپینز لیگ سیالو کې له لیون المپیکلوبډلې سره د پاریس سن جرمن مهاجمې په توگه لوبه وکړي.

نادیه ندیم ۳۲ کاله مخکې د افغانستان په هرات ښار کې زیږېدلې ده. پلار یې د افغانستان د اردو ملي جنرال و. هغه د طالبانو له خوا د خپل پلار تر وژنې وروسته له خپلې مور او څلورو خوېندو سره لومړی پاکستان ته لاړه. دوی له پاکستانه د جعلي پاسپورټونو په وسیله ځانونه ایتالیا ته ورسول او بیایې یوه لارۍ کې په قاچاقي توگه ډنمارک ته سفر وکړ.

آغلې ندیماو کورنۍیې لومړی د ډنمارک کوپنهاگن ښار ته نږدې سندلم کې د مهاجرو په یو کمپ کې ژوند کاوه. خو وروسته بیاچارواکو دوی د ډنمارک شمالي البورگ ښار ته څېرمه د پناه غوښتونکو یو کمپ ته انتقال کړلې. نادیې په همدغه کمپ کې فوټبال پیل کړ.

نادیه ندیم چې له ۲۰۰۰ کال راهیسې په ډنمارک کې ژوند کوې په ۲۰۰۸ کال کې ددې هېواد تابعیت ترلاسه کړاو په ۲۰۰۹ کال کې د ډنمارک ملي لوبډلې غړې په توگه وټاکل شوه. هغه لومړنۍ مهاجره ده چې د ډنمارک دملي لوبډلې غړیتوب یې ترلاسه کړی دی.

مهاجرت؛ سفری کوتاه به درازای عمر آدمی

عبدالله اطلس_صبح کابل

خیلی وقت بود که با برادرم فقط تماس تلفونی داشتیم. تصمیم گرفتم به زودی از نزدیک ببینم.

عصر جمعه بیست و دوم قوس ۹۸ با همکای هم اتاقی ام دکتر کریمی بلیت رفت ساعت

ادامه در صفحه بعد

۲:۳۵ پس از چاشت شنبه تنظیم شد. فردا ساعت یک‌ونیم با خیال راحت از خوابگاه زدم بیرون، سوار اتوبوس شدم و گفتم سر وقت می رسم. بعدی نیم ساعت متوجه شدم کمی دیر بجنبم قطار بی‌قطار.

از شانس من اتوبوس طوری راه می‌رفت مثل این که عروس می‌برد. حوصله‌ام سرآمد. نزدیک یک ایستگاه کنار زد؛ پیاده شدم و فوری تاکسی گرفتم خودم را رساندم نزدیک راه آهن. گرچند بلد بودم با این حال وقتی از تاکسی پیاده شدم، از راننده تشکری کرده گفتم، می‌خواهم راه آهن بروم از کدام طرف می‌روند. با دست جهت را نشانم داد.

پیاده راه افتادم حدوداً هفت دقیقه به انتهای خیابان می‌رفتم تا به ایستگاه راه آهن برسم. کمی آن طرف‌تر چشمم به یک پیرد مرد افتاد که کفش واکس می زد. چند دانه واکس دو سه تا قوطی رنگ کفش پهلویش بود. تکه‌ای را به عنوان فرش زیر خود گذاشته بود و روی آن چهارزانو نشسته و روی زانوهای خود هم پارچه ای انداخته بود. دلم سوخت؛ مدتی نگاهم را از آن برنداشتم. کنارش که رسیدم آهسته قدم گذاشتم. دلم می‌خواست با او حرف بزنم، ولی با خود گفتم از کجا آغاز کنم من که با او هیچ حرفی برای گفتن ندارم. دو قدم پیش گذاشتم دوباره برگشتم گفتم خوبی پدرجان؟ نگاهم کرد بدون این که جوابم را دهد گفت: «آه، می‌خواهی حمام کنی؟ تا از حمام برآیی کفشاتو بده رنگ می‌کنم.» تازه متوجه شدم این پهلو حمام عمومی است، حالا برگشتم یادم آمد اگر کفش خود را رنگ کنم، راحت‌تر می توانیم با هم حرف بزنیم. کفش‌های خود را دادم گفتم خیلی ببخشی این‌ها را واکس بزن. ساعت گوشی‌ام را نگاه کردم، دیدم هنوز وقت دارم. نشستم کنار پیرمرد، تلفونم را روی ضبط زدم، گفتم: «پدر جان از کدام ولایت استی؟» گفت که بامیان است. گفتم: «خب، منم از بامیانم، از کجایی بامیانی؟» گفت: «از شبرتو استم؛ حالا حدود بیست سال است آمدم ایران، جنگ‌های طالبان و جنگ‌های داخلی من و امثال من را مهاجر کرد.»

با شنیدن این که گفت مهاجرم کرد، دلم سوخت. قبل از این فقط تاریخ خوانده بودم و کماکان از مهاجرت در جریان خواندن تاریخ در ذهنم صحنه‌سازی کرده بودم. از زمان عبدالرحمان خان مهاجرت‌های اجباری، جابه‌جایی همه اقوام ملت افغانستان، کشتارهای سیاه و فراقومی، فرامذهبی، و فرازبانی و مهاجرت‌های فرامرزی در کشورهای ایران، پاکستان، عراق، تاجکستان، هند و ده‌ها کشور دیگر از لابلای تاریخ در ذهنم مجسم شد.

مدتی نشستم، دست‌های چروکیده و حالت حاکی از درد و رنج و دوری از وطن و صدها مشکلات در زندگی را از نزدیک با چشمانم دیدم. فقط در صفحات تاریخ از این مهاجرت‌ها در ذهنم بود و حالا داشتم از نزدیک در آن چهره حس می‌کردم. پرسیدم که درآمد این شغل کفاف زندگی روزمره‌ات می

ادامه در صفحه بعد

شود؟ نگاهم کرد و گفت که کاش این کار را در جای ثابت برایم اجازه می‌دادند. هر روز شهرداری آمده وسائلم را جمع کرده در سطل آشغال می‌اندازد. یادم از آن آمد که امیر هاشمی مقدم در کتاب خود «سفر به سرزمین آریایی‌ها» مطرح می‌کند: «برخی از ایرانی‌های عزیز مدعی می‌شوند که افغانستانی‌ها فرصت‌های کاری جوانان ایران را گرفته اند. کدام کار؟ هیچ افغانی پشت میز ادارات (که جوانان ایرانی به کمتر از آن راضی نیستند) ننشسته است. همه‌ی آن‌ها در کارهای بسیار سختی کار می‌کنند که جوانان ایرانی حاضر به پذیرش آن نیستند. کار در کوره‌ی آجُرپزی، چوپانی گله‌ها، حفر چاه و فاضلاب، کفاشی و ... برخی از اصلی‌ترین مشاغل افغانستانی‌های مقیم ایران است.» (مقدمه،سفرنامه افغانستان:۱۳۹۷،ص ۲۳).

تأثیرهای مهاجرت در بی‌کاری به سادگی قابل تشخص نیست؛ زیرا معمولا مهاجران دارای توزیع شغلی و رشته‌ی فعالیتی و محل سکنایی جداگانه در کشور مقصدند. بنا بر این، در رقابت کامل و مستقیم با نیروهای کار محلی قرار نمی‌گیرند. در برخی شرایط حتا پیش می‌آید که بوم‌گزینی و بی‌کاری را با از میان برداشتن تنگنا های ناشی از عرضه‌ی کار داخلی در مشاغل معین یا در نواحی معین، کاهش دهد و موجب افزایش اشتغال شود. دیده شده است که بازگشت بوم‌گزاران مشکلاتی در بخش‌های بازار کار ایجاد کرده و به افزایش بی‌کاری منجر می‌شود. این مهاجران یا بوم‌گزاران، در کنار افزایش نیروی کار، میزان تقاضا برای کالاهای مصرفی را نیز افزایش می دهند؛ بر این اساس مقدم در کتاب خود یادآور می‌شود که اگر کارگران افغانستان نبودند، واقعا نیروی کار ساده‌ی بسیاری از طرح‌های عمرانی و کارهایی که از نظر ما منزلت پست دارد را چه کسی تأمین می‌کرد؟ من (امیر هاشمی مقدم) چندی پیش با کارشناسان اداره‌ی کار استان (ولایت) سیستان و بلوچستان (که زمانی بیشترین مهاجران افغانستانی را در خود جای داده بود و اکنون تبدیل به استان‌های ممنوعه برای افغانستانی‌ها شده) گفتگو می‌کردم.

می‌گفتند پس از اخراج افغانستانی‌ها از این استان، بسیاری از مشاغل و صنایع این استان نیز به تعطیلی کشیده شده است؛ چرا که کارگران بومی، حاضر به کارکردن در این حوزه‌ها نیستند. برای نمونه، مدیر یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های کنسروسازی استان به اداره‌ی کار مراجعه کرده و گفته که بارها آگهی به روزنامه داده که برای برخی از بخش‌ها حاضر است دو برابر حقوق بدهد؛ اما هیچ کارگر ایرانی‌ای بیش از یک روز در آنجا تحمل نمی‌کند. در جای دیگر از زنده‌یاد دکتر پرویز ورجاوند یاد می‌کند که داستان مشابهی دارد، او از کارخانه‌های سنگ‌بری در یکی از شهرهای ایران که پر از کارگران افغانستانی بود؛ در حالی که جوانان آن شهر در سطح شهر بی‌کار می‌گشتند، وقتی علت را جویا شد، اهالی شهر گِله کردند که جوانان آنجا دیگر حاضر نیستند به کارهای

ادامه در صفحه بعد

این‌چنینی بپردازند.
کسانی که ادعا می‌کنند افغانستانی‌ها کار را از دست ما گرفته اند، آیا حاضر اند با چنین شرایط و وضعیتی کفاشی کنند؟ من که باور نمی‌کنم.
گفتم پدر جان پسر کارگر نداری؟ آهی از دل کشید و گفت، یکی از آن‌ها که توان کار کردن را دارد، سه سال قبل به ترکیه فرستاده بودم و از بخت کم ما که با هزار زحمت و خطر خود را رسانده بود؛ ولی مدتی پیش دوباره برگرداندند.
وی می‌گفت: «پسرم پس از آمدنش تمام رفتار و عمل شان فرق کرده است و شدیدا از لحاظ روحی متأثر شده است. پسرم می‌گوید من تقریبا سه سال از عمر خود را در کمپ مهاجرت سپری کردم و سرانجام هم دیپورت شدم.» گفتم خوب، چرا این کار را کردی این‌جا با این همه امکانات چرا پسرت را برای تحصیل روان نکردی؟ لحظه‌ای مکث کرد؛ بعد گفت: «مگر من نابودی او را می‌خواستم؟» زیر چشمی نگاهی کردم و گفتم که به هیچ وجه؛ هیچ پدری نابودی پسرش را نمی‌خواهد. دوباره با لبخند نگاهم کرد گفت: «میدانی من فقط برای آینده‌ی پسرم این کار را کردم و اندک پولی را که از مزد کارگری داشتم دادم و خیال می‌کردم که اگر آن‌جا قبول شود زندگی راحت‌تر و بهتری را خواهد داشت. از طرف دیگر چه فرق می‌کند بالاخره مسافر استیم، در هر کجا که باشیم.» در یاد آن کتاب «چه کسی مرا این همه از خانه‌ام دور کرده اند؟» از ابراهیم امینی که از جریان سفرش در اورپا بازگو کرده است افتادم.

رویایی شدم و پرواز کردم به آن روزهایی که از تلویزیون داشت خبر از سفر مهاجران افغانی به ترکیه می‌داد (گارد ساحلی یونان از غرق شدن پنجاوسه مهاجر افغان به شمول کودکان خبر داد...
دیگر دیرم می‌شد؛ کفش‌هایم واکس خورده بود. پیرمرد جفت کفشم را پیش کرد گفت: «بفرما» تشکری کردم گفتم که چقدر می‌شود پولش؟ گفت: «سه هزارتومان (۲۱افغانی)» پول خرد نداشتم ده هزار تومان (۷۰افغانی) دادم گفتم بقیه‌اش مال خودت. راه افتادم و دیگر از شادی و سر حال بودنم خبری نبود. روحم خیلی خسته و سرگردان بود. پیرمرد را ترک کردم؛ ولی صحبت‌هایش همراهی‌ام کرد. دل‌مشغولی داشتم و سرم گیچ بود. هیچ چیز را نمی‌فهمیدم؛ فقط راه می‌رفتم تا رسیدم جلو ایستگاه. خلوت بود؛ نزدیک در که شدم در به گونه‌ی خودکار به رویم باز شد. داخل سالن شدم، دور و برم را نگاه کردم؛ بعضی‌ها دوتایی، سه‌تایی روی صندلی‌ها کنار هم دو طرف سالن نشسته با هم لبخند می‌زدند، لب می‌جنباندند و واکنش‌هایی در مقابل هم نشان می‌دادند که هیچ کدام شان برایم دیگر معنی نداشت. چند دقیقه‌ای به حرکت قطار مانده بود، از وسط سالن گذشتم تا انتهای آن که در خروجی بود. جلو در سربازی ایستاده بود و بلیت را بررسی می‌کرد.
تلفونم را بیرون آوردم و بلیت را نشان دادم؛ چون بلیتم الکترونیکی بود، آن طرف یک مرد ایرانی با لباس خاص (یونیفرم) نزدیکی در قطار

ادامه در صفحه بعد

ایستاده بود. بلیت را نشان دادم و مرا راهنمایی کرد. گفت: «طبقه‌ی دوم سالن دوم صندلی ٦۴ آقا» تشکری کردم و سوار قطار شدم. ساعت دقیقا ۲:۲۵ بود، صندلی‌ام در آن سالن ردیف دوم قرار داشت و صندلی پهلویم خالی بود. ردیف اول جلو من یک دختر جوان نشسته بود که با تلفون حرف می‌زد؛ از حرف زدنش زیاد چیزی نفهمیدم، فقط دانستم که دوستش را به جشن تولد خود به روز یک‌شنبه دعوت می‌کرد. دلم خواست بگویم اگر زحمتی نیست من هم روز تولد شما مهمان ناخوانده باشم؛ تولدت مبارک! ولی هیچ حوصله‌ی حرف و حدیث را نداشتم.

ساعت ۲:۳۵ قطار راه افتاد، کتاب رمان «آوای وحش» از جک لندن با ترجمه‌ی هوشنگ اسدی در دستم بود که تصمیم داشتم داخل قطار مطالعه کنم؛ اما حوصله نداشتم. دلم می‌خواست پنجره را باز کنم تا شاید باد به صورتم سیلی بزند تا حالم اندکی بهتر شود؛ اما از بخت بد آن پنجره باز نمی‌شد. یادم به صحبت‌های پیرمرد افتاد، به یاد وطن افتادم، وضعیت امنیتی، بیوه شدن زنان، یتیم شدن کودکان و معلولیت را از ذهنم گذراندم و به عاملان آن لعنت فرستادم. کم کم رؤیایی شدم و به عالم رؤیا پرواز کردم و به خواب رفتم.

زمانی که از خواب بیدار شدم، دیدم هنوز هم سوار قطار استم. همین که از قطار نیز پیاده شدم، دیدم باز هم از قطاری که مهاجرت و دربه‌دری است، پیاده نشده‌ام. این قطار بدون خستگی راه می‌کند و راه می‌کند تا این که رفته رفته یا به آوارگی خو بگیرم و یا هم از قطار زندگی پیاده شده و خود را راحت کنم. زندگی در مهاجرت فرقی نمی‌کند که در ایران یا ترکیه و یا هم یکی از کشورهای پیش‌رفته‌ی جهان باشد. زمانی که تو در مهاجرت به سر می‌بری، حتا در متمدن کشورهای جهان، حس بیگانه بودن با محیط را با هیچ باور فلسفی و انسان‌دوستانه‌ای نمی‌توانی از خودت دور کنی. از کوچه‌ها و خیابان‌ها گرفته تا مرد پشت پیشخوان بقالی سر محل تان و یا صاحب امتیاز فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای همه و همه برای تو بیگانه اند. حتا تازگی‌ای که باد برخاسته از ساحل، صبح‌گاهان تو را در لذت غرق می‌کند؛ نیز لذتی بیگانه است و تو نداشتن حس مالکیت را روی آن زندگی می‌کنی.

از سوی دیگر به دلیل مصروفیت‌ها و روش زندگی در مهاجرت، وارد شدن در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، دشوارتر از ادامه‌ی زندگی در افغانستان می‌نماید. باشنده‌ی افغانستانی به هر دلیلی نه در کشور خود به آرامش می‌رسد و نه هم در مهاجرت. شانس بد و دلتنگی و افسردگی، سایه‌وار دنبالت می‌کند؛ کافی است که مهاجر باشی.

پیر محمد کاروان

پیر محمد کاروان د نور محمد زوی دی او دخوست ولایت د تنیو ولسوالۍ د نریزې په کلي کې زیږیدلی دی. خپلې لومړنۍ زده کړې یې د نریزې د کلي په لومړني ښوونځي کې ترشپږم ټولګي سرته رسولي. د ښوونځي د درسونو ترڅنګ یې په ماشومتوب کې د قران کریم او یوځو نورو دیني درسونو کتابونه هم لکه خلاصه، منیه او ځیني نور ابتدايي دیني کتابونه هم لوستي.

جنګ خو دلته ډزې د جومات پر مناره کوي

جنګ خو دلته ډزې د جومات پر مناره کوي
سوله تورې ناسته ده له لرې ننداره کوي
وګورئ د اور سمندر واخیستو افغان وطن
نورو د اوبو جامې اغوستې کناره کوي
نه شته څه ایمان په ګاونډیو کې، زه ویر کوم
دوی راپورې خاندي د ژړا مې قواره کوي
نه منم د ډېرو لافې شافې غورې پرې نور
هر څو که قسم راته په هره سیپاره کوي
ژوند مېرنی مور ده ترخه مرچ یې پر تندي باندې
څه ترخې نادودې پر یتیم پر آواره کوي
دلته سپاره راشي زمونږ پلې تر پښو لاندې کړي
ځینې غلامان یې د آسونو خرخره کوي
تږی دی دمینې او د امن د اوبو تږی
ستا کاروان به څو پورې په اوښکو ګوزاره کوي

میان مرز و مرض همیشه به آب و آتش زدی خودت را

سهراب سیرت

سهراب سیرت شاعر و روزنامه نگار افغان مقیم لندن است. در سال ۱۳۶۹ در بلخ به دنیا آمده، در ۱۳۹۰ سند لیسانس‌اش را در رشته زبان و ادبیات دری از دانشگاه بلخ به دست آورد و در سال ۲۰۱۹ سند فوق لیسانس‌اش را در رشته سیاست بین المللی از دانشگاه لندن کسب کرد. او سر انجام در سال ۱۳۹۳ در لندن رفت و در آنجا پناهنده شد.

سیرت از نویسندگان نامدار نسل جوان است و آوازخوانان افغان اشعارش را با موسیقی خوانده است. وقتی هفده سال داشت به نوشتن شعر شروع کرد و در سال ۱۳۸۸ خورشیدی، زمانی که فقط ۱۹ سال داشت نخستین مجموعه شعرش با نام «خارهای حسود» از سوی انجمن نویسندگان بلخ به چاپ رسید. او عضو انجمن نویسندگان بلخ و مسئول انجمن قلم افغانستان در بلخ بود. سهراب سیرت همچنین یکی از بنیان‌گذاران انجمن ادبی «حلقه زلف یار» و «جبهه ادبی الف تا یا» و مدیر مسئول ماهنامه ادبی «ترنم» در بلخ بود. تا کنون دو مجموعه دیگر سهراب سیرت تحت عنوان های دوری پرنده نیست که برگردد در سال و ۱۳۸۹بوسیدن زنبور عسل در ۱۳۹۵ منتشر شده است. او جایزه اول قند پارسی در غزل ۱۳۹۰ ، منتخب شعر ژاله اصفهانی در لندن ۱۳۹٤ و جایزه مولانا جلال الدین محمد بلخی ۱۳۸۹ از آن خود ساخته است.

دوباره صبح از دریچه سر زد دوباره سر از یَخَن کشیدی
خزیدی از بستر ایستادی چنان که پای از لجن کشیدی
دوباره کابوس دیشبت جنگ، تیر خوردن،، فرار کردن...
در ایستگاه قطار آهی از آن‌سوی جان و تن کشیدی
نگاه کردی به ساندویچی که کاه بر مزه‌اش شرف داشت
نشد که آن لقمه مثل عقده فرو رود...از دهن کشیدی
چه خواهرانه‌درخت بود آن که در صفایش برادرانه
گیاه خوش‌دود بی‌پدر را به یاد مادروطن کشیدی
نشد که عادت کنی به شهر نگاه و لبخندهای جعلی
به کنج تنهایی‌ات به گریه، غریو چون کرگدن کشیدی
به خود خیانت اگر نکردی تنت چرا بوی نفت می‌داد؟
برهنه ماندی همیشه دیگر خجالت از پیرهن کشیدی
دوباره زخم و دوباره حسرت، دوباره پس‌گردنی غربت
به روی نعش امیدهایت هزارباره کفن کشیدی
میان مرز و مرض همیشه به آب و آتش زدی خودت را
به خود در آیینه دیده گفتی: چه‌ها که از دست من کشیدی!

وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

۱۳۸۱

Ministry of Refugee and Repatriation

د افغانستان اسلامی جمهوریت
د کدوالو او راستنېدونکو چارو وزارت

Web: www.morr.gov.af
FB: Morr.gov
YouTube: Ministry of Refuges and Repatriations
Skype: MoRR Afg